

# اتحاد مردم

ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران

شماره ۱۰۶ دوره سوم دوشنبه ۱۶ آذر ماه ۱۳۶۰ برابر با ۱۰ صفر ۱۴۰۲ و ۷ دسامبر ۱۹۸۱ بهای ۳۰۰ ریال

# مانور نظامی آمریکا و انگلیس حلقه‌ای از توطئه علیه انقلاب ایران

امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا است، با دو هدف مشخص: نخست حفظ منطقه نفت خیز خاور میانه و دوم تدارک و آرایش قوا در "خط مقدم" برای باز بقیه در صفحه ۲

انجام گرفت و در سودان و سومالی و عمان انجام می‌گیرد، و مانورهای همانندی که در آینه‌ها با وسعت بیشتری در منطقه انجام خواهد گرفت، در واقع اشغال نظامی منطقه از جانب

مانور نظامی آمریکا، با همکاری انگلستان، در عمان، که در همسایگی بلا فصل کشور ما انجام می‌گیرد، تنها نمایش قدرت و یا تنها تهدید نیست، مانورهای "ستاره درخشان"، که در مصر

## پیروزی از آن مردم قهرمان ایران است...

### جنگ تجاوزکارانه آمریکایی-صدامی علیه ایران انقلابی محکوم به شکست قطعی است

دلوران قهرمان ایران، در جبهه‌های نبرد پیروزی بزرگ دیگری به دست آوردند. رزمندگان خط اول جبهه، در یورش دلورانه خود در هفته گذشته، متجاوزان صدامی را از ۷۰ روستا راندند و بعد از فتح بستان، حرکت بی‌وقفه خود را برای شکست کامل دشمن ادامه می‌دهند.

اخباری که هنوز از این فتح بزرگ سرسبز، خبر از وسعت شکست دشمن و دامنه وسیع پیروزی رزمندگان ایران می‌دهد. این فتح، که در بستان شکستن محاصره آبادان بدست آمده است، خبر از آینده نزدیکی میدهد، که غلبه بر دشمن کامل شده باشد و متجاوزان صدامی از تمامی خاک میهن انقلابی مارانده شده باشند. یورش بزرگ امروز، نشانه فتح کامل فرد است.

و این "فردا" بیگمان از آن ایران انقلابی است، زیرا که تاریخ همواره سرنوشت مدافعان حق و عدالت را - دیر یا زود - پیروزی رقم زده است. پیروزی که آسودگی شکست برای دشمن است و سرنوشت همه جنگ‌های تجاوزکارانه نیز چنین بوده خواهد بود. نه اسکندر، نه چنگیز، نه هیتلر و نه هیچ خبیث دیگری از قماش آنها - چون صدام - نتوانسته و نخواهند توانست اراده مردمی را که برای دفاع از میهن خود بیخاسته‌اند، درهم بشکنند و قادر به فتح همیشه شوند. متجاوزان صدامی، چون تمامی اسلاف خود، سرنوشتی غیر از شکست ندارند. آینده مردم قهرمان ما نیز پیروزی است. این پیروزی را می‌توان با اتحاد همه نیروهای خلق، زیر رهبری امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، نزدیک و باز هم نزدیک‌تر کرد. اتحادی که در این پیروزی نیروی شگرف وحدت را باز هم بیشتر خواهد شناخت و آماده درهم شکستن همه توطئه‌ها و تجاوزهای آینده دشمن اصلی - امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا - خواهد شد.

### "اتحاد مردم" به سهم خود این پیروزی بزرگ را به همه مردم قهرمان ایران، به رهبر انقلاب و به رزمندگان خط اول جبهه، از پاسدار وارثی و بسیجی و دیگر نیروهای مردمی صمیمانه، تهنیت می‌گوید. ماهه همه قهرمانان گمنامی که در این فتح بزرگ جان خود را از دست داده‌اند، درود می‌فرستیم و رسیدن لحظه پیروزی نهایی را بی - صبرانه انتظار می‌کشیم.

و در این تردید نداریم که: پیروزی از آن مردم قهرمان ایران است...

## دولتی کردن بازرگانی خارجی یعنی حذف بازرگانان وابسته و واسطه‌ها

در صفحه ۱۰

## هنوز سه زنجیر پولادین اسارت باقی است، که باید از هم گسست!

ایران کشوری است پهناور و قریب یک پنجم خاک ایالات متحده آمریکا. ایران کشوری است دارای مقام دوم در جهان پس از شوروی از لحاظ ذخائر گاز. ایران کشوری است دارای یکی از مقام‌های اول در جهان از لحاظ ذخائر نفت.

ایران کشوری است متنوع و غنی، آب و خاک و جانوران و محصولات طبیعی گوناگون، و از این لحاظ در میان کشورهای جهان همانندهای زیادی ندارد.

بقیه در صفحه ۴

اعلامیه سازمان جوانان توده ایران بمناسبت

## ۱۶ آذر روز دانشجو:

### گرامی باد خاطره تابناک شهیدان دانشجو! دانشگاه، این سنگر استوار مبارزه ضد امپریالیستی باید گشوده شود

در صفحه ۸

## اعلامیه اتحاد دمکراتیک مردم ایران

## نخستین گام اتحاد

در پیش خواهند گرفت. در شرایطی که اصول بنیادی استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی، نه همان در بیان کلی بلکه در شناخت موارد کاربرد جزئی و تفصیلی خویش، از جمله در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بروشنی در زندگی توده‌های میلیونی شهر و روستای ما نشسته است و اکنون به صورت خواست همگانی و تاخیر ناپذیر زحمتکشان و محرومان ایران در آمده، در حالی که توده‌های انقلابی ایران، در عین آمادگی جاننازانه برای پاسداری کشور و انقلاب، هر روز در تجربه حوادث و در جوش و برخورد اندیشه‌ها آگاهی بیشتر و ژرف‌تری کسب میکنند، پرچم اتحاد بزرگ همه نیرو - های مبارز راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی "که با این بیانیه مشترک به همت حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آفرشته می‌شود، بی شک نقطه تلاقی امیدهای انقلابی خواهد شد و ندادی اتحاد، صرفه نظر از تفاوت در عقاید مسلکی و مذهبی، راهی در قلب و شعور انقلابی توده‌ها باز خواهد کرد. اتحاد ضرورت این روزگار است. بی‌غرنجی و گستردگی

مسائلی که انقلاب شکوهمند ایران در برابر خود دارد، و همچنین تلاش اهریمنی دشمنان داخلی انقلاب و توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم به سرکردگی امریکای جنگ افروز جهانخواهر - ناخواه اتحاد را بر نیروهای انقلابی مآخیز می‌کند. تعلل جایز نیست. راه ادامه و تثبیت و تحکیم انقلاب اتحاد است و پس "اتحاد دمکراتیک مردم ایران"، که از آغاز تا سیس بیوسته بر لزوم اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی تأکید ورزیده و این آرمان ارزنده را که سلاح پیروزی انقلاب است حتی در نام و عنوان خود بازتاب داده است، توافق خجسته حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را، صدور بیانیه مشترک تریکمی - گوید و آنرا در همه ابعاد، تأیید میکند. برقرار باد اتحاد بزرگ همه نیرو - های مبارز راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی!

پیروزی باد انقلاب بزرگ صدام - یابستی، مردمی و اسلامی ایران!

اتحاد دمکراتیک مردم ایران  
۱۳۶۰/۹/۱۴

## اعتصاب نه، کم‌کاری نه، محاسبه منطقی سهمیه تولید دستمزد، آری!

کارگران و احیاناً اخلاص برخی عوامل دانست. بجاست یادآور شویم که در هفته‌های اخیر زمزمه برپا کردن اعتصاب بقیه در صفحه ۱۶

محاصره اقتصادی، این اعتصاب به هیچ وجه توجیه‌پذیر نیست. کارگران نیز خود بر این امر وقوف کامل دارند و به همین جهت اعتصاب را می‌توان نتیجه عدم درک خواست قانونی

قطع سهمیه تولید در یکی از بزرگترین واحدهای صنعتی موجب اعتصاب و کم‌کاری شده است. در شرایط جنگ تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا بدست صدام علیه میهن انقلابی ما، و ادامه

## امام خمینی: آمریکاباز از این طرح‌ها دست بردار نیست

\* "امروز اگر بر اینها ثابت نشده باشد که این طرح‌های آمریکا می‌دهد، مخالف با مصالح خود منطقه است و مخالف با مسلمین است، باید بسیار نادان باشند. آمریکا باز از این طرح‌ها دست بردار نیست. آمریکا میخواهد با تمام قوا بین مسلمین اختلاف بیندازد." \* "باید همه مسلمین توجه کنند و به حکومت‌های خود تذکر دهند، که زیر بار طرح‌های آمریکا که از این به بعد یکی بعد از دیگری خواهد آمد، نروند و بازی نخورند از این شیاطین. اینها میخواهند شمار آلت دست قرار دهند و ذخائر شمارا بچاپند. آمریکا نظر سوء به شما دارد، شما را برای مصالح خودش میخواهد استخدام کند و استخدام کرده است و چرا شما ذخائر خودتان را در راه مقاصد شوم و پلید آمریکا صرف میکنید." \* "صدام اگر عقل داشت و آمریکا به او میگفت حمله به ایران بکن خلاف او را میکند." (از سخنان امام خمینی در مقابل گروهی از دانشجویان دانشکده افسری، اعضاء دایره مدیریت مهمات لجستیکی نیروی زمینی، عده‌ای از پرسنل هوانیروز تهران، گروهی از پرسنل پایگاه نیروی هوایی شیراز و جمعی از پاسداران انقلاب اسلامی - ۱۱ آذر ۶۰)

## سخنی درباره زنان:

## این انسانهای زاینده و پرورنده انسانها

مراعات حقوق اجتماعی و انسانی زن، نه در گفتار بل در کردار، شاخص متمدن و انقلابی بودن هر جامعه و هر فرد است

در صفحه ۱۴

## از جوسازی و تحریک علیه نیروهای انقلابی دگراندیش ممانعت کنید!

دکتر جاسبی، معاون نخست وزیر و دبیرکل امور اداری و استخدامی کشور. در گفتگویی اختصاصی با روزنامه اطلاعات (اول آذرماه ۶۰) در مورد خصوصیات "لایحه خدمات کشوری" و نظام ارزشی اسلامی حاکم بر اصول این لایحه، از جمله درباره استفاده از کارآیی متخصصانی که به دلایل گوناگون نیرو - هایشان هدر می‌رود، گفت: "بی تردید از افرادی که مخالف انقلاب نیستند (اگرچه انقلابی نباشند) ولی دارای تخصص و دانش هستند و می‌توانند به جمهوری اسلامی خدمت کنند، حداکثر استفاده (خواهیم کرد) از دانش و تخصص آنها بهره‌گیری لازم به عمل خواهیم آورد." این سخنان، که با اظهارات چندی پیش رئیس مجلس شورای اسلامی در مورد استفاده از متخصصان و بهره‌گیری از کلیه استعدادهایی که حاضرند مخلصانه برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کار کنند، و نیز اظهارات رئیس جمهوری، نخست وزیر، وزیر ارشاد اسلامی و سرپرست برنامه بودجه در این زمینه هم‌نوایی دارد، از اهمیت بسیار برخوردار است. این اهمیت تنها از آن جهت نیست که چنین اظهاراتی - که به گفته رئیس مجلس شورای اسلامی "نتیجه" -

بقیه در صفحه ۱۴

### مانور نظامی...

بقیه از صفحه ۱

پس گرفتن آنچه را که امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکا در منطقه از دست داده است.

نظور کلی، سیاست ایالات متحده آمریکا، که نظامیگری و استعمال قوه قهریه، به اقتضای طبیعت تجاوزکارانه امپریالیسم، جز لاینفک آنست، در چندساله اخیر، پس از مدتی "رکود" نسبی بدنبال شکست سخت و مقتضانه در ویتنام، دوباره راه تحصیل اراده "از موضع قدرت"، "تشنج فزایی"، "حرکت برلبه پرتگاه جنگ"، "سرکوب جنبش های استقلال طلبانه به وسیله قوه قهریه، حفظ کشورهای زیر سلطه به وسیله قدرت نظامی، کوشش برای باز-پس گرفتن کشورهای اردست رفته به وسیله تهاجم نظامی، در پیش گرفت، به نحوی که امروزه مداخلات نظامی خط مسلط در استراتژی سیاسی - نظامی آمریکا است. آمریکا امروز صلح را در هر منطقه و نیز به مقیاس جهانی در معرض خطر حدی قرار داده است.

مداخلات نظامی آمریکا در منطقه خاورمیانه، و یادقیق تر بگوئیم، منطقه ای که شمال آفریقا و خاور نزدیک و خاورمیانه را در برمی گیرد. از آن جهت بی پروانه اعمال می شود که این منطقه، علاوه بر اهمیت استراتژیک، منطقه نفت است و نفت و عوارت آن شیشه عمر امپریالیسم است. احساس امپریالیسم، که زمین در منطقه برپایش می لزد، و نه فقط احساس، مشاهده اینکه منطقه نفت خیز از دست می رود (لبنی، الحزب، ایران، ...). امپریالیسم هر آمریکا را هارتز کرده، با خشمی دیوانه وار حاضر است خود را به آب و آتش بزند. تا باقی مانده منطقه را حفظ کند، تا از دست رفته ها را باز پس گیرد، تا هر جنبش و انقلاب استقلال طلبانه ای را در خون غرق کند و با آتش بسوزاند.

مانور نظامی آمریکا در عمان، که با شرکت نیروهای "واکش سریع"، نیروی دریایی - هوایی و نیز با شرکت برادر "کیتنر" (انگلستان) و با بهره گیری از پایگاه های نظامی دبه گوارسیا در اقیانوس هند، شبکه پایگاه های نظامی آمریکا در عمان و بحرین و عربستان سعودی، در همسایگی بلافاصله ایران انجام می گیرد، در لحظه کنونی، پیش از این که هدف اول (حفظ باقیمانده منطقه نفت خیز) را تعقیب کند، آرایش قوا در "در خط مقدم" علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

آرایش قوا در "خط مقدم" و مقدمه و تدارک برای اجرای دو نقشه نظامی "حداقل" و "حداکثر" است، که هر کدام از آنها وابسته به شرایط و امکانات و فرصت مناسب، از دیدگاه پنتاگون، می تواند به مرحله اجرا درآید.

نقشه "حداقل" تنبیه و تحریک و کمک و "بوش" یک تهاجم نظامی دیگر، از نوع تهاجم "صدای بوسه" "صدام" دیگری در همسایگی ایران به میهن انقلابی ما است.

نقشه "حداکثر" حمله مستقیم نظامی آمریکایی، همراه با حمله دیگر "صدام ها" می همسایه، به کشور ما است.

مسافرت اخیر کنگسان اورن - دیکتاتور نظامی ترکیه به پاکستان و مذاکرات وی با ضیاء الحق - دیکتاتور نظامی پاکستان در زمینه توسعه "همکاریهای نظامی" و "دفاع مشترک" فقط در این "نقشه ها" می گنجد، والا بین ترکیه و پاکستان هیچ "دفاع مشترک" نمی تواند مطرح باشد و هیچ توسعه همکاریهای نظامی "لازم نیست" نقل و انتقالات نظامی، هم در منطقه مرزی ترکیه با ایران و هم در منطقه مرزی پاکستان با ایران و نیز تشدید فعالیت پاکستان دستجات ضد انقلابی "ایرانی"

# اهمیت تامین امکانات کشت برای دهقانان را فراموش نکنیم!

و دامی به موقع و با قیمت عادلانه و کمک های سازمانی و انسانی به دهقانان برای تشکیل انواع تعاونی ها خلاصه می شود.

اما در این قسمت جا دارد که به تفصیل درباره اهمیت فراهم آوردن این امکانات صحبت شود و به دنبال برداشتن گام اول، یعنی الغای بزرگ مالکی و زمین دار کردن کلیه دهقانان یکایک این مواردی که از وظایف دولت انقلابی و شالوده یک اقتصاد کشاورزی سالم، خودکفا، مستقل و شکوفاست، تحلیل گردد. سخن امروز ما اختصاص به تامین ماشین آلات و وسایل مدرن فنی و مکانیزه کشاورزی دارد.

تجربه همه کشورهای کهنه بوغ امپریالیسم و بزرگ مالکی، اعم از اریایی یا سرمایه داری، را در هم شکسته اند و برای استقلال کشور و بهره ریزی مردم مبارزه می کنند. نشان می دهد که می توان با یک اقتصاد کشاورزی فرسوده، با وسایل عهد عتیق، بدون توجه به فن نوین و وسایل جدید کارو کشت، به هدف شکوفایی، خودکفایی و استقلال اقتصاد کشاورزی دست یافت.

مخبر کردن کشاورزی با وسایل جدید با تکنولوژی مدرن، با سازمانی مردمی و مدیریت نو، در چارچوب دولت مردمی و بدست انقلابیون متعهد، مسلح کردن کشور است با سلاح نبرد علیه امپریالیسم، علیه محاصره اقتصادی و خرابکاری های عمال او.

باقی ماندن در چرخه وسایل تولید کهنه و ادوات و شیوه فرسوده، به معنای خلع سلاح کردن انقلاب و نقیسی اقتصاد کشاورزی شایسته انقلاب است. این واقعیت مسلم را کلیه تجربیات کشور های مشابه، بدون استثنا، ثابت می کنند.

تامین ماشین آلات مدرن و آلات و ادوات مکانیزه کشاورزی برای پیشرفت و رشد کشاورزی و تسریع در جهت تولید محصولات کشاورزی، امری ضرور و واجب است. اگر ماشین آلات مدرن و وسایل مکانیزه کار کشاورزی به روستاها راه یابند، حامل دگرگونی و تحولات مهمی، چه در زندگی خود دهقانان و چه در امر تولید خواهند بود. تکرار می کنیم که این در صورتیست که اصلاحات ارضی بنیادین انجام شود و خود دهقانان و تعاونی های آنان صاحب زمین ها باشند و ریشه بزرگ مالکی کنده شده باشد، تا امکانی برای سودجویان و استثمارگران وجود نداشته باشد، که ساط استعمار نوینی را بگسترانند.

برای آنکه بتوانیم بیشتر این مسئله را مورد بررسی قرار دهیم، نمونه مشخص کشور خودمان را در این مورد ذکر می کنیم: امروزه تقریباً در تمامی روستا های ایران، کشت بوسه ابزار و آلات سنتی و کهنه انجام می گیرد و تعداد ماشین آلات و ادوات مکانیزه و مدرن جهت امر کشت بسیار اندک و تقریباً بیشتر آنها متعلق به بزرگ مالکان است. البته این کمبود نیز بحال مانده از رژیم طاغوتی گذشته است.

در زمان رژیم مغفور پیشین، به طور عمده ماشین آلات و تکنولوژی درخشان "دستهای تهاجمی آمریکا و تدارک اجرای آنها را ببینند. این "ستاره" با درخشش و وضوح تمام نشان می دهد که مداخلات و تهاجمی به بالا - ترین سطح سیاست آمریکا "ارتقاء" یافته و لحظه ای نمی توان و نباید از خطر مستقیم و یا غیر مستقیم آمریکا - نه بعنوان فرضیه و احتمال کلی - بلکه بعنوان خطر جدی، که هر لحظه ممکن است بصورت تهاجم نظامی واقع شود، غافل بود. خطر جدی است، بر این مینا که ایران لقمه ای نیست که جانور درنده

مدرن کشاورزی از کشورهای غربی و سرمایه داری خریداری می شد و در اختیار "کشت و صنعت" ها قرار می گرفت که با عصب اراضی وسیع دهقانان جلب سرمایه های خارجی و داخلی در زمینه ارضی و کمک و وام دولتی - در برخی مواقع بدون برگشت - بنا نهاده شده بودند.

طبیعی است، در شرایطی که دهقانان تهیدست نان بخور و نمیر خود و خانواده شان را به زور تامین می کردند، هرگز نمی توانستند موفق به خرید ماشین آلات و وسایل مکانیزه جهت بهره برداری از اراضی شوند. تازه استفاده از تکنولوژی جدید و ماشین آلات در اراضی ۱ تا ۲ هکتاری هیچ سودی در برداشت و اساساً غیر ممکن بود. گذشته از تمام اینها، ورود ماشین آلات مدرن و مکانیزه کشاورزی به روستاهای ایران در زمان رژیم گذشته بعلت نظام حاکم و رشد مناسبات سرمایه داری و استثمار و دامن زدن به مهاجرت روستائیان - بدون آن که ضرورتی اقتصادی حاجایی جمعیت را اقتضا کند - تا شرمزنی داشته است.

طی دو سال و نیم پس از انقلاب، بعلت آنکه هنوز قانون واگذاری زمین اجرا نشده، در این تقسیم غیر عادلانه تحولات چشمگیری - به جز موارد به کلی جزئی - صورت نگرفته است و دهات ما همچنان نیازمند احارای قانون و روستائیان ما در انتظار پیاده شدن بندهای "ج" و "د" هستند. با آن که این مسئله حیاتی و گرهمی همچنان با تمام حدت خود در برابر جامعه انقلابی ما قرار دارد، ولی انقلابیون نمی توانند سایر مسائل حیاتی وابسته به تولید و اقتصاد کشاورزی، و ازین آنها مسئله تامین امکانات کاشت و برداشت و از حمله تامین ماشین آلات مدرن و وسایل مکانیزه کشاورزی را برای دهقانان زحمتکش از نظر دور دارند. به نظر ما، همانطور که گفته شد، نیل به سوی حل این مسئله - و کلاً تامین تمام امکانات کشت - با اجرای قانون اصلاحات ارضی پیوند ناگسستنی دارد و بدون حل عمده ترین معضل دهقانان - احسرای اصلاحات ارضی بنیادین - تامین امکانات کشت، و از آن جمله ماشین آلات مدرن کشاورزی برای دهقانان، بی معنی و مفهوم است و تضرع مثبتی عاید دهقانان تهیدست نخواهد شد.

اما تنها اجرای قانون نیز، بدون آنکه برنامه روشن و عملی و حامی برای این مسائل حیاتی موجود باشد، حلال مشکلات ما نخواهد بود.

متأسفانه برخی از دست اندر کاران جمهوری اسلامی ایران بر این گمان اشتباهند که هر نوع خرید ماشین آلات مدرن و روی آوردن به وسایل مکانیزه کشاورزی و توجه به تکنولوژی معاصر - بدلیل این که در داخل تولید نمی شود - وابستگی محدود را نیز به همراه خود می آورد، و چون ما وابستگی مخالفیم، پس بهتر است به همان گاو آهن و بیل و خیش و خرمن کوب سنتی بسنده کنیم و با همانها کشاورزی را احیا کنیم و برآه اندازهیم.

در اینجا باید گفت که عدم

وابستگی اصل اساسی و مهم جمهوری اسلامی ایران است و باید با تمام قوا حفظ شود. ولی درست برای حفظ همین استقلال و تامین عدم وابستگی است که باید به کشاورزی مدرن و سازماندهی هاضر تولید و تکنولوژی مناسب آن روی آوریم.

آری، دهقان ایرانی خان گزیده و اقتصاد کشاورزی ما شاه گزیده است.

ما سالها شاهد سیاستهای خائنه رژیم مغفور پهلوی، جهت بخشیدن ثروت های ملی مردم ایران به انحصارات کشورهای امپریالیستی و خصوصاً امپریالیسم آمریکا بوده ایم و می دانیم که انحصارات امپریالیستی، بنا به سرشت پلیدشان و توسط رژیمهای دست نشانده خود ثروت های ملی کشورهای نظیر ایران را غارت می کنند. ولی، ما حالا انقلاب کرده ایم. ما حالا دولت متکی به مردم و نظام مستقل جمهوری اسلامی ایران را داریم. ما نه تنها دشمن بلکه دوستانی درجهان داریم. دوست و دشمن را به یک چوب رانند تنها می تواند به حال پیشرفت و ترقی کشور ما زبان آور باشد. ما باید از امکانات و تسهیلات کشورهای دوست، و از آن جمله کشورهای سوسیالیستی، برای رشد سالم و مستقل اقتصاد خود استفاده کنیم. این وظیفه انقلابی ماست. روابط بازرگانی و اقتصادی برابر حقوق، با این کشورها، که بدون هیچگونه چشمداشتی و برشالوده دوستی و همکاری استوار باشد، می تواند به ما اهرمهای اقتصادی لازم را بدهد، تا خود را به وسایل تولید مدرن مجهز کنیم. تازه اگر در گام های اول ناگزیر باشیم ماشین آلات را وارد کنیم و وسایل مکانیزه را خریداری کنیم، بر پایه قرارداد های با پایا و برابر حقوق دراز مدت، باید بخواهیم که صنایع تولید کننده این ماشین آلات را در خود کشور بوجود آوریم. خود ما با کمک و همکاری آنان، با استفاده از امکانات و تجربه آنها، باید هر چه زودتر و اساسی تر موفق شویم این وسایل را خود تولید کنیم. تنها در این صورت است که انقلابی عمل کرده ایم.

خوشبختانه در این اواخر مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران، جهت تامین نیازمندی های انقلاب در زمینه های مختلف، و از آن جمله در زمینه کشاورزی، با اعزام هیئت های مختلف به کشورهای دوست، موافقتنامه هایی با کشورهای سوسیالیستی، و از آن جمله رومانی و یوگسلاوی و جمهوری دموکراتیک خلق کره، امضاء کرده اند، که میتواند نوید بخش تحولی در این سمت باشد. گسترش این همکاری ها بر پایه برابری حقوق و احترام متقابل به حق حاکمیت سیاسی با کشورهای سوسیالیستی، ضامن پیشرفت و ترقی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است و وسیله ای است تا ما بطور بنیادین اقتصاد کشاورزی میهن انقلابی را با ماشین آلات و وسایل مکانیزه لازم مجهز کنیم و در درون کشورمان صنایع تولید کننده ماشین آلات کشاورزی را به وجود آوریم. استقلال میهن این را طلب میکند.

دوره یکصد شماره ای "سوگند" و "اتحاد مردم" برای فروش آماده است. علاقمندان می توانند آن را از کتابفروشی های مقابل دانشگاه خریداری فرمایند.

### قابل توجه خوانندگان

دوره یکصد شماره ای "سوگند" و "اتحاد مردم" برای فروش آماده است. علاقمندان می توانند آن را از کتابفروشی های مقابل دانشگاه خریداری فرمایند.

# چرا مناسبات سرمایه داری سبب تشدید وابستگی

## است؟

### نقش انباشت اولیه سرمایه در گسترش و تحکیم وابستگی

نظریه سازان سرمایه داری اغلب ادعا می کنند، که گویا سرمایه دار سرمایه خود را از راه صرفه جویی در خوراک و پوشاک و دیگر مخارج و مصارف خود و خانواده اش انباشته است. البته شاعه چنین نظریه ای می تواند برای مدت معینی در زحمتهای ساده اندیشانه میدان کاذب به انباشت سرمایه و ثروتمند شدن راجع آورده و آنها را در مبارزه پیگیر و قاطع در راه احقاق حق خود سست، دودل و متزلزل سازد. اما تجربه سرسخت زندگی جامعه سرمایه داری بالاخره آنها را متوجه این حقیقت می کند، که سرمایه های کلان و املاک فراوان را نمی توان بدینسان جمع کرد. رقابت بیرحم سرمایه داری نه فقط به کارگران چنین امکانی را نمی دهد، بلکه با ورشکست کردن سرمایه داران خرد و متوسط و حتی بزرگ، سرمایه داران کلان تر و انحصارات عظیم تر را بوجود می آورد.

از نظر تاریخی انباشت اولیه سرمایه شرط مقدم شیوه تولید سرمایه داری است. انباشت اولیه سرمایه روند قهرآمیز تبدیل توده های کثیر تولیدکنندگان مستقیم نعمت های مادی و معنوی (دهقانان، پیشهوران، بردگان و دیگران) به کارگر مزدور و تبدیل وسائل تولید به ثروت پولی متمرکز در دست عده قلیل کارفرمایان است. جنگ های مستعمراتی و استثمار و غارت نیروهای انسانی و منابع طبیعی سرزمین های اشغال شده عامل نیرومندترین روند انباشت اولیه سرمایه بود. بموازات خلق ید مردم روستا از ملک و زمین و الغاء وابستگی دهقانان به اراضی (مثلا در انگلستان اواخر سده ۱۴-اوایل سده ۱۵ "سرواز" یعنی وابستگی فئودالی دهقانان به زمین از بین رفته بود) و همچنین جدایی پیشهوران از وسائل و ابزار کارشان و تبدیل همه آنها به اردوی کارگران مزدور، سرچشمه عمده دارائی های کلان بسیاری از سرمایه داران (انگلستان، هلند و غیره) از قرن ۱۶ همانا استثمار بیرحمانه و غارت وحشیانه اهالی مستعمرات و تجارت برده بود. از هزاران سند و نوشته تاریخی در این مورد به یکی-دو تا از آنها اشاره می کنیم، که یادآوری آنها امروز هم آموزنده است.

"و هاوایت" که خود یکی از روحانیون مسیحی انگلستان بود، در کتاب "استعمار و مسیحیت..." (چاپ لندن، سال ۱۸۲۸) می نویسد:

"بربریت و فجایع و قبحانهای که نژادهای باصلاح مسیحی در هر نقطه جهان علیه مردم هر کشوری که گرفته اند، مرتکب شده اند، در هیچ عصری از اعصار تاریخ جهان و نزد هیچ نژادی، هر قدر هم وحشی و عقب مانده و هوانساز هم بیرحم و بیشمرم بوده است، نظیر ندارد".

نویسنده دیگری بنام "توماس ستامفورد" در سال ۱۸۱۲ درباره هلند، که "ملت نمونه" سرمایه داری در قرن ۱۷ به شمار می رفت، نوشت:

"تاریخ اقتصاد استعماری هلند منظره -

هائ از خیانت، فساد، آدمکشی و شناعة به وجود آورد، که نظایر آنها تاکنون دیده نشده اند".

همین چپاول مستعمرات و بویژه استثمار کار بردگان و تجارت برده در آن دوره به گسترش بازار جهانی کمک کرد. با بررسی رویدادهای تاریخی بود که، پژوهش کنندگان رابطه روند های انباشت اولیه سرمایه با بهره کشی از کار بردگی و برده فروشی را تاکید کرده و برده داری را "سنگ بنای صنایع سرمایه داری" نامیده اند.

بدین ترتیب "برده داری به مستعمرات ارزش داد، مستعمرات تجارت جهانی را بوجود آورد، تجارت جهانی شرط ضروری ایجاد صنایع بزرگ شد". دوش شرط اساسی پیدایش سرمایه و نظام

چپاولگر و خون آشام سرمایه داری بوجود آمد:

۱- تجمع اموال غارتی از مستعمرات در دست عده ای قلیل سرمایه این عصاره، عرق و خون زحمتکشان، را بوجود آورد.

۲- دهقانان، پیشهوران، بردگان و دیگر زحمتکشان غارت شده (جداد ما از وسائل تولید و وضع خاص سابق خود) کارگر مزدبگیر را به

کرده است. و علاوه بر کالاهای دیگر (بنا، ابزار تولید، مواد خام، سوخت و غیره) از کالای ویژه ای چون نیروی کار کارگر مزدبگیر، که قادر به تولید اضافه ارزش است، استفاده می کند. تا سرمایه دار در جریان تولید نعمت های مادی و معنوی رابطه اجتماعی بین دو نوع مختلف کالا یکی نیروی کار و دیگری وسائل تولید، برقرار نکند نمی تواند در نتیجه مصرف تولیدی (و نه شخصی تجملی و غیرتولیدی) آنها و پس از نقد کردن کالای نوساخته شده در بازار، ارزش افزون بر آنچه که پیش برداشته بود، بدست آورد. به همین سبب است که سرمایه را تجسمی از مناسبات اجتماعی دانسته اند.

اندیشمندان مدافع نظام سرمایه داری منکر سرمایه همچون مناسبات اجتماعی هستند و معمولا آن را چون مجموعه ای از اشیا (وسائل تولید) قلمداد می کنند. چنین تبیینی از سرمایه برای اثبات این مدعا است که گویا سود سرمایه داران از خود سرمایه زائیده می شود و نتیجه بهره کشی از کار مزدوری نیست. در صورتی که تحلیل دقیق مقوله "سرمایه" نشان می دهد که "سرمایه شی نیست، بلکه مناسبات تولیدی معین اجتماعی و متعلق به صورت بندی تاریخی معین جامعه است، که در شی تجسم یافته و به این شی خصیت ویژه اجتماعی می دهد".

دانش اقتصاد سیاسی با تشریح بافت و ترکیب سرمایه و تقسیم آن به سرمایه ثابت و سرمایه متغیر، همه ساز و کار (مکانیسم) بهره کشی سرمایه داری را با دقت ریاضی روشن کرده است. بخشی از سرمایه، که جهت تدارک وسائل تولید پیش برداخت می شود، در روند تولید به تدریج عینا و کاملاً روی کالای نوساز منتقل می شود و تماماً مستهلک می گردد. به عبارت دیگر، ارزش وسائل تولید (بنا، ابزار کار ماشین آلات، مواد خام، مواد انرژی و غیره) در روند تولید کالا بی تغییر می ماند (به کالای منتقل می شود) و چیزی نیست که بتواند خود بخود افزایش پیدا کند. آنچه که ارزش استهلاک تدریجی و انتقالش بر روی کالا از پیش معین نیست، و وقتی کالای ساخته شده نقد گردید، می توان دقیقاً حساب کرد، همان نیروی کار کارگر است، که در روند تولید، اضافه ارزشه با رمی آورد.

نویسندگان بورژوا برای لوٹ کردن سرشت مشخص سرمایه (انکار تفاوت کیفی آن با پول) نظریه اضافه ارزش را، که افشاکننده مستدل ماهیت بهره کشی سرمایه داریست، سخت مورد حمله و هجوم قرار می دهند، آنها به سود بازگانی، بهره بانگی، "استفاده از بازی های عرضه و تقاضای بازار"، حتی به درآمدهای احتکاری فروشندگان دست دوم و سوم کالا اشاره می کنند، که گویا سرچشمه سود و منبع انباشت سرمایه این - هاست، در صورتیکه نه سود تجارتمندی، نه بهره بانگی، نه بازیهای عرضه و تقاضای بازار... و نه درآمدهای احتکاری (یعنی کلاه برداری) ارزش نمی سازند، بلکه همه آنها اضافه ارزش ساخته شده توسط نیروی کار کارگر در جریان تولید را تقسیم می کنند. برای کلاه برداری "هم باید در جایی و وقتی کلاه ساخته شده باشد، تا با برداشتن آن از سری و گذاشتن به سری دیگر در این میان سودی به حساب زد! بازی های عرضه و تقاضا" ارزش نمی آفرینند، بلکه حول ارزشی که کالا دارد، دور می زنند، و آن هم طبق همین قانون بازار سرمایه داری (یعنی قانون عرضه و تقاضا) تا اندازه معینی. در جامعه سرمایه داری اضافه ارزش سرچشمه همه انواع درآمدها، سودها، بهره ها، مالیاتها، عوارض و غیره ذلک است. سازنده اضافه ارزش، نیروی کار کارگر مزدبگیر است. سرمایه دار بیش از آنچه که برای خرید نیروی کار بهره کارگر پیش پرداخت میکند، از کار او بهره می گیرد. به همین سبب نیز تولید و تصاحب اضافه ارزش به مقیاس هر چه بیشتر، هدف اصلی تولید سرمایه داری را تشکیل می دهد، نه رفاه حال زحمتکشان و پیشرفت جامعه، زنده ماندن کارگر و پیشرفت جامعه، تا آنجا که به اندازهای برای سرمایه دار لازم و مهم است که بتواند تولید اضافه ارزش بیشتر را تأمین و تضمین کند.

تاریخ پیدایش و گسترش نظام سرمایه داری نشان داده است، که ایجاد و توسعه مناسبات سرمایه داری در شهر و ده، در کشور و جهان با گریز موجب توسعه و تحکیم وابستگی می شود. درست است که تولید نعمت های مادی و

معنوی همیشه جنبه جمعی داشته است، چون انسان اساساً هیچگاه قادر به تکزیستن نبوده و نیست. اما جریان واقعی تاریخ تکامل جامع بشری چنین است، که روند جمعی (اجتماعی) شدن تولید و وسایل ضرور جهت زندگی رفته رفته گسترده تر و ژرف تر می شود. رشد قانونمند قبیله ها، طایفه ها و عشیره ها به پیدایش خلق - ها و ملت ها منجر می شود. در پی تکامل و وسایل تولید، پیدایش و گسترش اقتصاد کالایی و توسعه بازار گانی، به تدریج بازار واحد کشورها و سپس بازار جهانی بوجود می آید. با پیشرفت وسایل تولید، گسترش ارتباطات و مواصلات، رواج بازرگانی، ترقی علم و صنعت و فن، اکنون پیشرفت جامعه بشری به جایی رسیده است که شما کسی را که درست در آن سوی کره خاکی ما (و حتی روی کره ماه) حرکت و صحبت می کند، به چشم خود می بینید و بگوشت خود می شنوید...

البته صحبت بر سر جلوگیری از این پیشرفت و نزدیکی بیشتر خلق ها نیست، که چنین خیالی باطل و چنین تلاشی محکوم به شکست است. در جریان همین پیشرفت است، که انسان رفته رفته از زیر سلطه نیروهای کور طبیعت رهائی می یابد، بر آنها مسلط می شود، از آنها به خیر و صلاح جامعه بهره می گیرد. صحبت بر سر آنست که اولاً - این روند قانونمند تاریخی خود مراحل کیفی متفاوتی داشته و دارد، که یکی از آنها مرحله سرمایه داری است. ثانیاً - آنچه مهم تر است - این که پیشرفت بشر به مرحله ای رسیده است که امکانات ضرور و واقعی برای هدایت هدفمند این روند قانونمند به سود توده های زحمتکش جهان ونه طبق منافع خصوصی تنگ نظرانه و آزمندانانه مشتی کلان سرمایه دار و بزرگ زمیندار بوجود آمده است.

### ماهیت استعماری سرمایه

### و سرمایه داری وابستگی را شدیدتر می کند

گرچه در مبین ماهنوز هم نظریه پردازانی دیده می شوند که سعی دارند سرمایه را "مبلغی پولی بازار" جلوه دهند، که گویا "ماه اولیه" هر گونه فعالیت تولیدی و ضرورت اجتناب - ناپذیر هر جامعه ایست، اما زحمتکشان که با سرمایه داری راحس می کنند و می بینند که چگونه ثمره زحمات طاقت فرسایشان به صورت سرمایه در دست عده ای قلیل متمرکز و وسیله تشدید بیشتر استثمار آنها میگردد، در برابر توسعه ماهیت سرمایه و خصیلت نظام سرمایه داری بی می برند. آنها درک می کنند که کار و زحمت تولیدی انسان ها چه در اقتصاد روستایی (به صورت کشت و زرع باغداری، دامپروری و غیره) چه در تولید صنعتی (به صورت پیشهوری، صنایع دستی، ماشینی و غیره) و چه در رشته توزیع محصول کار و مبادله کالا (به صورت بازرگانی داخلی تجارت خارجی و غیره) سده ها و هزاره های تاریخ را پشت سر گذاشته، تا به مرحله پیدایش سرمایه، به معنای خاص کلمه، و سرمایه داری، چون نظام مشخص اجتماعی - اقتصادی رسیده است.

سرمایه در چنان مرحله ای از تولید کالایی بوجود می آید که نیروی کار انسان به کالا بدل می شود. کارگر جامعه، سرمایه داری با زحمتکش نظام های پیشین این فرق اساسی را دارد (به تفاوت از دهقانان و پیشهوران رژیم ارباب - رعیتی) از هر گونه وسیله تولید محروم است و (به تفاوت از برده) خود بخشی از وسائل تولید هم نیست، او جز نیروی کار خود هیچ وسیله دیگری برای زندگی ندارد. صاحب کالای نیروی کار البته در فروش آن ظاهر آ و رسماً آزاد است، اما محروم بودن از هر گونه وسایل تولید، این آزادی ظاهری و رسمی او را به اجبار اقتصادی و حیاتی می بدل می کند. کارفرمای دوران سرمایه داری هم با کارفرمایان و استثمارگران نظام های پیشین این فرق مهم را دارد که وسایل عمده تولید جامعه را تحت مالکیت خصوصی خود متمرکز

وجود آوردند.

اشغال مستعمرات و جنگ های تجارتمندی مستلزم اعتبارات بزرگ دولتی بودند. هزینه های دولتی سریع تر از درآمدهای مالیاتی رشد می کرد و برکسر بودجه می افزود. دولت برای رفع کسری بودجه مجبور به پخش وام ها به مبالغ زیاد بین صاحبان سرمایه پولسی بود. این امر به بورژوازی، که نقش اعتبار دهنده به دولت را ایفا می کرد، امکان می داد که مرتباً بهره های زیادتری به حساب در صدی (ربح) که دولت در مقابل وام می پرداخت، بدست آورد و نفوذش در دستگاه دولت بیشتر شود. جدایی تولیدکنندگان مستقیم از وسایل تولیدشان در عین حال مهمترین شرط گسترش بازار داخلی نیز بود. توده های دهقان و پیشه ور، که به کارگر مزدور بدل می شدند، مجبور بودند با فروش نیروی کار خود زندگی کنند و کالای مورد نیازشان را در بازار خریداری کنند. به یک کلام، سرمایه داری در پهنای (تصاحب سرزمین - های بیگران) و ژرفا (داخل کشور خود) گسترش می یافت و به تولید اجتماعی رفته رفته ابعاد جهانی می بخشید.

مثلاً در ایتالیا، که مناسبات وابستگی شخصی دهقانان به زمین (سرواز) زود از میان رفت، بر پایه گسترش تجارت ترازیت و ربا - خواری بین اطالی، در قرن ۱۵، در شهرهای شمالی و وسطای آن کشور سرمایه های تنستا بزرگ بوجود آمد. از اواخر قرن ۱۵ اسپانیا و پرتغال، برای نخستین بار بین کشورهای اروپایی غربی، براه تصرف اراضی دیگر کشورها و غارت مستعمرات قدم گذاشتند. در فرانسه اهرم های اصلی انباشت اولیه سرمایه سیستم مالیاتی، و اگذاری حق جمع آوری مالیات و دیگر عوارض از سوی دولت به دیگران، ربا خواری، حمایت گمرکی و سیاست استعماری بود. در ایالات متحده آمریکا روند انباشت اولیه سرمایه هم مقدار زیادی بر تصاحب اراضی قبایل بومی، تجارت برده و استثمار وحشیانه اهالی رنگین پوست متکی بود. بدین ترتیب، سرمایه داری که در اروپای غربی و آمریکا شروع به تکوین کرد، در روند فزاینده جهانی کردن تولید و مبادله، نه همبستگی برابر حقوق خلق ها، بلکه وابستگی اسارت بار آنها به مراکز سرمایه داری (متروپول) را گسترده تر و ژرف تر کرد.

### بازار جهانی سرمایه داری

### پایه مادی - اقتصادی وابستگی است

بدین ترتیب، بازار جهانی سرمایه داری، که در قرن ۱۶ در مرحله مانوفاکتوری (صنایع دستی) گسترش سرمایه داری بوجود آمد، یکی از عوامل عمده ایجاد مقدمات ضرور مادی جهت پیروزی شیوه تولید سرمایه داری بر شیوه تولید فئودالی شد. استثمار نابرابر تجارتمندی و استعماری در آن دوره یکی از عوامل قاطع روند انباشت اولیه سرمایه بود. گذار قدرت - های بزرگ سرمایه داری به تولید بزرگ صنعتی، در جریان انقلاب صنعتی قرون ۱۸ و ۱۹، به معنای آغاز مرحله نو وبالاتری از گسترش بازار جهانی سرمایه داری بود. صنایع بزرگ در واقع بازار جهانی ماقبل امپریالیستی را شکل بخشید. در عین حال وابستگی صنایع بزرگ به بازرگانی خارجی به میزان زیادی افزایش یافت. بحران های اقتصادی، که از سال ۱۸۲۵ مرتباً روی می دادند، موجب گسترش جهشی و ناموزون تولید جهانی سرمایه داری و بازرگانی جهانی شد.

اگر استثمار بیرحمانه نیروهای انسانی و منابع طبیعی کشورهای مستعمره و وابسته در دوره های اولیه پیدایش سرمایه داری منع انباشت اولیه سرمایه را تشکیل می داد، تشدید این استثمار و این وابستگی در دوره های بعد به سردمداران امپریالیسم امکان می دهد که به حساب غارت این کشورها و ایجاد "کارگران آریستوکرات" در کشور خود، در صفوف جنبش انقلابی کارگری تفرقه اندازند و عمران نظام استثمار و استعمار را چند صراحی به دراز کشانند. بازار جهانی سرمایه داری که سیستم روابط بازرگانی - اقتصادی و مالی - اعتباراتی است بر پایه تقسیم کار بین المللی سرمایه داری شکل گرفته، سیستم سرمایه داری اقتصاد جهانی را به وجود می آورد. روند تکوین سیستم سرمایه داری اقتصاد جهانی در دو سمت اصلی گسترش می یابد: در راستای گسترش سرمایه داری در ژرفا، یعنی از راه رشد مناسبات سرمایه داری در کشورهای

هنوز سه زنجیر...

بقیه از صفحه ۱

ولی هنوز سه زنجیر پولادین اسارت باقی است:

۱- نظام مالکیت غاصبانه و حارثانه بزرگ ارضی، که قرار است، به ویژه با احزاب لایحه اصلاحات ارضی، به دوران تسلط سه هزار ساله اش خاتمه داده شود. ولی حتی پس از انقلاب، حتی در دولت های انقلابی حتی در مجلس شورای اسلامی، گذراندن این قبیل لوایح گاه با موانع بسیار دشواری روبرو میشود! اگر در این زمینه تاکنون کاری هم شده، به همت جوش و خروش دهقانان و هیئت های هفت نفری وجهاد سازندگی و مسلمانان انقلابی بوده است، که همیشه از سخنان ضدفقودالی و قاطع امام خمینی در دفاع از مستضعفین الهام گرفته اند. ولی هنوز چند میلیون هکتار زمین در دست بزرگ مالکان است. هنوز چاق-دازان ارباب، مانده هزارها سال پیش رعیت کوبی میکنند! امپریالیسم و سلطنت به آنکه همین اربابان در این کشور سروری کرده برای خود پایه اجتماعی و طبقاتی ساخته بودند. آن روستای مفلوک گلبن بی آموزشگاه، بی برق، بی حاده، بی آب، بی حمام، که تازه با چیده هشتی قدر مالک نام و نوکران بلاواسطه اوست، چگونه می-تواند به گهواره تمدن امروزی بدل شود؟

اگر انقلاب این "قوم دوزخی" را نکند، کاری که کار باشد نکرده است، پس همه چیز بجای اولش باز خواهد گشت. بزرگ مالکان با بخشی از روحانیت سنت گرا (که خود هم مالکند) در اتحاد نزدیکند و اگر هیئت و نفوذ عظیم خلقی امام خمینی نبود، اکنون طرف-داران بزرگ مالکی هم مخالف خود را از شاخه درختی آویخته بودند.

آیا انقلاب ایران این زنجیر اسارت را خواهد گسست؟ مردم ایران بویژه دهقانان زحمتکش در انتظارند.

۲- نظام ایلاتی و خانی (قشاقی) ها و یختیاری ها و سنجایی ها و خان های کرد و بلوچ و غیره) که تا چندین دست نخورده باقی مانده است. همانطور که رعیت تازه دارد میفهمد که او آزاد زاده شده و صاحب اصلی ثمره دسترنج خود است، همانطور هم فرد عسیره ای نازه دارد میفهمد که بدون سرپرستی حنا خان و گلنترها و جاجانان او هم میتواند رهنما را بچراند و بدو شد و در سیاه حاد رهای خود به آسودگی زندگی کند.

بخش مهم مردم کشور ما ساس رعیت و عسیره در نازل ترین مقام انسانی، در قیاس با تمدن امروزی، به سر میبرند، یعنی اسیر و برده ارباب و خاندان این تنگ است! و دمی فراموش نکنیم که این عزیزان رنجبر هموطنان ما هستند و در آستانه سده بیست و یکم میلادی و در سده پانزدهم هجری در این وضع به سر میبرند.

فرب صد سال است برای درهم پاشیدن نظام های عبریتی و رعیتی در همین مابازرزمی شونده ها و دهده ها به این مبارزه پاسخی جز گلگوله گذاریان نبود. امروز هم هنوز تریبونهای بانفوذ در دست مدافعان این نظامات فرتوت و ضد بشری است، که به شکل روز پسند از نظم عمر سرآمده دفاع میکنند.

ولی حالا انقلاب امیدی ایجاد کرده است. دهقان و عسیره امید دارند که ایران از این لعنت و ظلم باستانی هزاران ساله برهد، یعنی بجای رعیت و دهقان آزاد پدید آید، و بجای عبریتی، شبان آزاد! و هر دو از دانش و صنعت و نعمات و قضاائل انسانی برخوردار گردند. این سعادت بقدری بزرگ است که قلب هر میهن دوستی را به طپش وا-میدارد.

۳- زنجیر پولادین سوم بازار است. در این حجره ها و دالان ها و گارونسراهای تهران و تبریز و اصفهان و مشهد و شیراز و... در این بازارهای سرپوشیده، سپاهی از "بزرگ حاجیان" سالوس، در اتحاد پارو خانی نمایان استفاده دوست و کلاد اتحاد با لومین ها

ایران کشوری است که برخی از نوابخ در حه اول علم و فلسفه و هنر جهانی را پرورش داده است.

ایران گهواره چهارده هزار ساله تمدن انسانی و منشاء آغازین بسیاری از اشکال تمدن است (از مبداء کشفیاتی که در غارهای اطراف بیشه پنده و به تمدن سنگ میانه مربوط است.) ولی این کشور، که در آن خلق های گوناگون، فارس، آذربایجانی، کرد، بلوچ، ترکمن، عرب... زندگی میکنند و دارای شهرهای کهن تاریخی و آثار شگرف و زیبای باستانی است، نازه در سال ۱۳۵۷، با انقلاب بزرگ خود برهبری امام خمینی، می خواهد به معنای واقعی کلمه مستقل شود و زنجیر های استعماری حداقل دوست ساله را بکشد!

ایران میتواند در صورت داشتن یک حکومت مستقل و خردمند و مترقی - طی بیست سال کار منظم و علمی به کشور فوق العاده آباد و نیرومند و با فرهنگی بدل گردد و از کشورهای درجه اول جهانی به حساب آید و به آن نقشی دست یابد که زمانی در تمدن جهانی ایفا میکرد داشت.

علت رکود ایران پنج حلقه زنجیر باگربنده از تنگنای وسخت تاب به هم پیوسته بود، به شرح زیرین:

۱- نفوذ عمیق دولت های امپریالیستی، بویژه آنکلسون ها (آمریکا و انگلیس) و پس از آن ها فرانسه و آلمان و ژاپن، که در دهه اخیر این نفوذ به سطح خانواده های متوسط نیز رسیده بود، یعنی نه تنها قشرهای فوقانی، بلکه قشرهای میانگین را نیز از جهت زبان، آداب و رسوم، گرایشها، مسافرت و آشنائی و کوچ و مگرانه با این کشورها در بر گرفته و در آمیزی عجیبی پدید آورده بود. هم اکنون نیر آمریکا مهم ترین مرکز کوچ ایرانیان است، که تعدادشان در آنجا به صد هزار میرسد.

حوش خندان انقلاب ضرایب سختی بدین نفوذ امپریالیستی وارد ساخت. ولی اشتباه بزرگی است اگر حتی یک آن تصور کنیم که وقتی بختیارها، آموزگاران و انصار یهیار رفتند یا سولیوان در حاسوسخانه نشتنه است، حضور امپریالیسم غارتگر و تجاوز کار آمریکا در این کشوریکی از میان رفتند است. این حضور وجود دارد، ولی اشکال فروپوشیده، غیر مستقیم و ریاکارانه ای به خود گرفته است. یعنی بایند که نفوذ در واقعیت عمده خود از جهت مادی و معنوی ریشه کن شده، ولی رخنه امپریالیسم در رژیم انقلابی در حجه ریا و سالوس انقلابیگری و اسلام مآبی هنوز زیاد است. و چه دلیل بهتر از عمل تبه کارانه سه تروویست "سیا" پرورده ای که در بیخ گوش حساسترین ارگانها و نهادها نشسته فحیح خود را اجرا کردند و همه آنها در موقع خود سخت هم مورد محرمیت و اعتماد بودند؟ چه دلیل بهتر از رخنه بنی صدرها، امپراتنظامها، صادقها، ایزدیها، نرزهها، مراغهایها و غیره و غیره؟ آیا میتوان مطمئن بود که بنی صدرها، امپراتنظامها، صادقها، کشمیریها، کلاهیها و فخارزاده های ناشناخته دیگر وجود ندارند؟ پس این اعمال مشکوک، خرابکارانه و ناراضی ترش، که در زمینه های مختلف دیده می شود، فقط نتیجه ندامت کاری و اشتباه و انحصار طلبی و قشریگری است؟

۲- زنجیر اسارت دوم، سلطنت و بویژه سلطنت پهلوی و عمال دزد و دلال و پانندان و خرجین آنها بود، که انقلاب عجالتا این باند ماوراء جانی را جارو کرده است و در این زمینه دستاورد انقلاب بسیار حدی و گرانگیزه است و از پیگیری ترین و مهم ترین دستاورد های این انقلاب محسوب میشود.

شکست این دوزنجیر پولادین اسارت، که یکی ترک برداشته و دیگری خرد شده، از پیروزی های انقلابیست.

مجلس شورای اسلامی در هفته ای که گذشت:

برای بالا رفتن تولید باید به کشاورزان بی زمین زمین بدهیم

زمین بدهیم

ناطق همچین خواستار طرح - ریزی برنامه دراز مدت در مورد صنعت و اجرای قانون شد.

آنگاه مجلس وارد دستور شد و ابتدا گزارش شور دوم "کمیسیون مسکن و شهرسازی" در خصوص لایحه "تعیین حداکثر مبلغ وام مسکن و الحاق یک ماده و ۲ تبصره به قانون مذکور مطرح شد و پس از بحث نمایندگان، به تصویب رسید.

پس از سخنان وزیر ارشاد اسلامی لایحه "دیوان عدالت اداری" مطرح شد و پس از بحث نمایندگان، کلیات آن به تصویب رسید. آنگاه مجلس بحث در مورد جزئیات لایحه را آغاز کرد.

در این جلسه وزیر دادگستری لایحه یک فوریتی "تشدید مجازات مرتکبین به جرائم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به منظور مداوا و اشغال بکار معتادین" را تقدیم مجلس کرد، که پس از سخنان موافق و مخالف، یک فوریتی بودن آن به تصویب رسید.

جلسه علنی بعدی مجلس در هفته گذشته، روز سه شنبه ۱۵ آذر تشکیل شد. اولین ناطق قبل از دستور جلسه، آقامحمدی نماینده مردم همدان بود.

کوشش با تاکید بر نقش ولایت فقیه، از وی کوشش کسانی که "یا افعال شده اند یا مزدورند" در تضعیف و "توهین به ساحت مقدس مرجعیت" سخن گفت. وی همچنین با اشاره به اینکه امام خمینی از همان ابتدا سه مرحله برای مبارزه تعیین کردند، این مراحل را مبارزه با "شاه، اسرائیل و آمریکا" ذکر کرد. ناطق متذکر شد که دشمن سعی می کند "از توجه ملت مسلمان منطقه مسئله اسرائیل بکاهد" و سعی میکند کاری کند که همه حمله در منطقه متوجه اسرائیل نشود.

ناطق بعدی قبل از دستور، شرعی نماینده مردم داراب نیز، ضمن تقدیر از پیروزی های رزمندگان انقلاب در جنبه ها، از جمله گفت: "باید از کار ماورائی که مستقیما با مردم در تماس هستند، باخبر شد. وزارت کشور باید در جریان عملکرد فرمانداران باشد. گاهی در بعضی از شهرها قوانین من در آوردی اجرامی-شود و مردم را بی جهت ناراضی میکنند و یا قانون مغرضانه تفسیر میشود. این کار حکومت جمهوری اسلامی را لکه دار می-سازد."

پاسخ به مانور آمریکا

آنگاه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، ضمن گرامی-داشت خاطر مدرس، به پیروزی های عظیم در جنبه های جنگ با تجاوز - بقیه در صفحه ۱۴

● اگر نظام صحیحی درست نکنیم که در آن کسانی که روی زمین کاری کنند مالک زمین باشند، آینده اقتصاد در کوتاه مدت خراب خواهد شد

● عملیات رزمندگان انقلاب در جبهه بستان پاسخ به مانور نظامی آمریکا و توطئه های مرتجعین منطقه بود

کرده و آن که در مقام معاصر خودشان را خادم الحرمين میخوانند، غلامان حلقه که گوش آمریکا از آب در آمده وجهت حفظ تاج و تخت ننکین خود روی حیثیت و حقوق پایمال شده ملت عرب معامله کرده و طرح ذلت آور فهد را پیش کشیدند، تا بدینوسیله دولت غیر قانونی و غاصب اسرائیل را بر رسمیت شناخته و جای پای امپریالیسم غارتگر را در منطقه محکمتر کنند.

وی در پایان سخنان خود خواستار کنترل دقیقتر مرزهای آذربایجان غربی شد.

آخرین ناطق قبل از دستور این جلسه، فواد کربعی نماینده اهواز بود که، ضمن اعلام این نکته که "پشتوانه" طلای کشور افزایش یافته است و "دولت از جاهای دیگر منابع درآمد جدیدی برای خودش تامین کرده است"، به مسئله مرم جدی مجلس به آن شد.

مالک زمین کسی است که روی آن کاری کند

نماینده اهواز گفت: "کشاورز تا زمانی که نداند زمین مال اوست و سود و منافعی که باو می رسد، با رغبت روی این زمین کار نمیکند، واضح است که کشاورزانی که حاضر به کار هستند، اما زمین ندارند، باید زمین بدهیم. تا تولید بالا رود و مشکل اقتصادی ماحل شود. زمین های دولتی و زمین های راکه در اختیار دولت است، به راحتی میتوان در اختیار کشاورزان گذاشت."

وی آنکه ضمن اشاره به این نکته که "زمین های حاصلخیز محدود است" و تاکید بر اینکه "مسئله کشاورزی باید حل شود"، گفت: "این یک مسئله جدی است و اگر ما به آن توجه نکنیم و نظام صحیحی برای زمین درست نکنیم، تا کسانی که بر روی زمین کار میکنند مالک زمین باشند، کسانی که آماده بکار هستند، زمین در اختیارشان قرار گیرد، نتیجتا آینده اقتصاد در کوتاه مدت خراب خواهد شد و راه حل آن به وسیله زمین اسارت دو نوانداند.

انقلاب بزرگ و مردمی ما به امپریالیسم ضربه زد، در بار و عملتش و بخش عمده سرمایه داران وابسته را از صحنه راند. ولی نظام بزرگ مالکی و ایلاتی و بازرگانی بزرگ وابسته هنوز باقی است. علیرغم زنده رباش های مکرر در مکرر امام خمینی و پیروان صدیقش، علیرغم خواست جوشان مردم، آب در این عرصه ها هنوز در جوی سابق جاری است. در زندگی واقعی توده ها، از جهت حقوق بشری آنها، هنوز تغییرات امید بخش بنیادی روی نداده است. و در نتیجه، خطر آن باقی است که در اولین فرصت مساعد، این "تفاله ها"، که در واقع تفاله های آمریکا هستند، جریان را در گون سازند، اکثریت مطلق مردم می خواهند،

مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته ۴ جلسه علنی داشت. در این جلسات بخش اعظم مواد لایحه "دیوان عدالت اداری" به تصویب رسید و نمایندگان مجلس در سخنان خود توطئه های امپریالیسم آمریکا و انجام مانورهای نظامی آبراه شدت محکوم کردند. در این جلسات همچنین خواسته شد که در واگذاری زمین به کشاورزان بی زمین و زحمتکش، کنسه تنها مالکان واقعی این زمین ها هستند تسریع شود.

اولین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته، روز یکشنبه ۸ آذر تشکیل شد. اولین ناطق قبل از دستور این جلسه هاشم حاجازی نماینده ماکو، ضمن محکوم کردن مانور نظامی "ستاره درخشان آمریکا، حنا یکتا رسلطه گر"، پیروزی های نظامی رزمندگان انقلاب در جبهه ها را شادباش گفت. وی هم -چنین خواستار "تجهیز سپاه پاسداران ماکو به اسلحه سنگین در نوار مرزی برای مقابله با ارتش رهایی بخش (!) و سلطنت طلب ها، که در صدد ضربه به نوار مرزی از ماکو تا قنورند" شد.

دست آمریکا در انفجارها و تخریبها

تخریبها

مطلب وحید نماینده گلپایگان، دومین ناطق قبل از دستور این جلسه، با اشاره به "طرح ذلت بار فهد" گفت: "ما تاکنون در مقاطع مختلف انقلابمان تحریر کرده ایم که هرگاه از سوی امام امت یک جریان آمریکایی شکست خورده است، دست های آمریکا جهت تضعیف روحیه مردم دست به انفجار و تخریب زده است و انتظار ما هم پس از شکست طرح فهد جز این نبود: سومین ناطق قبل از دستور، محمد غفاری نماینده مردم سلماس نیز در سخنان خود به طرح فهد اشاره کرد و از جمله گفت: "آمریکای جنایتکار جهت سد کردن راه انقلاب اسلامی در منطقه، از طرفی دست به مانورهای مضحک زده و از طرف دیگر خادمان خیانت پیشه خود را ما مور تشکیل کنفرانس های فرمایشی

محیط احتکار و گرانفروشی و خون -مکیدن "های خود را دائر کرده اند، که تازه پس از انقلاب سود غارتی آنها از قبل از انقلاب بیشتر شده!" امپریالیسم و دربار و دستگاه تزییقی زمانی پشتیبان آنها بودند. و حالا بارش و تسبیح و مسلمان نمانی میکوشند به دزدیهای بیشرمانه خود ادامه دهند. و حال آنکه، اگر آنها به اسلام انقلابی باور میداشتند، به دزدی و جنایت باور نمی داشتند. بیهوده نیست که زمانی امام خمینی گفتند: "بازار ما هنوز طاغوتی است."

پنج حلقه جهنمی: امپریالیسم، سلطنت، سرمایه داری بزرگ وابسته، بزرگ مالکی و نظام ایلاتی، مانند زنجیری نحس و بدشگون، برای دوران طولانی خلق ما را در جادو گرد آلود

ماعتقدیم که حرکت جهان و ایران دیگر نمیتواند در سمت های ضد این آرزو باشد و امید داریم که این آرزوی واقعی مردم ایران هر چه زودتر برآورده گردد.

۳- زنجیر پولادین سوم بازار است. در این حجره ها و دالان ها و گارونسراهای تهران و تبریز و اصفهان و مشهد و شیراز و... در این بازارهای سرپوشیده، سپاهی از "بزرگ حاجیان" سالوس، در اتحاد پارو خانی نمایان استفاده دوست و کلاد اتحاد با لومین ها

نخستین گام پیروزی

تن دادن حکومت ریگان به ششستن در پشت میز مذاکره درباره کاهش تسلیحات هسته‌ای را باید نخستین گام پیروزی خلق‌ها در مهار کردن دیوانه‌ترین دیوانگان جنگ‌افروز دنیای امپریالیسم دانست. البته این نخستین گام است و تا پیروزی نهایی خلق‌ها در این صحنه نبرد حیاتی هنوز گام‌های مهم دیگری باید برداشته شود. اما اهمیت این گام نخستین در آنست که دریکی از اصول سیاست ریگان، که امتناع از مذاکره تا کسب برتری نظامی امپریالیسم بر دنیای سوسیالیسم است، رخنه افکنده است.

حکومت ریگان، که نماینده هارترین جناح انحصارات امریکائی است، کار خود را با حمله سراسری بر سیاست تشنج‌زدائی و تعهد ادامه مسابقه تسلیحاتی آغاز نمود. این سیاست، که از اواخر دوران زاممداری کارتر بی‌ریزی می‌شد، پس از انتخاب ریگان به ریاست جمهوری امریکا به سیاست رسمی این دولت مبدل گشت. لفاظیه‌های تبلیغاتی این سیاست هرچه بود، درونمایه آن از یک تلاش سرسام‌آور تازه امپریالیسم، به سرکردگی امریکا، برای کسب برتری نظامی به منظور تحمیل اراده انحصارات امپریالیستی بر جهان متحول‌کنونی حکایت می‌کند.

دنیای امپریالیسم می‌خواست با سیج تمام نیروهای اقتصادی، سیاسی و نظامی خود روند اصلی جهان معاصر را، که گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم است، متوقف و یا لااقل کند کند. این تلاش که مستلزم صرف میلیاردها هزینه اضافی از جیب زحمتکشان است، همراه با نتایج فاجعه‌انگیزی که سیاست‌های ماجرا - جویانه جلوگیری از این روند ناگزیر می‌تواند به بار بیآورد و بخصوص بی‌پروائی و وقاحت سخنگویان دولت ریگان در طرح و اجرای سیاست‌ها و مقاصد نظامی دولت امریکا (تولید بمب نوترونی و اعلام کاربرد آن، نقشه استقرار موشک‌های میان‌برد امریکائی در اروپای غربی امکان جنگ محدود اتمی، قصد اعزام سپاه واکنش سریع به هر نقطه‌ای از جهان، که "منافع" امریکا در خطر افتد، تصمیم به منفجر کردن بمب هشدار دهنده هسته‌ای در آسمان اروپا، امکان بروز جنگ هسته‌ای در اروپا بدون آنکه به خاک امریکا کشانده شود) در شرایطی که دنیای سرمایه‌داری یکی از بحرانی‌ترین ادوار تنزل و رکود اقتصادی، رشد تورم و بی‌کفایتی را از سر می‌گذراند، موجی از مبارزه و نفرت در قاره اروپا و امریکا برانگیخت، که در تاریخ سابقه نداشت. میلیونها نفر در این قاره از کارگر تا دانشمند، از دهقان تا روحانی، به خیابان‌ها آمدند و سیاست بازگشت به مسابقه تسلیحاتی و موشک‌نشانی در اروپای غربی را محکوم کردند. مقیاس اعتراض و مبارزه بر ضد سیاست‌های ماجراجویانه امپریالیسم امریکا از حد انتظار تمام سیاست‌گران امپریالیستی بی‌سرو بود. دولت‌های امپریالیستی و حتی سرسخت‌ترین سیاست‌گران امریکائی نمیتوانند این جنبش عظیم خلق‌ها را نادیده بگیرند و این نیروی بزرگ است که نماینده ریگان راه سر - میز مذاکرات کاهش تسلیحات هسته‌ای در ژنو کشانده است.

مذاکرات ژنو، که بین اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا آغاز شده است، یکی از صحنه‌های مبارزه بین دو نظام اجتماعی - اقتصادی جهان: نظام سرمایه‌داری و نظام سوسیالیستی است. دنیای سرمایه‌داری از همان نخستین روزی که انقلاب سوسیالیستی در روسیه تزاری پیروز شد، تا نبودن نظام سوسیالیستی را سرلوحه تمام سیاست‌های خود قرار داد. اما نظام سوسیالیستی پیوسته رشد کرد، نیرو گرفت و از تمام مصائب و دسایسی که در سر راه پیشرفت آن فراهم کرده بودند، محکم‌تر و استوارتر بیرون آمد. سالتیان دراز دنیای امپریالیسم از نظر نظامی بر دنیای سوسیالیسم برتری داشت. اما این برتری از اوایل سالهای دهه هفتم به تدریج از بین رفت و اینک دنیای سوسیالیسم توانسته است قدرت نظامی خود را، بر پایه ترقی مداوم اقتصادی و فنی، به پای دنیای سرمایه‌داری برساند.

حفظ توازن نیروهای نظامی بین دو سیستم سنگ‌پایه سیاست اتحاد شوروی است. اتحاد شوروی به دنیای سرمایه‌داری پیشنهاد می‌کند که از خیال محال کسب برتری نظامی بر دنیای سوسیالیسم دست بردارد. زیرا اگر دنیای سرمایه‌داری نتوانسته است ۱۵-۲۰ سال پیش به این برتری دست یابد، اکنون که دنیای سوسیالیسم از نیروی صنعتی و فنی و اقتصادی به مراتب بالاتری برخوردار است، دستیابی

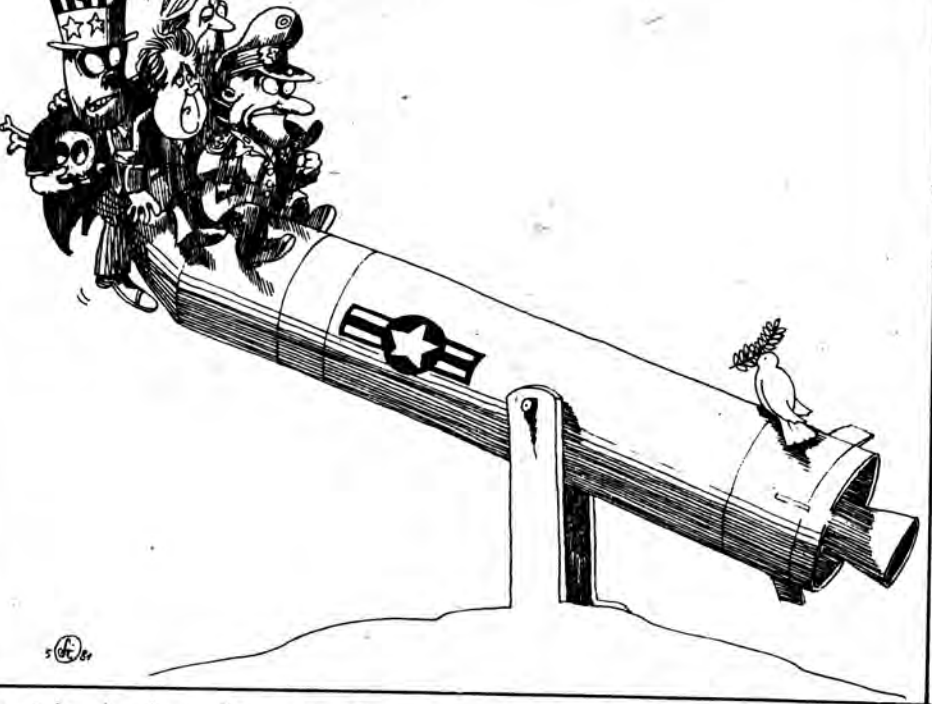
تفسیر وقایع مهم جهان

به این هدف غیرممکن است و بنابراین بهتر است طرفین موافقت کنند که این توازن را هر چه ممکن است در سطح پایین‌تری نگاه دارند، به نحوی که امنیت هیچ یک از طرفین به مخاطره نیفتد.

این پیشنهاد در شرایطی که جنگ‌ناگزیر منجر به یک جنگ هسته‌ای خواهد شد و جامعه بشری را به نابودی خواهد کشاند، یگانه پیشنهاد معقول و منطقی است. اما امپریالیسم امریکا حاضر به قبول چنین راه‌حلی نیست. زیرا انحصارات امپریالیستی تنها بابتیکه به زور نظامی میتوانند سیاست‌های غارتگرانه خود را ز پیش ببرند.

حکومت ریگان اعلام کرده بود که شرط آغاز مذاکره درباره کاهش تسلیحات هسته‌ای آنست که اتحاد شوروی "رقتار" خود را در کشورهای "جهان سوم" تغییر دهد، یا به عبارت دیگر، از پشتیبانی از جنبش‌های

اتحاد شوروی هنگام بحث از توازن نیروهای هسته‌ای در اروپا تنها امریکا، بلکه



مجموع کشورهای امپریالیستی از جمله فرانسه و انگلستان و مجموع وسایلی را کسب می‌توانند سلاح‌های هسته‌ای حمل کنند (هواپیما، زیر-دریایی، موشک‌های خط مقدم و غیره) در نظر می‌گیرند.

کوشش اتحاد شوروی برای حفظ توازن نیروهای نظامی (بطور عمده سلاح‌های هسته‌ای) بین کشورهای سوسیالیستی و کشورهای امپریالیستی تنها بدلیل تأمین امنیت خود و سایر کشورهای سوسیالیستی نیست. حفظ این توازن از نظر جلوگیری از مداخله مسلحانه نیروهای امپریالیستی علیه کشورهای جهان سوم و بابت دیگر سخن، جلوگیری از صدور ضدانقلاب حائز کمال اهمیت است، بویژه در حال حاضر که امپریالیسم امریکا مداخله نظامی در سراسر جهان را برای حفظ "منافع حیاتی" خود، سیاست رسمی دولتی ریگان اعلام نموده است.

از حلب تا کاشغر

میدان سلطان سنجر است

از کوبانالیسی، از اتیوپی تا چین دمکراتیک، از افغانستان تا کامبوج، از آنکولا تا ایران... به هر جا نظر می‌افکنیم، دست امپریالیسم امریکا و متحدان و دست نشاندگانش در کار توطئه و دسیسه علیه نظام‌های مردمی و جنبش‌های انقلابی است. از ایران که بگذریم لیبی و کوبا، بدلیل موضع‌گیری قاطع خود علیه امپریالیسم امریکا و پشتیبانی بیدرغ آنان از جنبش‌های انقلابی، در مرکز شدیدترین توطئه‌های امپریالیستی قرار گرفته‌اند. ماه - هاست که تبلیغات لحام‌گسیخته علیه لیبی و کوبا در مطبوعات امریکا قطع نمی‌شود. لیبی را متمم می‌کنند که برای کشتن ریگان یک گروه تروریست استخدام کرده و به

آزادبخش ملی در کشورهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین دست بردارد. بدیهی است که اتحاد شوروی نمی‌توانست این شرط را بپذیرد. رانیز بپذیرد. مطبوعات امریکا، بدنبال سیاستمداران آن کشور، با افسانه‌پردازی درباره برتری استراتژیکی "پیمان ورشو" بر "پیمان ناتو" و تعداد موشک‌ها و قدرت آنها و جمع و تفریق وجدول‌بندی انواع تسلیحات دو طرف، می - خواهند توده‌های مردم خود و مردم اروپای غربی را متقاعد سازند که به سیاست ماجرا - جویانه مسابقه تسلیحاتی، که تنها به سود انحصارات غارتگر بین‌المللی است، تن در - دهند، آنها سالهاست از "خطر شوروی" دم می‌زنند، اما مردم اروپای غربی با تظاهرات چند میلیونی خود نشان دادند که به این "خطر" باور ندارند. رهبران جنبش ضد جنگ در اروپای غربی اعلام داشتند که به مبارزه خود تا دست‌نهایی به تأمین صلح در قاره اروپا، ادامه خواهند داد، زیرا آنچه جهان را تهدید می‌کند خطر واقعی امپریالیسم است، نه خطر واهی شوروی.

اتحاد شوروی موضع خود و کشورهای عضو "پیمان ورشو" را در مورد کاهش تسلیحات هسته‌ای بارها، از جمله از زبان لئونید برژنف رهبر اتحاد شوروی، در دیدار شازلمان فدرال شرح داده است. رئیس سیاست کشورهای سوسیالیستی را در این مورد میتوان چنین خلاصه کرد: دنیای سوسیالیسم خواهان کسب برتری نظامی بر دنیای امپریالیسم نیست، اما به دنیای امپریالیسم نیز اجازه نخواهد داد که بر آن برتری نظامی بیابد. دنیای سوسیالیسم به کشورهای "جهان سوم" برای دفع تجاوز امپریالیستی کمک خواهد کرد و مذاکره درباره کاهش تسلیحات هسته‌ای را به هیچ شرطی از این قبیل موکول نمی‌کند.

امریکا فرستاده است و لذا باید برای خاتمه دادن به "توطئه‌های" معمر قذافی رژیم او را سرنگون کرد! هفته پیش محمد مهدی رئیس کمیته روابط اعراب و امریکا، که مقر آن در نیویورک است، طی تلگرامی به قذافی، او را از یک توطئه "سیا" بر ضد دولت کنونی لیبی مطلع ساخت. در این توطئه حتی اعزام تفنگداران دریایی امریکایی لیبی برای سرنگون کردن رژیم کنونی آن کشور در نظر گرفته شده است.

در مورد کوبانیز "سیا" طرح‌هایی از این قبیل فراهم کرده است

چه چیز خشم و غضب امپریالیست‌های امریکائی را علیه این دو کشور کوچک برانگیخته است؟ سرسختی و پایداری آنها در برابر امپریالیسم، و نمونه آنها برای خلق‌های اسیر این دو قاره، کوبا چون مشعلی فسروران راه آینده را به توده‌های اسیر امریکای لاتین نشان می‌دهد و بقد ر وسیع خود به آنها در مبارزه با خطر سازندگی جامعه نوین کمک می‌کند. در جهان کنونی، نمونه‌ها بیش از هر زمان دیگر مردم را به قیام علیه غارتگران و ستمگران برمی - انگیزانند.

امپریالیست‌های امریکائی کوبا و لیبی را "اقمار شوروی در آفریقا و امریکای لاتین" می‌نامند و تمام جنبش‌های انقلابی دو قاره را نیز اثر "تحریکات" آنان وانمود می‌کنند. هدف از این لجن برآکنی و اتهامات باز - داشتن این دو کشور انقلابی از کمک به برادران ستم‌دیده خود در آفریقا و امریکای لاتین است. کمک کوبا به نیکاراگوئه در ایجاد زمینه مادی و اقتصادی برای سازندگی جامعه غیر - سرمایه‌داری در این کشور، عقل از سر توطئه - گران "سیا" ربوده است. محله امریکائی "نایم مینویسد.

"سیا" در یک گزارش محرمانه دولتی نتایج این کمک و تاثیر آنرا در سایر کشورهای منطقه بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که باید هر چه زودتر به رژیم فیدل کاسترو پا بیان داد. وزارت امور خارجه امریکا نسخه‌هایی از این گزارش را به تمام نمایندگی‌های سیاسی خود در کشورهای امریکای لاتین "ناتو" و حتی واتیکان فرستاده است.

بدینسان ایالات متحده می خواهد پشتیبانی کشورهای مرتجع امریکای لاتین را برای مداخلات خود در کوبا جلب کند. غول امپریالیسم امریکا هر روز همسایه کوچک خود را تهدید می‌کند. در پایگاه‌های نظامی جنوب ایالات متحده امریکا و حوزه دریای کارائیب آماده باش جنگی اعلام شده است. در ناحیه جزایر باهاما و پورتوریکو مانورهای نظامی با مأموریت‌های تهاجمی انجام می‌گیرد. باندهای ضد انقلابی برای پیاده شدن در خاک کوبا، تمرین می‌کنند. کوبا را محاصره دریایی تهدید می‌کنند. اما کوبای انقلابی، به رهبری فیدل کاسترو، آماده مقابله با تمام این توطئه - ها است و به وظیفه انقلابی خود در کمکه مبارزان ضد امپریالیستی ادامه می‌دهد. و لیبی نیز.

هفته پیش گروهی از راهزنان حرفه‌ای که جمهوری نژاد پرست آفریقای جنوبی آنها را اجیر و مجبور کرده بود، در روز روشن به سیشل یکی از کشورهای کوچک آفریقائی حمله کردند، تا حکومت انقلابی آنرا سرنگون کنند. لیبی بلافاصله اعلام کرد که آماده است بخشی از نیروهای نظامی خود را برای دفاع از استقلال و تمامیت سیشل در اختیار دولت آن کشور قرار دهد. قبلا نیز معمر قذافی در نطق خود، هنگام مراسم رژه نیروهای لیبیائی، که از جاد باز - گشته بودند، اعلام داشت که لیبی تصمیم گرفته است برای کمک‌رسانی به کشورهای که در معرض تهدید امپریالیسم و صهیونیسم قرار می‌گیرند ارتش ویژه‌ای تشکیل دهد.

کوبا و لیبی بقد ر وسیع خود به خلق - های دیگر در مبارزه با خطر حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی خودشان بی هیچ چشم - داشتی کمک می‌کنند. اگر تمام خلق‌ها سیاست کمک متقابل در برابر تجاوزات امپریالیستی را در پیش گیرند، میتوان فاتحه این نظام جهنمی را خواند. همبستگی بین خلق‌های ستم‌دیده در برابر دسایس امپریالیسم و ایستادگی در برابر آن میتواند بزرگترین ضربه را بر پیکر غارتگران بین‌المللی فرود آورد. سرمایه یک نیروی بین‌المللی است. ایستادگی در برابر آن نیز تنها از طریق همبستگی بین المللی امکان - یاقه در صفحه ۱۱

# رژیم ضیاء الحق - جانشین رژیم شاه در منطقه



کشاورزی: ۳۸٪ راضی پاکستان قابل کشت است. ۴٪ زمینها پوشیده از جنگل و بقیه بیابان است.  
جدول زیرین تولید مهم ترین فرآورده های گیاهی پاکستان را (به هزار تن) نشان می دهد:

گندم	برنج	ذرت	جو	پنبه	نیشکر
۲۴۷۷	۳۳۴۶	۷۱۷	...	۵۲۹	۳۵۹۵۲
۸۸۰۰	۲۸۵۸	۸۱۸	۱۱۲	۵۷۰	۲۸۹۷۲
۷۳۲۵	۲۲۹۳	۷۶۸	۱۳۷	۶۰۹۱	۱۹۶۳۲
۷۵/۷۶	۷۵/۷۶	۷۵/۷۶	۷۵/۷۶	۷۵/۷۶	۷۵/۷۶

در جدول زیرین شماره دام های پاکستان (به میلیون) آمده است:

سال	۱۹۶۰	۷۵	۷۶	۷۷
گاو	...	۱۳/۳	۱۳/۶	۱۴/۴
گوسفند	۶/۱	۱۸/۶	۱۹/۱	۱۹/۷
بز	۱۰/۰	۱۹/۱	۲۲/۸	۲۲/۷
مرغ	...	۲۴/۰	۲۴/۵	۳۵/۵
الغ	۱/۹	۱/۹	۱/۹	۱/۹
شتر	۴۰۰	۶۵۲	۶۵۴	۶۵۶

نه سال پیش (مارس ۱۹۷۲) اصلاحات جدیداری در پاکستان آغاز، ولی به زودی با پایداری سرسختانه آریستوکراسی ده روبرو شد.

بازرگانی خارجی: صادرات پاکستان نخ و منسوجات پنبه ای، چرم، فرش، برنج و برخی لوازم ورزشی، و واردات آن غلات، نفت، فولاد، ماشین آلات، وسائل نقلیه، کالاهای گاوچای را در بر می گیرد.

جدول زیرین حجم واردات و صادرات پاکستان را در سالهای گذشته نشان می دهد:

حجم بازرگانی خارجی (به میلیارد روپیه)

سال	۱۹۷۲/۷۳	۷۶/۷۷	۷۷/۷۸
صادرات	۸/۵۵۱	۱۱/۴۳۶	۱۳/۰۱۶
واردات	۸/۳۹۸	۲۳/۰۱۲	۲۶/۰۱

اعتبارات هنگفت از خارج، بسیار چشمگیر است. این کشور در سالهای ۱۳۵۶/۵۷ مجبور شد که ۳۸٪ درآمد های صادراتی خود را بابت بازپرداخت این دیون مصرف کند. در سال های نام برده بد حکاری پاکستان به خارج برابر با ۷/۶ میلیارد دلار ایالات متحده آمریکا بود. علاوه بر رشد سریع جمعیت (سالانه نزدیک به ۲/۵٪) مهم ترین علت دشواریهای اقتصادی پاکستان مخارج هنگفت تسلیحاتی است.  
در سال ۱۳۵۵ شماره شاغلان در پاکستان ۲۱/۵۳ میلیون بود: ۱۱/۳۳ میلیون نفر در کشاورزی، ۳/۳۳ میلیون نفر در صنعت، معادن و کستره انرژی، ۲/۲۹ میلیون نفر در بازرگانی و هتلداری، ۸۶۶۰۰۰ نفر در ساختمان و یک میلیون نفر در ترابری.

فراورده های ناویژه اجتماعی (میلیارد روپیه پاکستان)	۱۹۶۰	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۷	۱۹۷۸
	۱۵/۹	۱۱۱/۱	۱۳۰/۴	۱۴۶/۹	۱۶۸/۵

رشد اقتصادی پاکستان در سال ۱۳۵۸ برابر با ۲/۵٪، یعنی نیم درصد کمتر از رشد جمعیت این کشور در این سال بود.

صنعت: صنعت پاکستان نمی تواند نیازمندی های بازار داخلی را تأمین سازد. این کشور در حدود ۱۰٪ مواد غذایی، ۷۵٪ ماشین آلات و ۶۵٪ کود شیمیایی مورد نیاز خود را وارد می کند. صنایع سبک پاکستان نسبتاً رشد یافته است. مهم ترین رشته صنعتی پاکستان یعنی رشته نساجی، در حدود ۱۵۰ کارخانه را در بر می گیرد. از دیگر موسسات صنعتی پاکستان، از جمله، می توان از کارخانه های قند و روغن کشی، دو فولاد سازی کوچک، کارخانه های شیمیایی، دو کارخانه ماشین آلات سنگین و چند واحد تولید ماشین های حمل و نقل و کشاورزی نام برد. در اینجا باید بویژه از یک کارخانه فولاد سازی نزدیک کراچی یاد کرد، که دارای ظرفیت سالانه ۲ میلیون تن است و ۸ سال پیش (۱۹۷۳) یکم اتحاد شوروی احداث شد. مهمترین مراکز صنعتی پاکستان عبارتست از: کراچی، لاهور، فیصل آباد، مولتان و پشیاور. ظرفیت نیروگاه های پاکستان در حدود ۲۰۰۰ مگاوات است، که ۳٪ آن در نیروگاه اتمی کراچی تولید می شود.

جدول زیرین تولید مهم ترین مواد خام را در پاکستان (به هزار تن) نشان می دهد:

تولید مهم ترین مواد خام به هزار تن	سال ۱۹۵۱	۱۹۷۴/۷۵	۱۹۷۶/۷۷
زغال سنگ	۵۱۶	۱۱۲۹	۱۳۴۹
کرم	۱۳	۱۳	۲۳
نمک	—	۳۷۵	۳۶۰
نفت	۱۸۰	۴۳۲	۳۴۸
گاز (میلیون مترمکعب)	۰۰۰	۴۵۹۶	۵۰۴۰
سیمان	۵۰۶	۳۱۴۵	۳۱۹۶
انرژی برق (میلیون کیلو-وات ساعت)	۲۲۲۰	۹۷۷۲	۱۰۸۷۶

... آمار موجود نیست.

در جدول زیرین تولید مهم ترین فرآورده های صنعتی پاکستان (به هزار تن) آمده است:

مهم ترین فرآورده های صنعتی (به هزار تن)

سال	۱۹۵۰	۷۰	۷۳	۷۶/۷۷	۷۷/۷۸
نخ پارچه نخ (میلیون متر مربع)	۱۴	۳۳۲	۴۵۵	۲۸۱	۳۹۱
کود	۰۰۰	۲۸۳	۴۰۸	۲۹۷	۰۰۰
قند و شکر	۱۶	۶۰۰	۴۳۳	۷۶۳	۸۶۰

نام رسمی: "جمهوری اسلامی پاکستان" (Islamic Republic of Pakistan)

سرزمین و سکنه: پاکستان کشوری است واقع در شمال باختری شبه قاره هند.

وسعت: ۸۰۳۹۴۰۰ کیلومتر مربع، جمعیت: ۷۵/۲ میلیون نفر، تراکم جمعیت: ۹۴ نفر در کیلومتر مربع (۱۳۵۶)، پایتخت: اسلام آباد (۲۵۱۰۰۰ نفر - ۱۳۵۴)

زبانهای رسمی: اردو، انگلیسی، یولی، روپیه پاکستان = ۱۰۰ بیسا، ۱۰۰ دلار = ۹/۳۷۳ روپیه (۲۴ آن ۶۰)

تقسیم اداری: پاکستان به استانهای زیر تقسیم می شود.

بلوچستان (۲/۵ میلیون نفر)، استان شمال باختری (۱۱/۵ میلیون نفر)، پنجاب (۳۹/۹ میلیون نفر)، سند (۱۴/۹ میلیون نفر) و منطقه پایتخت.

مهم ترین شهرها: کراچی (۳/۶ میلیون نفر)، لاهور (۲/۲ میلیون نفر)، فیصل آباد (۸۲۲۰۰۰ نفر) و حیدرآباد (۶۲۰۰۰۰ نفر).

۷۸٪ مردم پاکستان روستائین هستند. مهم ترین ملیت های پاکستان عبارتند از: پنجابی ها، سندیهی، پانابهی و سلوچ ها. خاستگاه این ملیت ها خلق های هندی شمالی و فارس - ترک هستند. پاکستانی ها به ۲۴ زبان سخن می گویند: فون بر اردو و انگلیسی، می توان از پنجابی، سند، پشتو و بلوچی نام برد. ۹۷٪ مردم پاکستان مسلمان (اکثرت سنی) هستند.

اقتصاد: پاکستان کشوری است کشاورزی با صنعت رشد یافته. در سال ۱۳۵۸، ترکیب فرآورده ناویژه اجتماعی چنین بود: کشاورزی: ۳۴٪، صنعت: ۱۵٪، ساختمان: ۴/۸٪ و بازرگانی، ترابری و خدمات: ۴۵٪

پس از استقلال پاکستان در سال ۱۳۲۶ دیگر گونی های ساختاری در اقتصاد پاکستان پدیدار شد، که مهم ترین ویژگی های آن عبارت بود از: شتاب و گسترش روند احداث صنایع، بهبود شرایط تولید در کشاورزی و توسعه گام گام زیر ساختار، دولت بونو ۹ سال پیش یک رشته اصلاحات اجتماعی-اقتصادی را در صنعت و اقتصاد آغاز کرد، که هدف آنها تسریع رشد نیروهای مولد بود.

امروزه در پاکستان شکل های اقتصادی گوناگون در کنار یکدیگر دیده می شوند: اقتصاد طبیعی، خود تولید کالایی، بهره کشی نیمه فئودالی، اقتصاد سرمایه داری خصوصی و بخش دولتی.

تحول سرمایه داری در پاکستان در دوران استعمار بریتانیا شروع شد و در زمان حکومت متلاطمی کلان بورژوازی - بزرگ مالکان پیش از (۱۳۵۱/۱۹۷۲) سرعت یافت. در آن هنگام، روند گردآبی سرمایه در ۲۲ شرکت خانوادگی نه فریبش گرایش های انحصاری انجامید. سیاست دولت بونو تقویت بخش دولتی بود و بدین منظور به ملی کردن ۳۲ واحد بزرگ در صنایع سنگین، ماشین سازی و انرژی، بانکهای خصوصی داخلی، بندرها، توزیع فرآورده های نفتی و بخشی از بازرگانی خارجی اقدام ورزید.

فانون اساسی ۱۳۵۲ (۱۹۷۳) پاکستان جلوگیری از گردآبی ثروت و وسائل تولید و توزیع را در دست عده ای محدود و به زبان همگان یکی از اصول بنیادی سیاست دولت پاکستان اعلام می دارد. همین فانون اساسی خواهان اصلاحات ارضی و کاهش زمین های خصوصی، آریستوکراسی فئودال می شود.

پس از کودتای تابستان ۱۳۵۶ (ژوئیه ۱۹۷۷)، دولت به تشویق سرمایه داری خصوصی همت گماشت.

در پاکستان ۳۰ سال است (از ۱۹۵۱) که اقتصاد "برنامه ریزی" می شود. برنامه پنجم اقتصادی، که در ۱۰ تیر ۱۳۵۷ (۱ ژوئیه ۱۹۷۸) آغاز گشت، در ۹ تیر ۱۳۶۲ (۳۰ ژوئن ۱۹۸۳) پایان می یابد.

بر پایه این برنامه، ۲۱۰ میلیارد روپیه پاکستان سرمایه گذاری خواهد شد، که ۱۴۸ میلیارد روپیه در بخش دولتی و ۶۲ میلیارد روپیه در بخش خصوصی خواهد بود، ۷۲٪ این سرمایه گذاری از منابع ملی و ۲۴٪ از منابع خارجی تأمین خواهد شد. این برنامه در صنعت رشد سالانه ۱٪ و در کشاورزی ۶٪ افزایش مینی می کند. بد حکاری پاکستان، بعلت دریافت

مهم ترین شریکان بازرگانی خارجی پاکستان، ایالات متحده آمریکا، "جامعه اقتصادی اروپا" و ژاپن هستند که اعطای اعتبار را به پاکستان مشروط به فروش کالا های خود به این کشور می کنند.

ذخیره های ارزی پاکستان از ۴۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ به ۱۲۰ میلیون دلار در سپتامبر ۱۹۷۹ کاهش یافت. تراز بازرگانی خارجی پاکستان سالهاست، که منفی است. کسری سالانه تراز بازرگانی از سرتگونی بونو تاکنون پیوسته بیشتر شده است و در سال ۱۹۸۰ به ۲۴۹۰ میلیون دلار رسید. بد حکاری رژیم پاکستان به خارج، در حدود ۱۰ میلیارد دلار در سال گذشته به اوج خود رسید. در سال ۱۹۸۰ تنهایی بهره و باز پرداخت این دیون ۸۰۰ میلیون دلار بود.

"صندوق بین المللی پول" که در آن "دوستان" آمریکائی ضیاء الحق تسلط دارند، قرار است در سه سال آینده ۱/۲ میلیارد دلار اعتبار در اختیار رژیم پاکستان بگذارد. این اعتبار، که عجالتاً پاکستان را از "خطر ورشکستگی" نجات داده، بزرگترین مبلغی است که تا کنون "صندوق بین المللی پول" در اختیار یک کشور رشد یافته قرار داده است.

وضع زحمتکش: میانگین درآمد سالانه پاکستانی ها بسیار ناچالش است (در سال ۱۹۷۷ برابر با ۱۹۰ دلار) و تورم و گرانی و بیکاری زحمتکش پاکستان را با زندگی توانفرسا روبرو ساخته است. سه چهارم روستائینان زیر مرز فقر زندگی می کنند. پاکستان یکی از فقیرترین کشورهای جهان به شمار میرود.

جدول زیرین نمایشگر افزایش هزینه زندگی مردم پاکستان در سال های گذشته است:

هزینه زندگی (۱۰۰ = ۱۹۶۹/۷۰)

۱۹۷۲/۷۳	۱۹۷۳/۷۴	۱۹۷۶/۷۷
۱۲۱/۴	۱۵۷/۸	۲۴۲/۹

به ادعای وزارت اقتصاد پاکستان، نرخ تورم در پاکستان در سال ۱۹۷۹ تنها برابر با ۸/۲ درصد بود. اما کارشناسان اقتصادی از نرخ تورم میان ۳۰ - ۲۰ درصد نام می بردند.

یکی دیگر از شاخص های تورم در پاکستان افزایش پول در گردش از ۷/۰۹ میلیارد روپیه در سال ۱۹۷۰ به ۱۰/۸۷ میلیارد روپیه در سال ۱۹۷۳ و ۱۱/۸۳ میلیارد روپیه در سال ۱۹۷۵ بود.

جدول زیرین بودجه دولت پاکستان را در سالهای گذشته نشان می دهد:

بودجه (به میلیارد روپیه)

سال ۱۹۶۰/۶۱	۷۳/۷۴	۷۸/۷۹
درآمد	۲/۱۲۲	۸/۹۴۹
هزینه	۱/۸۹۴	۸/۸۶۷

در حالیکه ۸۵ درصد بودجه پاکستان در راه مصارف غیر مولد (از جمله ۴۰ درصد برای هزینه های نظامی) بکار برده می شود، تنها ۱۵ درصد آن به برنامه های اقتصادی اجتماعی اختصاص می یابد.

یک سوم سکنه فعال پاکستان، بکار بانیمه - بیگانه - هر ساله در حدود ۱۰۰۰۰۰۰۰ پاکستانی کشور خود را در جستجوی کار ترک میکنند و بیشتر آنها به کشورهای عربی صادر کننده نفت روی می آورند. حدس زده می شود که در حدود ۱ میلیون زحمتکش پاکستانی در خارج، به ویژه در عربستان سعودی، باشند.

بهداری: میانگین طول عمر در پاکستان برابر با ۳۳ سال است. بر پایه آمار ۱۳۵۲ مرگ و میر کودکان ۱۳۰ در هزار است. در سال ۱۳۵۴ در پاکستان ۱۷۹۲۹ پزند و ۷۰۳ دندان پزشک انجام وظیفه می کردند. در همین سال ظرفیت ۱۳۴۵ بیمارستان پاکستان برابر با ۳۳۹۴۸ تخت خواب بود.

آموزش و پرورش: در سال تحصیلی ۱۳۵۶/۵۷ در پاکستان در حدود ۴۵۰۰۰ دبستان و ۵۸۰۰ دبیرستان وجود داشت، که بقیه در صفحه ۱۲

کودتای نافرجام  
امپریالیسم آمریکا  
و آفریقای جنوبی در سیشل

روز عا در ماه ۶، نیروهای مسلح سیل "یک کودتای نظامی را که از سوی امپریالیسم آمریکا ورژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی سازمان یافته بود، سرکوب کردند. کودتا با پورش یکصد سفید پوست آفریقای جنوبی و آمریکایی، برای تصرف فرودگاه سیل آغاز شد، که با روبرویی جانباخته نیروهای مسلح "سیل" که بیست ساعت بطول انجامید، سرکوب شد و درگیر آرمش به "بهشت روی زمین" - با هفتاد هزار جمعیت ۴۰۵ کیلومتر مربع وسعت - بازگشت. شماری از مزدوران کودتاگر دستگیر شدند، تعدادی به جنگل‌های اطراف فرودگاه پناه بردند و تنی چند نیز با ربودن یک هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ هندی، که در فرودگاه بود، راهی آفریقای جنوبی شدند.

این کودتای نافرجام، نخستین تلاش برای سرنگونی حکومت انقلابی آلبرنیه ریاست‌جمهوری رهبر و بنیان گذار "جبهه پیشروی خلق سیل" نبود.

ماه ژوئن ۱۹۷۷ (۱۵ خرداد ۱۳۵۶)، فرانس آلبرنیه بنیانگذار "حزب متحد خلق سیل" (۱ سال بنیانگذاری ۱۹۶۴-) بعد از دست - یابی به قدرت به "جبهه پیشرو سیل" تغییر نام یافت، حزب انقلابی ضد امپریالیست و هوادار برپایی نظام سوسیالیستی، که به پشتوانه اکثریت مردم، در برابر تنها حزب رقیب "حزب دمکراتیک سیل"، مدافع منافع بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران و طرفدار سبادت و سرپرستی بریتانیا بر سیل، به پیروزی درخشانی دست یافت. بیدرتگی یک برنامه دگرگونی‌های زرف اقتصادی - اجتماعی، در راه تأمین استقلال کشور و بهروزی توده‌های زحمتکش پیشروی نهاد سیاست خلقی و ضد امپریالیستی آلبرنیه پایگاه توده‌های "حزب متحد خلق سیل" را گسترش داد. آلبرنیه، در دور بعدی انتخابات (ژوئن ۱۹۷۹) دگر بار به مقام ریاست جمهوری برگزیده شد. نخستین اقدامات حکومت انقلابی در راستای دمکراتیزه کردن بنیادی نظام آموزشی استعماری، با آشوب‌کاری‌های نیروهای واپسگر، کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان روبرو شد ولی سرانجام در سیزده ماه اکتبر ۱۹۷۹، توطئه فروپاشی نظام دمکراتیک نوین سرکوب گردید، در پی آمد آن، توده‌های مردم با شرکت در بزرگترین راه - پیمایی تاریخی خود در ویکتوریا، پایتخت سیل، توطئه ضد انقلاب را محکوم کردند و برنامه سیاست "جبهه پیشرو خلق سیل" برهبری آلبرنیه راست بودند.

رهبران "جبهه" در پاسخ به پشتیبانی شایسته توده‌های مردم، به خاطر بازگشت ناپذیر ساختن دگرگونی‌ها و دستاوردهای سترگ حکومت نوین، تأکید کردند که باید هر چه زودتر وظایفی را که در بیانیه، "جبهه" بنام "پیش‌سوی سوسیالیسم"، اعلام شده بود، بایستی - گیری دنبال شود.

دیری نیامید که نخستین کنگه "جبهه" در روزهای نهم و یازدهم آوریل ۱۹۸۰ برگزار شد، و به این مناسبت انتشار دگرباره "مردم" ارگان مرکزی "جبهه"، پس از یکسال، آغاز گردید. کنگه وفاداری خویش را به برنامه و ستگیری سوسیالیستی "جبهه" اعلام کرد. اینک "جبهه پیشرو خلق سیل" در پیش‌پیش خلق سیل، در راه استقلال، آزادی، در راه رشد غیر - سرمایه‌داری و سوسیالیسم، علیه ارتجاع و امپریالیسم پیکاری کند. خلق سیل با چیرگی بر توطئه‌های ضد انقلابی امپریالیسم و ارتجاع داخلی، با امید و اطمینان به آینده "پهرورمند خود مینگرد.

منحدان بنی صدر - سرمایه‌داری لیبرال ایران (۷)

حمله به کمیته‌های انقلاب، دفاع از ساواکی‌ها

ما مور مربوطه کلسی به جیب زده تازه آقایان اعلام کردند. "بله! من آنم که..." تازه نیک خلق را چه کسی معرفی کرده بود؟ مگر نه اینکه او قبل از تصدی پست معاونت وزارت بازرگانی، مشاور وزیر کشاورزی (یعنی محمد علی ایزدی) بود و به توصیه وی بر سر کار گذاشته شده بود؟ و باز مگر نه اینکه یک معاون ایزدی، معاون چند وزیر دوران طاغوت بود و معاون دیگرش استاندار فارس در زمان حکومت نظامی ازاری؟! چرا در برویم؟ مگر اسناد و استیسی ایزدی‌ها بعد از جاسوسخانه آمریکا در نیامد؟ و خیلی‌های دیگر:

"... خود مهندس می‌گوید من آدم تحریبی هستم و غیر از این اصلا قبول ندارم..." (سخنان بنی صدر به نقل از مهندس بازرگان، ۲۴ شهریور ۵۸ - کیهان) نخست وزیر دولت موقت داشت ضد انقلابیون رانحره می‌کرد! یعنی مهندس بازرگان تا شخصاً به یک نمونه ساواکی یا جاسوس آمریکا بر نمی‌خورد، آن را باور نمی‌کرد، ولو اینکه این شخص خدمتگزار طاغوت بوده باشد، یا نام این شخص در لیست ساواک باشد، یا در اسناد جاسوسخانه آمریکا! والا چطور ممکن است در دوران دولت موقت "کارگران و کارمندان شرکت‌های تابع و وابسته سازمان گسترش و توسعه صنایع کشور" بنویسند:

"... ما شاهد ابقاء و جاجایی بسیاری از مدیران طاغوتی گذشته بوده‌ایم و خواست‌ها مان نسبت به بر کناری این افراد و کوتاه کردن دست آنان از صنایع اساسی مملکت به جایی نرسیده است..." (۳ آبان ۵۸ - مردم) و یا "کارکنان شرکت‌های تحت نظارت هیأت سرپرستی اموال هژبر بزادسی" بنویسند:

"... در راس هیأت سرپرستی شخصی گمارده شده است که خود یکی از سرمایه‌داران بزرگ گذشته می‌باشد و اخیراً اموال و کارخانجات وی جزو ۵۱ سرمایه‌دار یک‌سوی دولت اعلام شده و اینک همین شخص، همراه با عده - ای که اطلاعاتی از اداره امور این شرکت‌ها ندارند، سرمایه‌عظمی از بیت‌المال را در شرف نابودی قرار داده‌اند..." (۱۶ مهر ۵۸ - ما مداد)

آبوقت رئیس دولت موقت به این مسئله حیاتی اینطور برخورد کند: "... افراد را متهم میکنند و یا عکس آقا و خانمی را نشان می‌دهند که دست به تسبیح به دنبال شاه یا ملکه بوده و یا سرسیرده بوده، یا از ساواک حقوق می‌گرفته، یا با فلان ساواکی شیرو قهوه خورده است. البته بسیاری از این اتهامات، شایعات نادرست است، اما خیلی‌هاش هم صد در صد حقیقت و واقعیت دارد. اما یک مفسر، یک قاضی یا یک معلم کاری جز اطاعت نمی - توانسته است انجام بدهد، باید اطاعت می‌کرد..." (مهندس بازرگان، ۵ اردیبهشت ۵۸، اطلاعات)

آیا نصیری اطاعت نمی‌کرد؟ آیا حتی شاه اطاعت نمی‌کرد؟ آیا این ارباب آمریکا نبود، که به نوکرهایش در ایران دستور کار می‌داد؟ آیا این نوکران رنگارنگ چاره‌ای داشتند؟! \*

بر بنیاد همین سیاست دولت لیبرالی بود که اغلب مقامات حساس کشور بدست جاسوسان، دوستان و هواداران آمریکا و عمال ضد انقلاب افتاد در نتیجه تا امروز (۲۱ نفر از سران دولت لیبرالی بحرم جاسوسی برای آمریکا و فعالیت ضد انقلابی پایه‌زندان افتاده‌اند یا گریخته‌اند) به اتحاد مردم (شماره ۱۰۱ مراجعه کنید) (ادامه دارد)



سه، سه با ر غلط کردید که انقلاب کردید!

ویا: "... باز نشسته کردن جمعی افسران اشتباه بود..." (وزیر دفاع دولت موقت، ۲۲ فروردین ۵۸ - کیهان) رئیس دولت موقت هم معتقد بود: "... تصفیه کردن، زدن و گرفتن... من اسم آن را گذاشتم یک عمل ارتجاعی..." (مهندس بازرگان، ۱۶ تیر ۵۸ - کیهان) و بالاخره کار به جایی رسید که امام خمینی رسماً دستور تصفیه آداره‌ها را از عوامل رژیم سابق دادند و تا کیست کردند:

"... گاهی می‌شنوم که در بعضی از ادارات قدری کم‌کاری هست و بیکاری هست و این موجب تعجب من است. اگر این‌ها از رژیم سابق هستند، باید تصفیه شوند..." (۱۲ مهر ۵۸ - کیهان)

اما دولت موقت چه کرد؟ هیچ! این دولت بورژوازی حتی در سطح مدیران نیز تصفیه جدی نکرد. وجهی نگذشت که از نفوذ عوامل ساواک در وزارت بازرگانی پرده برداشته شد. بر اساس اطلاعات دفتر نخست‌وزیری: "... این شبکه طبق مدارک رسمی بوسیله عوامل و عناصر ساواک منحل و افراد وابسته به سازمان - های استعمار غریبی و گروه‌های ضد انقلابی در وزارت بازرگانی مشغول فعالیت بوده است، هدف این شبکه به دست گرفتن کنترل امور مربوط به خرید، حمل، تخلیه و توزیع کالا و ارزاق عمومی از کشورهای خارج و ضربه زدن به جامعه انقلابی ایران در لحظات حساس بوده است..." (۵ آبان ۵۸ - کیهان)

رضا صدر، وزیر بازرگانی دولت موقت، نیز ضمن مصاحبه‌ای اعلام کرد که:

"... پس از انتخاب عبدالرحمن نیک خلق و با گذشت ۶ ماه در یافتیم که نامبرده از عوامل ساواک منحل شده و با کمک دوستان خود... دست به یک رشته اقدامات غیرقانونی زد، که یکی از آنها سوءاستفاده ۷۰ میلیون ریالی در دو مرحله است..." (۵ آبان ۵۸ - کیهان) یعنی دولتی که هنوز سرکار نیامده سازمان اطلاعاتی درست کرد، تا به اصطلاح از نقشه‌های ضد انقلاب با خبر شود، دولتی که اسناد ساواک هم در اختیارش بود، یکی از عناصر ساواک را بر راس پست مهمی مانند معاونت وزارت بازرگانی گمارد و تازه ۶ ماه بعد، وقتی

یادآوری در شماره گذشته نشان دادیم که لیبرال‌ها چگونه با عدم سران رژیم منقور پهلوی مخالفت می - کردند و می‌گوشتند حتی هویدا را تاجات دهند. اکنون ادامه بررسی:

لیبرال‌های دولت موقت به اس کوشش‌ها رنگ "حقوق بشر"، رقت قلب ترجم، عفو... می‌زدند، اما واقعیت این بود که آنها مخالف درهم کوبیدن بنیادی رژیم سابق و نظام اقتصادی آن بودند. بی‌جهت نبود که همگی لیبرال - های یکدل و یک زبان بر نهاد‌های انقلابی دادگاه‌های انقلاب، کمیته‌ها، و سپاه پاسداران، که قلب دشمن را هدف گرفته بودند، می‌تاختند. گاه با قیافه حق به جانب و گاه به شکل حمله مستقیم: "... کمیته‌های انقلاب به تدریج منحل و وظایفشان و کارهایی که بر عهده دارند و بسیاری از آن کارها نباید انجام شود، و تدریج به دولت محول خواهد شد..." (سخنان دکتر بزدی - ۱۹ اسفند ۵۷ - کیهان) و: "... می‌دانم به شما توهین - ها... شده... تفنگ به دست‌ها و ۳ - بدست‌ها به نام کمیته‌های انقلاب به نام کمیته‌های امام آمده هیاهو راه انداختند، شما را تهدید کردند..." (پیام مهندس بازرگان، ۱۳ شهریور ۵۸ کیهان)

و باز هم مهندس بازرگان: "... کمیته‌ها و گروه‌های افراطی نه تنها مانع راه دولت، بلکه خطر عظیم برای امنیت و آسایش و بقا و حیات مملکت و برای انقلاب هستند..." (۱۰ اسفند ۵۷ - کیهان) اشاره به "خودسری کمیته‌ها، گروه‌ها، پاسداران، بعضی از روحانیت" در نطق‌های مهندس بازرگان، کم نیست، اصلا ترجیع بند نطق‌های رئیس دولت لیبرالی، کمیته‌های انقلاب بودند:

"... همه می‌پرسند و می‌ترسند اگر کمیته‌ها و پاسدارها افرادی که بنام کمیته و پاسدار عمل می‌کنند و اسلحه هم که دارند، این وضع اگر ادامه پیدا کند، عاقبت این ملک و ملت و مردم و از جمله دولت چه خواهد شد..." (مهندس بازرگان، ۵ اردیبهشت ۵۸ کیهان)

و بازم: "... اگر مقصود از انقلابی عمل کردن، زدن و ریختن و کشتن و پا روی همه اصول و نظام و سیستم گذاشتن باشد... انقلابی نیست... (مهندس بازرگان، ۱۵ شهریور ۵۸ - اطلاعات)

و نیز به فراری از این سخنان نتیجه صریح می‌گرفت: "... روحانیون باید به برچیدن کمیته‌ها کمک کنند..." (۲۱ خرداد ۵۸ - کیهان) هدف از برچیدن کمیته‌های انقلاب چه بود؟ بگذارید از زبان دولتمردان لیبرال بشنویم:

اما ساواک پامی گرفت...

"... به تصمیم دولت موقت کمیته‌ای تشکیل شده است که زیر نظر من از این پس اسناد و مدارک ساواک حفاظت خواهد کرد و کمیته در حال حاضر کارش را شروع کرده است..." (دکتر بزدی، ۲۸ اسفند ۵۷، اطلاعات) و یا: "... امیران نظام... تصمیم به تشکیل سازمان اطلاعاتی جدید را زیر نظر نخست‌وزیری اعلام داشت..." (۱۸ فروردین ۵۸ - اطلاعات)

ممکن است بگویند این فقط یک سازمان اطلاعاتی بوده است برای امنیت

اعلامیه سازمان جوان توده ایران به مناسبت ۱۶ آذر، روز دانشجو:

احزاب، جمعیت ها، سازمان ها...

گرامی باد خاطره تابناک شهیدان دانشجو!

دانشگاه، این سنگر استوار مبارزه ضد امپریالیستی باید گشوده شود!

و با سامانی های اقتصادی نیاز است دانشگاه ها و مدارس عالی کشور تعطیل اند. این تعطیلی، که قریب به یک سال است...



آدریاس ریوی



احمد ددی



مصطفی بزرگ سیا

ضروریات انقلاب و نیازهای مردم و توسعه جمهوری جوان اسلامی ایران می طلبد که مراکز آموزش عالی کشور گشوده شوند و فعالیت خلاق خود را از سرگیرند...

گرامی باد خاطره تابناک شهیدان دانشجو!

استوار باد پیوند دانشجویان مبارز با مردم انقلابی ایران!

سازمان جوانان توده ایران ۱۳۶۰/۹/۹

انقلابی و میهن دوست وظیفه دارند که وفادار به سنت های ضد امپریالیستی و مردمی جنبش دانشجویی، در عرصه های گوناگون نبرد علیه دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به سرکردگی آمریکا جنایتکار، و ساختمان ایرانی مستقل، آزاد و آباد شرکت کنند...

می دهند. امسال، ۱۶ آذر، "روز دانشجو" در شرایطی فرامی رسد که انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و مردمی ایران، در روند تحکیم و زرفش خود، با توطئه های گسترده، جنبه متحد ضد انقلاب، به سرکردگی آمریکا جنایتکار، مواجه است...

"۱۶ آذر" نشان داد که مبارزه علیه امپریالیسم، به سرکردگی آمریکای جنایتکار، در اعماق جنبش مردمی و دانشجویی میهن مارشده دارد و هیچ ترفندی نمی تواند در عزم راسخ آنان به مبارزه، بنیادین و بیگیر علیه امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و اعمال داخلی آن خللی وارد آورد...

۱۶ آذر، در تاریخ پر افتخار میهن ما به نام "روز دانشجو" ثبت شده است. این روز مظهر مبارزه متحد دانشجویان انقلابی میهن ما علیه امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و به خاطر استقلال، آزادی و ترقی اجتماعی است.

۲۸ سال پیش، در ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲، رژیم ددمنش شاه - آمریکا، که با کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۳۲، جنبش انقلابی مردم ماراخون کشیده بود، مزدوران خود را به دانشگاه تهران گسیل داشت، تا با زور سرنیزه از شرکت دانشجویان در تظاهرات حقوق طلبانه و برداشته مردم علیه تحدید روابط دیپلماتیک با امپریالیسم انگلستان و دعوت ریچارد نیکسون، معاون وقت رئیس جمهور آمریکا، جلوگیری کند...

هر چند رژیم شاه - آمریکا موفق شد که با کشتار دانشجویان از حرکت ضد-امپریالیستی آنان در روز ۱۶ آذر جلوگیری کند، اما از خون سوران شهیدانی که سنگ فرش های دانشکده فنی رازیگین ساخت، شعله های برخاست که سالیان سال زبانه کشید، "۱۶ آذر" از سوی مردم و دانشجویان انقلابی "روز دانشجو" نام گرفت و هر ساله، زیر شعار "اتحاد مبارزه پیروزی"، به روز تظاهرات و اعتصابات گسترده دانشجویان در داخل و خارج کشور علیه سلطه سیاه امپریالیسم آمریکا و دیکتاتوری دست نشانده آن بر میهن ما بدل شد.

نامه سرگشاده کانون صنفی فرهنگیان

بسمه تعالی نامه سرگشاده کانون صنفی فرهنگیان بدو دفتر امام خمینی، مجلس شورای اسلامی، شورای عالی قضایی، رئیس جمهور، نخست وزیر، وزیر آموزش و پرورش

حساس تربیتی و تصمیم گیری - ادامه کار برخی از عناصر وابسته به رژیم سابق - اخراج و برکناری معلمان و فرهنگیان - متعهد به انقلاب و ..... از میان موارد ذکر شده، امروز بیش از همه اخراج و برکناری فرهنگیان زحمتکش و متعهد به انقلاب یکی از موارد ناسالمی است که انقلاب را میفرساید و معلمان را دلسرد میکند...

و هر بار که خطری دیگر از سرانقلابان می گردد و انقلاب در یک هموردی سهمگین پیروز بدرمی آید، امام خمینی هشیارانه هشدار می دهند: ... انصافا از اول انقلاب تا حالا، آنکه کار خود را صد درصد صحیح انجام داد، ملت بود... حالانویست آقایان است... مردم بجای برنامه دادن عمل میخوانند، هیچ دیگر شماها عذر درارید، ماهیچکدام دیگر عذر نداریم، در طول این مدت هی عفرهائی بود و واقعا هم عذر بود، مردم دین خودشان را به جمهوری اسلامی تا کنون ادا کردند، به تکلیف خودشان مردم عمل کردند، اشکال، در ماهاست باید ما جواب مردم را بدهیم...

اخراج و برکناری فرهنگیان متعهد و مدافع جمهوری اسلامی ایران به زیان انقلاب است. انقلاب عظیم اسلامی مردم ایران، به رهبری فاطمه امام خمینی و با مجاهدت توده های میلیونی مردم و با خون دهها هزار شهید، محروم و مظلوم، توانست رژیم آزادی کش، وابسته و ضد مردمی طاغوت را درهم شکند و دستاوردهای بزرگی به همراه آورد، معلمان زحمتکش این سرزمین، که زیر ستم طاغوت بودند و همواره حقوق مادی و معنوی شان با پایمال میگردد، باتمام توانشان در این انقلاب شرکت کردند و برای حفظ آن نیراز جان مایه نهادند و از آن جا که انقلاب اسلامی ایران از پیروزی مقدماتی خود تا کنون با هزاران دسیسه ساخته و پرداخته امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا مواجه بوده است، فرهنگیان مانند بسیاری از مردم زحمتکش این مرز و بوم در تمام مدت بعد از انقلاب تا کنون، هشیارانه و فداکارانه کمبودها را تحمل نموده اند و خواست های حق خویش را مطرح نساخته اند، برای آنکه انقلاب به ثمر نشیند و ضد انقلاب ناکام بماند...

سکوت انتقاد آمیز کشانده وجه کسانی شادمانند از اینکه آنهمه شور و شوق انقلابی و روحیه سیاسی، که حتی بی تفاوت ها را به شرکت در سرنوشت انقلاب بشان فرامیخواند، مدل به سردی و بی تفاوتی شده است؟ چه ملاکی برای برکناری یا ابقاء فرهنگیان موجود است؟ متاسفانه اینگونه که پیداست امروز ملاک بسیاری از برکناری ها داشتن نظرات متفاوت و اعتقاد به مکاتب فکری گوناگون است...



سرگذشت رنج و رزم خلق قهرمان فلسطین ۵

رخنه جوی صهیونیستها در سرزمین فلسطین، زیر چتر

حمایت امپریالیسم بریتانیا



بایداری

چه بسا، تورا توان آن است که،  
مرا به زنجیر کشی  
و کتاب و سیگارم را از من دریغ داری  
چه بسا، تورا توان آن است که دهانم را از خاک بیانیاری  
ولی شعر، قلمم را، مانده خون، طعام خواهد داد  
شعر نمک است برای نان  
واشک است برای چشم.  
من، شعرم را، در سلول زندانم  
در طویل و حمام  
در زیر تازیانه و زنجیر  
دست در دستبند  
واگویی می گنم  
بر شاخسارهای قلب من، یک میلیون پرندۀ خوش آواز  
آشیان گرفته اند  
که سرود آزادی را نغمه می کنند.

محمود درویش

پس از ماه مه ۱۹۴۹، به دنبال پایان کنفرانس سنت حیمز و صدور کتاب سفید، انگلستان در راه مهاجرت یهودیان به فلسطین و اسکان و توسعه سیاسی ایشان محدودیت‌هایی فراهم آورد و ارتش هاگانا نبرد سختی را علیه عمال حکومت انگلیس آغاز کرد. اما با آغاز جنگ جهانی دوم نیروی ۶۰ هزار نفری هاگانا به پشتیبانی انگلیس برخاست و در آفریقا، کرانه‌های مدیترانه و اروپا در زیر پرچم انگلستان به نبرد پرداخت. شرکت در جنگ جهانی دوم برای یهودیان ارزش حیاتی داشت و فرماندهان و خلبانان یهودی، برای جنگ آینده خود با اعراب، تجربیات فراوان از آن به دست آوردند. پس از پایان جنگ، هاگانا مهاجرت یهودیان را به فلسطین تسهیل کرد و در جنگ ۱۹۴۸، ابتکار جنگ علیه فلسطینی‌ها و ارتش‌های عربی را در دست گرفت.

هاگانا پس از استقرار دولت اسرائیل، به نام "ارتش دفاع ملی" تجدید سازمان یافت و در قتل عام‌های کشاورزان فلسطینی شرکت جست.  
(۲)  
"دوم" برابر با ۹۱۹ متر مربع است.

اسیر بیکاری و راهی شهرها می ساخت. تخت تاثیر مجموعه این اوضاع و احوال، قشر بندی نوینی در حال شکل بندی و تکوین بود. توده‌های زحمتکش و تنگدست مهاجر یهود، که با هزار امید و نوید به "سرزمین موعود" روی آورده بودند و بانک از بیکاری و بی عدالتی‌های فردی و اجتماعی صهیونیست‌ها و هم پیوندان امپریالیست آنها به تنگ آمده بودند، هم‌دوش با توده‌های کارگر و زحمتکش عرب در پیکار علیه صهیونیست‌ها و استعمارگران بریتانیا شرکت می کردند. در این پویه، هم پای گسترش ستم طبقاتی در سرزمین فلسطین، نهال اتحاد و مبارزه، بالنده، زحمتکشان عرب و یهود رشد چشمگیری می یافت.

(ادامه دارد)

(۱)  
هاگانا: (بفرمان عبری: دفاع)، ارتش سری یهود که پس از پایان جنگ جهانی اول در سرزمین فلسطین تشکیل شد. در این زمان اعلامیه بالفور (۲ نوامبر ۱۹۱۷) صادر شده بود و مردم فلسطین به سختی علیه آن اعتراض کرده بودند. مقصود از تشکیل ارتش هاگانا، نگهبانی از مهاجران یهودی در برابر حمله اعراب بود.

و تبلیغ میکردند. مهاجرت و اسکان یهودیان با پشتیبانی بی دریغ بریتانیا همه ساله افزایش می یافت. در فاصله سالهای ۱۳۱۱-۱۲۹۸ (۱۹۳۲-۱۹۱۹)، یکصد و نوزده هزار و چهار صد تن یهودی به فلسطین مهاجرت کردند. در این بین، سازمان‌های صهیونیستی نیز با تمام امکانات سرگرم پیش بردن سیاست زمین خواری و دست اندازی بر زمینها و راندن کشتگران تهی دست و تامین همپیوندی تنگناک با بزرگ مالکان بودند.

در فاصله سالهای ۱۳۰۷-۱۲۹۸ (۱۹۲۸-۱۹۱۹) تنها اراضی متعلق به صندوق ملی یهودیان "به حدود ۱۹۳۰۰۰۰ دونم (۲) رسید. باید در نظر داشت که "صندوق ملی یهودیان" تنها یکی از دهها سازمان زمین خواری بود. فزون بر آن، "انجمن اسکان یهودیان در فلسطین" در سال ۱۳۰۶ (۱۹۲۷) زمین‌هایی به وسعت ۲۹ هزار دونم در اختیار داشت. در هر حال، وسعت کل زمین‌های متعلق به صهیونیست‌ها ۱۰۰۲۰۰۰ دونم از بارآورترین زمین‌های فلسطین بود.

سخنان هر تامل بیان گویای سیاست یهودیان صهیونیست در آن دوران بود: "زمین شخصی واقع شده در گستره‌های متعلق به ما را باید رفته رفته از دست مالکانش بدر آورد. پس از یافتن کار برای ساکنان تهی-دست در کشورهای مقصد، آنها باید از مرزها بیرون رانده شوند. در کشور ما، از دادن کار به آنها باید خودداری گردد. در مورد بزرگ مالکان باید گفت که آنها در نهایت به ما خواهند پیوست."

در دهه ۱۳۰۹-۱۲۹۹ (۳۰-۱۹۲۰) نزدیک به نیمی از زمین‌های بارآور و قابل کشت مالکیت مشاع داشت. از اینرو، برای برداشتن این مانع از برابر سازمان‌های زمین خواری صهیونیستی، قانونی منی بر آزادی کشاورزان در جانشین از ملک مشاع و کار بر روی قطعه زمین خود، از سوی بریتانیا صادر گردید. اجرای این قانون سرنوشت دردناکی برای بسیاری از کشاورزان به بار آورد، زیرا که قطعه زمین کوچک آنها، بعد از مدت کوتاهی با بدست سازمان‌های زمین خواری صهیونیستی می افتاد و یا نصیب بزرگ مالکان عرب میشد. پس از آن، کارگزاران بریتانیایی برای تسهیل کار زمین خواری در سال ۱۳۱۷ (۱۹۳۸) نیز قانونی با سرشت غارتگرانه به تصویب رساندند. بر پایه این قانون، هر قطعه زمین فلسطین را، که "منافع عمومی" ایجاد میکند، می توان به زور از کشاورزان خرید. در این مسیر هر خطه از خاک فلسطین به دستاویز محل ساختمان پایگاه، مسیر راه آهن و... صادره میشد.

سیاست امپریالیسم بریتانیا و صهیونیست-هازندگی بیباک گردان عرب را نیز دستخوش تیاهی ساخت. سازمان‌های صهیونیستی، به پشتیبانی امپریالیسم بریتانیا، خشکسای بسیار وسیعی از چراگاه‌های سرگردگان قبایل را خریداری کردند. دست اندازی صهیونیست‌ها بر این زمین‌ها بار محرومیت و نکیت دامداران فلسطینی را بیشتر کرد، تا آنجا که آنها ناگزیر به کوچ از سرزمین آبایی خویش به اردن خاوری، سوریه و یا شبه جزیره عرب شدند.

استعمارگران بریتانیایی برای جلب هواداری بزرگ مالکان عرب و رفع نگرانی آنها از اسکان شتابان یهودیان، به یک رشته اقدامات به سود آنها دست یازیدند. از سوی دیگر، در روند تدریجی از اقتصاد طبیعی به اقتصاد پولی، بزرگ مالکان عرب، کشاورزان کم زمین و بی زمین را زیر و بم و بهره‌کشی شدید قرار میدادند و بروسعت زمین‌های خویش می افزودند. با تکامل اقتصاد پولی و راه یافتن مناسبات سرمایه داری به روستاها، هر روز همپیوندی بزرگ مالکان عرب با صهیونیست‌ها بیشتر می شد و زمین‌های بارآور و گسترده تری به صهیونیست‌ها واگذار می گردید. هر سالی که سیری می شد، دست یغماگر صهیونیست‌ها بر گستره فزاینده‌تری از زمین‌های کشاورزی جنگ می افکند و شمار فزاینده‌ای را

پس از چیرگی بریتانیا بر فلسطین، دولت استعمارگر بریتانیا بر کلیه پایگاه‌های بنیادی اقتصاد و اهرم‌های سیاسی فلسطین دست یافت. تراپری و بازرگانی داخلی و خارجی در چنگ امپریالیسم بریتانیا متمرکز گردید. عضویت فلسطین در گروه استرلینگ بروابستی اقتصادی آن به بریتانیا افزود. از سال ۱۲۹۹ (۱۹۲۰) بدینسو، امپریالیسم آمریکا نیز در تکاپوی رخنه در فلسطین بود. انحصارگران آمریکایی "شرکت اقتصادی فلسطین" را برای رویارویی با سرمایه‌های بریتانیایی برپا کردند. از سوی دیگر، انگلیسی‌ها به پشتوانه "اعلامیه بالفور" و سند سرپرستی، با دستبازی به کلیه وسایل، در راه گسترش و تحکیم سرمایه‌های یهود تلاش می ورزیدند و به موازات آن سرگرم کوچاندن بی دریغ یهودیان بودند.

ماده چهارم سند سرپرستی تصریح میکرد که برای برداشتن گام‌های ضروری در راه پایه گذاری "سرزمین ملی یهود" در فلسطین، باید یک "نمایندگی یهودی" گشوده شود. "سازمان صهیونیسم جهانی" تبلیغات گسترده جهان-گیری را در میان یهودیان، برای کشاندن آنها به سرزمین فلسطین، آغاز کرد و گروه ویژه‌ای را برای آموزش دادن به یهودیان نورسیده سازمان داد. "نمایندگی یهودی" دست به پی-ریزی "جنبش مهاجران جوان" زد و "انجمن بانوان جوان آمریکا" عهده دار گردآوری کمک مالی برای "نمایندگی یهودی" گردید.

دولت بریتانیا اعلام داشت که برای مهاجران یهود شناسنامه فلسطینی صادر می کند. بر این بنیان، به گروه‌های صهیونیستی امتیازهای گوناگونی واگذار شد. برای نمونه، "شرکت برق فلسطین" امتیاز برپایی یک نیروگاه برق بر رود اردن را دریافت کرد.

صهیونیست‌ها در "شرکت پتاس فلسطین" سرمایه گذاری کردند. تراست‌های "اسکان یهودیان در فلسطین" وابسته به بانک برادران روتچیلد و دیگر بانک‌ها، توانستند بر زمین‌های بارور و حاصلخیز گسترده‌ای از خاک فلسطین جنگ اندازند. برای پیشگیری از داد و ستد زمین و جلوگیری از فروش دگر باره زمین‌های غصب شده به عرب‌ها، "نمایندگی یهودی" صندوق ملی یهودیان را برای خرید زمین، با پول گردآمده از یهودیانی که ساکن فلسطین نبودند، بنیان نهاد. زمین‌های خریداری شده با پول صندوق ملی یهودیان "قابل فروش نبود بلکه آن زمین‌ها برای مدت ۳۵ تا ۴۹ سال به مهاجران یهود اجاره داده میشد. در این بین، بانک هاننش پراهمیتی ایفاء می نمودند، شرکت "تنوفا" داد و ستد فرآورده‌های کشاورزی یهودیان را بدست گرفت. مقام‌های مالی "نمایندگی یهودی" پرداخت وام به سازمان‌های کشاورزی صنعتی و بازرگانی یهودیان را آغاز کردند. کارگزاران بریتانیایی

به سازمان‌های صهیونیستی امتیازهای بیشتری بخشیدند. فزون بر "نمایندگی یهودی"، گروهی به نام "آسیوات گانیوهاریم" (مجلس نمایندگان)

پدید آمد که با کمیسر بلندن پایه انگلیسی رایزنی و گفتگو می کرد. انجمنی دیگر به نام "شورای ملی یهودیان" برپا شد که وظیفه آن گردآوری مالیات از یهودیان در برابر خدمات شهری، نگهداری آموزشگاه‌ها و جز آن بود.

"سازمان صهیونیسم جهانی" ارتشی نیمه مخفی بنام "هاگانا" (۱) (دفاع) به منظور پراکندن تخم وحشت بین اعراب و فراری دادن کشاورزان عرب سازمان داد.

دومین "بین الملل" یهودی، فعالیت‌های پر دامنه‌ای را برای کوچاندن یهودیان صهیونیست به فلسطین آغاز کرد. برای تشویق به کوچ یهودیان اروپا و آمریکا به سرزمین فلسطین، کمیته‌هایی به نام "کمیته صهیونیست" - سوسیالیست کمک تشکیل شد. وابستگان داخلی صهیونیست‌ها نیز، هم‌نوا با "هستدروت"، برای شعله ور ساختن آتش شوونیسم کور شعار "زمین، کار، زبان" را ترویج

باتحکیم و تقویت صف متحد نیروهای مردمی و ضد امپریالیستی جبهه متحد ضد انقلاب را درهم شکنیم!

# دولتی کردن بازرگانی خارجی

## یعنی حذف بازرگانان وابسته و واسطه‌ها



با تصویب کلیات لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی در مجلس شورای اسلامی، اینک مجلس آماده بحث درباره مواد لایحه است.

تصویب اصل دولتی کردن بازرگانی خارجی بخودی خود گامی است بزرگ بسودز حکمت‌گشا. البته هنوز متن لایحه در معرض قضاوت افکار عمومی قرار نگرفته است. تا ما هم نمونه خود بتوانیم درباره جزئیات لایحه اظهار نظر کنیم. این امکان در جریان بحث نمایندگان مجلس درباره مواد لایحه فراهم خواهد شد. ولی آنچه از سخنان نمایندگان مجلس و دفاع وزیر بازرگانی هنگام بحث درباره کلیات لایحه، برمی آید، از وجود نقائص جدی در لایحه حکایت می‌کند، که مهمترین آن‌ها بازگذاشتن دست سرمایه‌داران بزرگ در واردات کالا زیر پوشش "تعاونیها" است. وزیر بازرگانی بخش خصوصی را به سه بخش تقسیم کرد. بخش اول "مستضعفین بخش خصوصی" که با سرمایه‌های قلیل خود تعاونی‌های توزیع تشکیل خواهند داد. بخش دوم "بخش خصوصی منعهد" یعنی آنهایی که امکانات بیشتری دارند و تا زمانی که دولت نتواند تمام واردات را در دست گیرد، "تعاونی‌های واردات" تشکیل خواهند داد، و بخش سوم، که در تولید سرمایه‌گذاری خواهند کرد. با آن که وزیر بازرگانی "تعاونی‌های واردات" راویژه دوران گذار و ضرورت دولتی کردن تدریجی بازرگانی خارجی اعلام کرد، مضافاً این نگرانی بحاست که بازرگانان وابسته از طریق این "تعاونی‌ها" حتی الامکان سیادت خود را بر بازار داخلی حفظ کنند، همچنان که در دو سال اخیر از طریق "مراکز تهیه و توزیع کالا" حفظ کرده‌اند و به گران و تورم دام زده‌اند.

### مروری بر گذشته

عامل اصلی گرانی، چنانکه بدیهی است، کمبود کالا و فزونی تقاضا بر عرضه است. علت کمبود کالا در شرایط مشخص پس از پیروزی انقلاب نیز روشن است. سیاست اقتصادی درهای باز، که دهها سال از سوی نظام طاغوتی دنبال شد، اقتصاد ایران را بمزاعده واقعی اقتصاد امپریالیسم تبدیل نمود. درجه وابستگی کشور به امپریالیسم در زمینه اقتصادی چنان شدید بود که وقتی پس از پیروزی انقلاب قرار شد به وابستگی‌ها پایان داده شود، اقتصاد ایران قدرت ایستادن بر پایه‌های خود نداشت، صنایع مونتاژ نه فقط بدلیل مونتاژ بودن، بلکه حتی از نظر مواد اولیه هم وابسته به کشور بی‌ارقم ارضیه طاغوت، توانایی تامین خوراک مردم را هم نداشت، تا چه رسد به تهیه مواد خام و اولیه صنایع کشور. نتیجه آن شد که با پیروزی انقلاب صنایع داخلی در جنبش مشکلات گوناگون و از جمله فقدان قطعات و یدکی‌ها، کمبود مواد اولیه، کارشکنی مدیران وابسته، طاغوتی و غیره گرفتار آمد و نتوانست در حجم لازم تولید کند، چنین بود که تقاضا بر عرضه پیشی گرفت.

محاصره اقتصادی کشور از سوی امپریالیسم آمریکا و متحدانش، طیف دشواریها را گسترش داد، زیرا سیاست خائنانه طاغوت در وابسته ساختن کشور به چندبازار امپریالیستی، نظیر آمریکا جهان‌نحوار، اروپای غربی و ژاپن این نتیجه را به بار آورد که وقتی امپریالیسم تصمیم به از یاد آوردن انقلاب ایران، از جمله بوسیله محاصره اقتصادی آن گرفت، دستهای خائن سرمایه‌داران وابسته نیز بحركت درآمدند و با تشبث به هزاران کید و فن، کمبود را تشدید کردند و قیمت‌ها را به عرش رساندند. اگر لیبیرال‌های سازشکار وارث

پیروزی انقلاب شده بودند، تا روابط اقتصادی و مالی دوران طاغوت را دست نخورده باقی نگاهدارند، انقلاب می‌توانست از آغاز، با توسل به اقدامات فاطح در زمینه شالوده‌ریزی صنایع ملی و تبدیل بازرگانی خارجی وابسته به بازرگانی دولتی، موج فتودالیسم و زمینداری بزرگ گام‌های اساسی برای جراحی اقتصاد بیمار بردارد، که مناسبانه چنین نشد و نفوذ لیبیرال‌های مکلا و معمم در دستگاه‌های دولتی و نهادهای انقلابی به آنجا کشید که امروز پس از سه سال از پیروزی انقلاب، هنوز مستضعفان در پهنه بهره‌کشی سرمایه‌داران مستکبر بخودی می‌پیچند و پیامد های ناگزیر و گریز پذیر انقلاب را آنان باید بر دوش کشند و فریاد پر درد امام خمینی که:

### "شما باید برای این پا برهنه‌ها و مستضعفین کار کنید"

تا امروز بدون پیرواک ماند، بدیهی است که نخستین گام برای مبارزه با گرانی آست که چندان کالا به بازار عرضه شود، که سطح تقاضای منطقی شهروندان را بپوشاند، برای این کار دولت باید قبل از هر چیز، با برنامه‌ریزی‌های دراز مدت و کوتاه مدت و همچنین با برنامه‌های صریح، تولید صنعتی و کشاورزی را سرو سامان بخشد. در بخش صنعتی باید به قطع ایادی سرمایه‌داران وابسته، به تهیه مواد خام و اولیه از کشورهایی که خواهان بازرگانی بی‌قید و شرط سیاسی با ما هستند، به تبدیل تدریجی صنایع مونتاژ به صنایع مستقل اقدام نمود و در بخش کشاورزی، اجرای اصلاحات ارضی انقلابی بمعنای قطع سلطه فتودال‌ها و زمینداران بزرگ، واگذاری زمین به دهقانان، ایجاد کشاورزی مدرن، با استفاده از آخرین پیشرفت‌های دانش و تکنیک، بعنوان پیش شرط یک کشاورزی در حد معقول خودکفا ضرور است.

### دولتی کردن بازرگانی خارجی نیاز انقلاب است

اعتلاء تولید داخلی به یک تولید خودکفا به زمان نیاز دارد، و کار یک روز و دور نیست تا آن زمان ما نیازمند آنیم که بخشی از بازار مصرف خود را از منابع خارجی تامین کنیم در سه ساله پس از پیروزی انقلاب، امپریالیسم و کارگران آن، در این هر دو عرصه به انواع کارشکنی‌ها دست زده‌اند هم از حرکت چرخ تولید بسوی تولید مستقل وطنی جلوگیری کرده‌اند و هم با حفظ سمتگیری ناسالم در بازرگانی خارجی ایران و انواع سوء جویی‌ها و سوء استفاده‌ها در این عرصه، عنصر گرانفروشی را برگرانی افزوده‌اند.

در این سه سال که تولید داخلی به علل اجتناب‌ناپذیر اجتناب‌پذیر دچار اختلال شده و علاوه بر آنکه در ذات خود، یعنی به علت وابسته بودن، قدرت روابروی با بازار تقاضا رانداشته و بدلیل عوارض متعددی که از سوی "تورریست‌های اقتصادی" گریبانگیرش شده، از سطح تقاضای معقول جامعه بسی عقب مانده است، سرمایه‌داری وابسته در بخش بازرگانی شرایط را مساعد یافته و با سوء استفاده از اوضاع ناسامان، بر ناسامانی‌ها دامن زده و به بهای فرار دادن مردم در زیر سنگ گرانی و کمبود، سودهای کلان به جیب ریخته است، این سوء استفاده هم در عرصه صادرات و واردات کالا و هم در شبکه توزیع بوده است. در عرصه صادرات برخی از تجار وابسته، از جمله با یاد مروی در صادرات فرش، که همواره یکی از اقلام عمده کالا - های صادراتی ایران بوده است،

توانستند مقدار مهمی ارز در حساب‌های بانکی خود در خارج از کشور پس انداز کنند و بازاریسازها را در داخل رونق بخشند، نرخ دلار قاچاق را به ۳۰ تومان برسانند، دلار را در ایران بفروشند و در خارج از حساب‌های بانکی - شان حواله دهند. در آستانه انقلاب صادرات غیر- نفتی کشور از حدود ۶۰ میلیون دلار در سال تجاوز نمی‌کرد. در سالهای پس از انقلاب، به علت صدور بی‌رویه فرش از سوی بازرگانان بزرگ، این رقم به دو تا سه برابر رسید و اکنون فقط زمان کوتاهی است که دولت جلوی صدور بی‌رویه فرش را گرفته است.

برخی از بازرگانان ضدانقلابی به بهانه صدور کالا به همه گونه تقلب دست زدند و به خارج کردن انواع کالاهای قیمتی و تحمیلی و عتیقه صادرات ورزیدند. آن بخش از سرمایه‌داران وابسته که در رشته واردات کالا شغال‌اند توانستند با جعل و یا تقلب در فاکتور، یعنی از طریق زد و بند و پرداخت حق و حساب به طرف معامله خود در بازار خارجی بهای جنس وارداتی را چند برابر بهای واقعی آن و نمود سازند و از این راه مبالغی ارز، در حساب‌های بانکی خود در خارج ذخیره نمایند.

شبهه توزیع کالا، که طی دو سال پس از انقلاب کالا و در یکساله اخیر، به جز چند قلم کالای سهمیه‌بندی شده، در دست بازرگانان وابسته بوده، به تمام معارضه جیالو آنان بوده است. به گفته مقامات رسمی، در سال ۵۹ کل واردات کشور مبلغ ۱۵ میلیارد دلار بوده، که ۵/۱۰ میلیارد دلار، یعنی بیش از دو سوم آن، سهم بخش خصوصی بوده است. با توجه به نرخ‌های سرسام- آور، بخش خصوصی، یعنی تجار عمده واردکننده، چند برابر بهای کالاهایی که وارد بازار داخلی کرده‌اند، سود برده‌اند. علاوه بر آنکه برخی از آنان بی آنکه کالای وارد کنند و یا در ازاء واردات یک کالای سنجل از خارج، که حتی ارزش تخریبی از گمرک را هم نداشته، موفق شده‌اند اعتبارات ارزی هنگفتی دریافت دارند و بحساب خود در خارج واریز نمایند.

ایجاد "مراکز تهیه و توزیع کالا"، که بعنوان گام‌های اولیه، در راه دولتی کردن بازرگانی خارجی از طرف وزیر لیبیرال وقت رضا صدر و انمود شد، نتوانسته است مشکلات واردات و توزیع کالاهایی را، که از طریق این مراکز خارج سفارش داده می‌شود، حل کند، زیرا وجود بازرگانان بزرگ در این مراکز هم مانع از جریان سالم دولتی کردن بازرگانی خارجی شده و هم آنان نتوانسته‌اند در لولای این مراکز، به زندگی انگلوار خود ادامه دهند.

بازرگانی سالم دولتی بدان معنا است که میان تولیدکننده و مصرف کننده، میان واردات کالا و مصرف آن واسطه‌ای وجود نداشته باشد، تا با سود - جویی خود، نرخ کالا را، بچند برابر برساند. در حالیکه کالاهایی که از طریق "مراکز تهیه و توزیع" به کشور وارد می‌شود، هم بوسیله سفارش شده‌ها کالا یعنی بازرگانان بزرگ و هم در شبکه پیچ در پیچ توزیع، بهای آن به چند برابر می‌رسد. نمونه گویای آن آن است که از جمله کالاهای وارداتی "مراکز تهیه و توزیع" است، و توزیع آن بدست دو تعاونی آهن فروشان است، که به گفته حجت الاسلام عباسی، سود بعضی از واردکنندگان و توزیع کنندگان به تنهایی ۲۰۰ میلیون تومان بوده است و هم اکنون بهای یک کیلو آهن به ۲۰ تومان رسیده و با هزار دوشواری بدست مصرف کننده می‌رسد. این مراکز در قالب کنونی شان،

که مرکز نفوذ سرمایه‌داران وابسته‌اند نه کاملاً قادر به جلوگیری از تقلب سفارش دهندگان بزرگ کالا، هستند و نه قادر به اجبار آنان به فروش کالا - های وارداتی خود به نرخ‌های تعیین شده. "سرپرست" سازمان حمایت از مصرف کننده "در تاغید ناسامانی‌های توزیع کالاهای این مراکز می‌گوید:

### "کالاهای توزیع کالاهای وارداتی دقیقاً مشخص نیست. حتی ۳۰ درصدی که دولت برای ورود کالا می‌گیرد، به لحاظ محدودیت‌هایی که وجود دارد، قابل جذب در بازار نیست و واردکننده برخلاف تعهداتی که دارد کالا را صد درصد بدو خواهد خود و از طریق واسطه‌ها بدست مصرف کننده می‌رساند. اومی افزاید:

"بازرگانی‌ها شده که نرخ‌های تعیین شده در بازار اجرائی شود" (کیهان - ۴ مهر ۶۰) با فعالیت یافتن لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی و قرار گرفتن آن در دستور کار مجلس، امیدز حکمتگشا آن است که سرانجام، هم واردات کالا و هم شبکه توزیع از قالب کنونی اش، که دهها هزار دلال و واسطه و سنجدار را در هزار لای خود جا داده است، از دست سرمایه‌داران بزرگ و واسطه‌ها خارج و در بخش توزیع دولتی، تعاونی و خصوصی متمرکز گردد. متأسفانه وزیر بازرگانی در دفاع از لایحه مطروحه در مجلس شورای اسلامی، درباره تعاونی - هائی سخن گفت مرکب از سرمایه‌داران، که باید تا زمانی که دولت نمی‌تواند تمام واردات را بر عهده بگیرد، آنان عهده دار این وظیفه گردند.

این "تعاونی‌های واردات" در واقع نوعی از همان "مراکز تهیه و توزیع" کالا - است، که بدست وزیر لیبیرال رضا صدر بوجود آمد و عده‌ای از بازرگانان بزرگ تا کنون گرداننده و اداره کننده آن بوده‌اند و به همین جهت این مراکز نتوانسته‌اند متأسفانه از تقلب قیمت‌ها باشند. بازرگانان بزرگ با شرکت خود در این مراکز نتوانستند سلطه خود را بر بازار واردات کالا حفظ کنند و در آینه‌ها نیز بخشی دیگر از آنان می‌خواهند زیر نام "تعاونی‌های واردات" به سیادت غارتگرانه خود ادامه دهند.

در اینجا توجه به دو نکته مهم ضرور است: نخست آنکه دولتی کردن بازرگانی خارجی اولاً بدان معناست که دست بازرگانان بزرگ از مراکز تصمیم گیری کوتاه شود، زیرا وجود این قشر سودجو، چنانکه تجربه دو سال اخیر نشان داده است، مانع از آنست که دولتی کردن بازرگانی خارجی بمعنای واقعی خود تحقق یابد. ثانیاً اگر دولت نتواند کنترل جدی خود را بر توزیع داخلی اعمال کند، از دولتی کردن بازرگانی خارجی سودی عاید مصرف کننده بویژه در زمینه قیمت‌ها نخواهد شد، زیرا بازرگانان وابسته نشان داده‌اند که حاضر به تبعیت از نرخ‌های دولتی و قناعت به سود معقول نیستند. بر این اساس هم واردات کالا و هم توزیع کالا باید قطعاً و حتماً از دست سرمایه‌داران بزرگ خارج شود، زیرا اینان پایگاه داخلی امپریالیسم و کارگران آگاه آن در خرابکاری و کارشکنی هستند. اینان هدفی جز غارت مردم و تکمیل محاصره اقتصادی امپریالیسم ندارند و در کار از پا در آوردن اقتصاد کشور هستند.

### ضرورت ایجاد بخشهای دولتی و تعاونی توزیع

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به سه بخش دولتی و تعاونی و خصوصی اقتصاد صراحت دارد. این سه بخش را باید در شبکه توزیع نیز پیاده کرد، بخش دولتی توزیع میتواند از طریق ایجاد فروشگاه‌های دولتی

در حوزه‌های، که عرصه کنده کالا به بهای عادلانه باشند، به وجود آید. بخش تعاونی با تشکیل تعاونی‌های مصرف در هر کارخانه، هر کارگاه، هر موسسه، هر نهاد انقلابی و در هر محل با مشارکت مردم بوجود می‌آید. تشکیل تعاونی‌های کارگری و کارمندی، تعاونی‌های تهیه و توزیع کالا از سوی اصناف، تعاونی‌های مصرف در سطح روستاها میتوانند مصرف کنندگان را مستقیماً به مراکز تولید و تهیه کالا پیوند دهند و واسطه‌ها را حذف کنند. متأسفانه در دوران پس از انقلاب از نام "تعاونی" سوء استفاده بسیار شده است. شهید دکتر بهشتی در تعریف تعاونی‌های مصرف می‌گوید: "آزاد کردن مصرف کننده از واسطه‌های غیر ضروری بنا بر این تعریف، تعاونی‌ها باید بدست خود مصرف کنندگان تشکیل شوند، نه چنانکه در دوران اخیر شاهد بوده‌ایم بدست سرمایه‌دارانی که تعاونی‌ها را پوشش غارت خویش قرار داده‌اند. یکی از مسئولان مرکز تهیه و توزیع مواد غذایی در مصاحبه با روزنامه اطلاعات می‌گوید:

"... حلاله‌های فکری کنند که دولت نظراتش را به شرکت‌های تعاونی مساعد است و چند نفر تاجر رفته‌اند شرکت‌های تعاونی تشکیل داده‌اند و می‌آیند اینجا جنس می‌گیرند که به این صورت نمیشود. شرکت‌های تعاونی باید اکثریت آن صنف را پوشانده باشد، عمل کرد گذشته‌اش خوب باشد، آئین نامه توزیع داشته باشد" (اطلاعات - یکم آذر ۶۰)

نخستین و مهمترین هدف تشکیل تعاونی‌های مصرف، حذف واسطه‌ها و مشارکت هر چه فعال‌تر مردم است. اگر سرمایه‌داران و واسطه‌ها خود هیئت مؤسس تعاونی‌ها شوند، تعاونی‌ها را از اهداف خود دور کرده‌ایم، زیرا این سرمایه‌داران و این واسطه‌ها همان دست‌هایی هستند که حتی کالاهای سهمیه‌بندی شده را بطور قاچاق به بهای چند برابر، در بازار مصرف به فروش می‌رسانند، به همین جهت است که وزارت بازرگانی اخیراً به کسانی که بدون احراز صلاحیت و در جهت تامین منافع فردی و یا گروهی خود "تعاونی" تشکیل میدهند، اخطار کرده است.

بدیهی است که حضور بخش دولتی و تعاونی در شبکه توزیع به هیچ وجه بمعنای حذف واحدهای خرده فروشی نیست - آنگونه که ضد انقلاب تبلیغ میکند - بلکه در نتیجه حضور شرکت‌های دولتی توزیع کالا و تعاونی‌های مردمی، رابطه نوینی میان این واحدها و مراکز توزیع و تهیه کالا، میان این واحدها و مصرف کنندگان برقرار خواهد شد.

واحدهای خرده فروشی با تشکیل تعاونی‌های تهیه و توزیع کالا، به بهای عادلانه کالا تهیه می‌کنند و به بهای عادلانه کالا می‌فروشند. در نتیجه هم آنها سود معقول و متعادل خواهند داشت و هم مردم از گزند گرانی و وحشتناک و تعدی فروشندگان در امان خواهند بود. شالود میریزی بازرگانی خارجی سالم جز با حذف بازرگانان وابسته و محتکران و واسطه‌ها ممکن نیست. زیر هر نام و تحت هر پوششی که این قشر طفیلی و حریص خود را پنهان کند، با اهداف دولتی کردن بازرگانی خارجی آسیب خواهد رساند و آنرا مسخ خواهد کرد.

ده سال از پایه گذاری

امارات متحده عربی

می گذرد

Table with 4 columns: Year, Exchange Rate, etc. Rows include 1970, 1972, 1975, 1976, 1977.

نه سال است (از سال ۱۹۷۲) که آموزش همگانی در "امارات متحده عربی" اجباری است.

(۱۱ آذر ۱۳۵۰ تا ۲۲ دسامبر ۱۹۷۱)

در شیخ نشین الشارجه نه سال پیش (۱۹۷۲) نفت کشف شد.

تولید نفت (به میلیون تن)

Table with 3 columns: Year, Oil Production, etc. Rows include 1968, 1970.

نساجی و لوازم خانگی صادر می کند مهم ترین شریکان بازرگانی خارجی دومی ژاپن - ایالات متحده آمریکا.

سال ۱۹۷۰ به ۳۶/۹ میلیارد دینار در سال ۱۹۷۷ رسید.

کشاورزی، ماهیگیری و صید صدف مهم ترین رشته های اقتصادی سه شیخ نشین آخر به شمار می رود.

بخشی رویدادهای تاریخی

سده های ۱۷-۱۸: تلاش بریتانیا برای رخنه گیری بر سرزمین کنونی "امارات متحده عربی".

حاکمیت سرزمین کنونی "امارات متحده عربی" تا ده سال پیش تحت الحمایه بریتانیا بود.

فرمانروایان مرتجع عرب، که اگر بخواهند احیانا نافرمانی کنند، بی رحمانه بر پیکر شان فرود خواهد آمد.

پدیر است. به همین دلیل نیز کشورهای امپریالیستی، در عین حال که اتحاد خود را مستحکم میکنند.

"بایستی امنیت اجتماعی، قضایی و امنیت کامل محیط زندگی و محیط کار را برای همه فراهم کنیم.

تفسیر وقایع

بقیه از صفحه ۵ پذیر است. به همین دلیل نیز کشورهای امپریالیستی، در عین حال که اتحاد خود را مستحکم میکنند.

پیمان استراتژیک آمریکای و اسرائیل

خبرگزاری ها اطلاع دادند که در روز دهم آذر به یک پیمان نظامی بین آمریکا و اسرائیل به امضا رسیده است.

سازی کوتاه شود و این امر در سراسر کشور به صورت یکنواخت و با ملاک ها و معیارهای قانونی و انقلابی انجام گیرد.

چرا مناسبات

بقیه از صفحه ۳ جداگانه، و در راستای گسترش سرمایه داری در پهنای، بطور عمده از راه توسعه بیش از پیش سلطه استعماری و نیمه استعماری مشتق قدرتهای سرمایه داری بر کشورهای و اراضی تازه دیگر، بدین ترتیب، بازار جهانی سرمایه داری، در جریان گسترش طولانی خود مراحل چندی را می پیماید.

نامه سرگشاده

بقیه از صفحه ۸ رابرای احراز مشاغل ایجاد نماید. "چه اقدام موثر و عملی رواداشت است و میدارد؟

چرا مناسبات

بقیه از صفحه ۳ جداگانه، و در راستای گسترش سرمایه داری در پهنای، بطور عمده از راه توسعه بیش از پیش سلطه استعماری و نیمه استعماری مشتق قدرتهای سرمایه داری بر کشورهای و اراضی تازه دیگر، بدین ترتیب، بازار جهانی سرمایه داری، در جریان گسترش طولانی خود مراحل چندی را می پیماید.

نامه سرگشاده

بقیه از صفحه ۸ رابرای احراز مشاغل ایجاد نماید. "چه اقدام موثر و عملی رواداشت است و میدارد؟

بمناسبت تأسیس جمهوری خلق بنین (۹ آذر - ۲۰ نوامبر)

# بنین

## در راه سازندگی اجتماعی و تعمیق حاکمیت مردمی پیش می رود

نام رسمی: "جمهوری بولیور دوبرین (جمهوری خلق بنین)  
 وسعت: ۱۱۲۶۲۲ کیلومتر مربع  
 سکنه: ۳۴۷۰۰۰۰ نفر (۱۳۵۸) رشد سالانه جمعیت: ۲/۸٪. مهمترین گروه های قومی بنین عبارتند از: قبایله های: "فون" (۲۸ درصد) "یوروبا" (۹)، "آدجاس" (۹)، "باری باس" (۷) بیش از ۴۵٪ سکنه را خلق های "پول" "آنی زو" و "سومبا" تشکیل می دهند. در این منطقه، روبه پرفتن، ۶۰ قبایله گروه "سودان زندگی می کنند. در حدود ۱/۵٪ سکنه بنین اروپایی هستند.

مذهب: ۶۸٪ مردم بنین به مذاهب طبیعی اعتقاد دارند، ۱۷٪ مسیحی و ۱۵٪ مسلمان هستند.  
 پایتخت: "پورتونوو" (۱۰۴۰۰۰ نفر - ۱۳۵۴)، مرکز اداری و مقر دولت: "کوتونو" (۲۰۰۰۰۰ نفر، ۱۳۵۸)، دیگر شهرهای مهم بنین عبارتند از "آبومه" (۴۰۰۰۰ نفر)، "پاراکو" (۳۵۰۰۰ نفر) و "کیداه" (۲۵۰۰۰ نفر).

زبان رسمی: فرانسه. فزون بر این در محاورات به زبانهای گروه های "سودان" و "گینه" و "فوله" نیز سخن گفته می شود.  
 پول: ۱ فرانک "ت.ا.ف." = ۱۰۰ سانتیم، ۱ دلار ایالات متحده = ۲۷۷/۳۸ فرانک "ت.ا.ف."

حاکمیت: نه سال است که دولتی متری به رهبری پریزدنت ماتیوکروکو، بر بنین حکومت می کند. بنین، از نظر اداری به ۶ استان ("تاکورا"، "تلاتیک"، "بورگو"، "مونو"، "کمه" و "زو") و ۸۴ شهرستان تقسیم می شود. حزب: تنها حزب بنین "حزب انقلاب خلقی بنین" (پارتی دولا رولوسیون پوپولردو بنین) است، که شش سال پیش تأسیس یافت. سمت گیری این حزب سوسیالیسم مبتنی بر مارکسیسم - لنینیسم است.

تاریخ: کاوش های باستان شناسی نشان می دهد، که در خاک بنین از دیرباز انسان ها ساکن بوده اند. نخستین حکومت در این سرزمین در سده های چهاردهم / پانزدهم میلادی استقرار یافت. در سال ۱۸۵۰ (۱۴۷۱)، برای اولین بار، دربانوردان پرتغالی ساحل بنین پای گذاشتند و به تجارت گسترده برده پرداختند، که در سده های هفده و هیجده به اوج خود رسید.

در سال ۱۲۸۵ (۱۹۰۴)، فرانسه سراسر سرزمین موسوم به "داهومه" را ضمیمه مستعمرات "آفریقای باختری فرانسه" (آفریقا و اکسید-انتال فرانسه) کرد. پیش از این، باید از دو جنگ خونین خلقی یاد داشت: "دان هومه" به رهبری گیله (۶۸-۱۲۳۷/۸۹-۱۸۵۸) و فرزندش، به آنزین (۲۲-۱۲۶۸/۹۴-۱۸۸۹) علیه استعمارگران نام برد. استعمارگران بعدها نیز چندین شورش "باری با" و "سومبا" را در هم شکستند.

اشکال جدید مقاومت ملی، که پس از جنگ اول جهانی پدید آمد، بعد از جنگ دوم جهانی به اوج خود رسید. اما تضادهای قبایله ای در آن دوران سدی در راه این جنبش مقاومت بود. نخستین سازمان ملکی بنین "اتحادیه ترفی داهومه" بود، که سی و پنج سال پیش تشکیل شد. چندی بعد، حزب جمهورخواه بنین "پارتی رپوبلیکن دوداهومه" تغییر نام یافت. داهومه در دهم مرداد ۱۳۳۹ (۱ اوت ۱۹۶۰) به استقلال نایل شد. در سالهای ۵۱-۱۳۳۹ (۲۲-۱۹۶۰) رقابت بر سر قدرت میان گروه های گوناگون به سیزده کودتای موفقی و

تاجرام انجامید. در ۴ آبان ۱۳۵۱ (۲۶ اکتبر ۱۹۷۲) نظامیان چپ، به رهبری ماتیوکروکو زمام امور را بدست گرفتند و "داهومه" را در جاده ترقی راهبر شدند. اوایل آذر ۱۳۵۱، داهومه به جمهوری خلق بنین تغییر نام یافت. بدین ترتیب، نخستین گام در راه پیدایش ملت واحد برداشته شد: سرزمین پیشین "داهومه"، که وجه تسمیه "داهومه" بود، تنها یک مساحت بنین را تشکیل می دهد. در بهار ۱۳۵۵، نخستین کنگره فوق العاده "حزب انقلاب خلقی بنین" تصمیم گرفت، که این کشور را بر پایه "مارکسیسم - لنینیسم" به سوی جامعه های سوسیالیستی رهبری کند.

اقتصاد: بیست و یکسال پیش حکومت نو پای "داهومه" میراث شومی را از دوران استعمار بعهد گرفت. اقتصاد این کشور تنها از کشاورزی عقب افتاده تشکیل می شد. اکنون نیز ۹۰ درصد شاغلان در روستاها زندگی و کاری کنند. در جنوب بنین نخل های روغنی و در شمال بادام زمینی کاشته می شود. دیگر محصولات کشاورزی بنین عبارتند از: پنبه، قهوه و نیشکر. ۱۲ سال پس از دستیابی به استقلال سیاسی و در دوران حکومت رژیم وابسته به امپریالیسم، سرمایه خارجی همچنان در بنین سیادت می کرد. در این سالها، بنین کماکان، از نظر اقتصادی وابسته به امپریالیسم بود. بازتاب این وابستگی در بیکاری گسترده، تورم بیدادگری و فقر فزاینده مردم، بویژه روستائیان، دیده می شد.

از سال ۱۳۵۱ تاکنون، دولت مترقی بنین به رهبری ماتیوکروکو می کوشد تا استقلال بنین را در گستره اقتصادی نیز تحکیم بخشد. بدین منظور، برنامه های گوناگونی به مرحله اجرا گذاشته شد. مانند برنامه های ۹ آذر ۱۳۵۱ (۳۰ نوامبر ۱۹۷۲) و ۹ آذر ۱۳۵۱ (۳۰ نوامبر ۱۹۷۴)، برنامه نخستین کنگره فوق العاده "حزب انقلاب خلقی بنین" در بهار ۱۳۵۵. در همه این برنامه ها بازسازی کشاورزی از اولویت خاص برخوردار و هدف آن بود که بنین از نظر مهمترین اقلام خواربار خود کفا شود. تاکنون کشت ذرت، سیب زمینی، چغندر قند و نیشکر ۶۰۰ هزار هکتار گسترش یافته است. از سوی دیگر، دولت به اجرای اصلاحات ارضی و تشکیل تعاونی های کشاورزی دست زد. سرمایه خارجی همواره می کوشد تا بباری ارتجاع داخلی از توسعه اقتصادی بنین جلو گیری کند و در این راه از سابوتاژ اقتصادی،

احتکار مواد غذایی و فرار سرمایه بهره می جوید. اما دولت توانسته است، علیرغم همه این خرابکاری ها، به پیروزی های چشمگیری دست یابد.  
 برای نمونه، در برنامه ۶-۱۳۵۷ (۸۱-۱۹۷۸) ۲۴۳/۹۰ میلیارد "ت.ا.ف." سرمایه گذاری شد. مهمترین پروژه های این برنامه عبارت بودند از: کارخانه "سیمان" "اونیک بولو" (در نزدیکی "ساوه" با ظرفیت سالانه ۵۰ هزار تن)، کارخانه "فندی سازی" "ساوه" و گسترش راه آهن از "پاراکر (بنین)" تا "نیام" (نیژر). "جمهوری خلق بنین" در پنجمین سالگرد خود توانست به پیروزی های قابل ملاحظه ای ببالد: مساحت زمین زیر کشت ۱۰٪ افزایش یافت، بنین از نظر تولید مهم ترین اقلام خواربار خود کفا شد، بطوریکه اکنون حتی اینگونه کالاها را به دیگر کشورها، از جمله نیجریه، صادر می کند و برنامه های اقتصادی با موفقیت صد در صد ایفا گردید. بنین در سالهای گذشته مبالغ هنگفتی نیز در بهداری و آموزش و پرورش سرمایه گذاری کرده است.

### اوضاع کنونی

درهم شکستن تجاوز امپریالیستی در زمستان ۱۳۵۷ پیروزی بزرگی در زمینه تحکیم وحدت ملی به شمار می رفت و نمایانگر پشتیبانی وسیع خلق بنین از دولت کنونی بود.  
 افزایش توان اقتصادی بنین سبب شده که در دیماه ۱۳۵۸، دستمزدها، کمک هزینه های تحصیلی و بازنشستگی ها در بنین ۲۰٪ افزایش یابد. در انتخابات پارلمانی (۱۳۵۸) و انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۵۹)، مردم بنین اعتماد عمیق خود را به سیاست "حزب انقلابی خلق بنین" نشان دادند. در زمینه سیاست خارجی، بنین غیر متعهد است و در عین حال با کشورهای سوسیالیستی مناسباتی نزدیک دارد. همچنین، همخوان با مبارزه فعالانه علیه امپریالیسم، نواستعمار، نژادپرستی و آپارتید، از اهداف های "سازمان وحدت آفریقا" هواداری می کند.  
 به گفته کرکو، رئیس جمهوری خلق بنین مهمترین وظیفه مردم این کشور در گستره سیاست داخلی، تشکیل "جبهه ملی وسیع از کارگران و دهقانان و همه طبقات و قشرهای میهن دوست و انقلابی" است.

### وظیفه سنگین سندیکاها

سال پیش نخستین کنگره "فدراسیون ملی سندیکاها در "گوتونو" برگزار شد. مهمترین مسئله مورد بحث این کنگره شرکت هر چه بیشتر طبقه کارگر بنین در انقلاب ملی - دمکراتیک بود. سرهنگ ماتیوکروکو صدر کمیته مرکزی "حزب انقلاب خلقی بنین" و رئیس جمهور این کشور در سخنرانی خود در برابر نمایندگان کنگره نام برده نقش رهبری طبقه کارگر و حزب را در دگرگون سازی های انقلابی تاکیدی کرد. وی خاطر نشان ساخت که سندیکاها کارگری، به عنوان سازمان طبقاتی کارگران وظیفه سنگینی در زمینه بسیج همه زحماتشان در صنعت و کشاورزی بعهد دارند.

مجلس ملی بنین، که در دیماه سال پیش آغاز بکار کرد، به بررسی تدابیر جدی برای تشکیل نهادهای حاکمیت انقلابی بر پایه مواد قانون اساسی بنین همت ورزید. تشکیل مجلس ملی گام مهمی در راه تحکیم نظام دمکراتیک خلق به شمار می رود. به گفته ویلن گزورومن، نایب رئیس مجلس ملی،

دسیسه های دامنه دار ضد انقلاب داخلی و خارجی و بسیج ناکافی توده مردم همچنان سد بزرگی در راه پیشرفت های سریع محسوب می گردد. وی از سوی دیگر، تاکیدی کرد که امسال در همه شهرها و دهات استان های شش گانه کشور نهاد های محلی حاکمیت خلق بر پا خواهد شد. به گفته ویلن گزورومن "حزب انقلاب خلقی بنین" پیشنهاد هایی در این زمینه به مجلس ملی ارائه داشته است. کمیته مرکزی "حزب انقلابی خلقی بنین" در آخرین اجلاس خود به بررسی لایحه های قانونی درباره نهاد های محلی حاکمیت خلق پرداخت. پریزدنت ماتیوکروکو نمایندگان مجلس ملی را فراخواند، تا هر چه بیشتر در راه بسیج توده مردم در مبارزه علیه ارتجاع کوشش ورزند. وی همچنین از مردم خواست تا "حزب انقلاب خلقی بنین" را در حل سریع مسائل کشور یاری بخشند.

## پیروزی های بزرگ بنین زیر رهبری "حزب انقلابی خلق بنین"

"حزب انقلاب خلقی بنین" می تواند به خود بسالده که از تأسیس حزب و پایه گذاری جمهوری تاکنون، پیروزی های بزرگی نصیب مردم بنین شده است. در نخستین برنامه توسعه اقتصادی کشور در سال های ۵۹ - ۱۳۵۶ مردم بنین به دستاوردهای چشمگیری در گستره ایجاد صنعت و مراکز کشاورزی - صنعتی نایل گردیدند. در کارزار افزایش تولید کشاورزی پیروزی های محسوس دست آمد و تعاونی های کشاورزی و سازمان های همیاری دهقانان تأسیس یافت. دولت بنین، در عین خریداری فرآورده های کشاورزی دهقانان به قیمت های ثابت، کود - های شیمیایی و مواد ضد آفات را به بهایی بس ارزان در اختیار آنها قرار داده است. دولت بنین، فزون بر این، سالانه ۸۰۰ میلیون فرانک ابزار کار، به کمک دهقانان شتافته است. پریزدنت کرکو، چندی پیش در سخنرانی خطاب به ساکنان استان بورگو اظهار داشت که برای تأمین خود کفایی بنین در زمینه تولید مواد غذایی، هنوز مسائل فراوانی باید حل شود. به گفته وی، در این گستره، چیرگی بر اقتصاد تک فرآورده ای (بنین هنوز به صدور دانه و روغن نخل وابسته است) و کمبود نیروی کار از مسائل عمده به شمار می رود. در روستاهای بنین، دهقانان در مهم ترین بخشهای کشاورزی کار تعاونی و مکانیزه را آغاز کرده اند، در واقع این تنها راه افزایش تولید کشاورزی بوده است.

در این روزها، در بنین به مسائل با آوری، کار، آس و انضباط کار توجه خاصی میدول میشود. صدر کمیته مرکزی "حزب انقلابی خلقی بنین" و اعضای هیئت سیاسی حزبی و دولت در سراسر کشور به توضیح شعار "انقلاب یعنی تولید" در پیوند نزدیک با شرایط مشخص مجلسی مشغول هستند.

از سوی دیگر "حزب انقلاب خلقی بنین" همه توان خود را برای مرحله دمکراتیک انقلاب خلقی بسیج می کند. در یکی از نشست های کمیته مرکزی، که چندی پیش به مسائل تکامل حزب پرداخت، ضرورت آفرینش حزبی طراز نوین و مشارکت همگام زحماتشان در ساختمان جامعه نوین مورد تاکیدی قرار گرفت.

## بیانیه حزب

بقیه از صفحه ۱۵

دورتر و مفرد تر میشود. نفرت در میان نیروهای ارتش از این جنگ تجاوز - کارانه و ابلهانه افزایش می یابد و آنها به اشکال گوناگون، از محکوم کردن جنگ - برغم خطری که از طرف دستگاه های ترور و اختناق "قادیسیه" آنها را تهدید می کند - گرفته تا خودداری از رفتن به جبهه و شرکت در جنگ، احساسات خود را ابراز می دارد.

رژیم به پایان عمر خود نزدیک می شود و بر ما است که با متحد کردن صفوف خویش در یک جبهه واحد ملی و گسترده، که کلبه نیروهای ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی و ضد ارتجاعی را در بر گیرد و مبارزه را در اشکال گوناگون و قبل از همه در شکل مسلحانه اش جهت سرنگونی رژیم تشدید نماید، سقوط آن را تسریع کنیم. کلبه کوشش ها برای متوقف ساختن کشتار و سرنگونی آدمکشان باید متحد شود.

حزب کمونیست عراق  
اکتبر ۱۹۸۱

## رژیم ضیاء الحق

بقیه از صفحه ۸

در آنها به ترتیب ۲/۱۵/۵ میلیون دانش آموز تحصیل می کردند. در ۱۵ دانشگاه پاکستان ۳۴۰۰۰۰ دانشجو به تحصیل اشتغال دارند. بزرگترین دانشگاه های پاکستان در شهرهای کراچی، لاهور و پیشاور واقع است. یا این همه ۸۰٪ مردم پاکستان بیسوادند.  
 حاکمیت: بر پایه قانون اساسی ۲۳ مرداد ۱۳۵۲ (۱۴ اوت ۱۹۷۳) پاکستان یک جمهوری فدرال است. طبق این قانون اساسی، رئیس حکومت رئیس جمهور است، که وظایف خود را

تنها در توافق با نخست وزیر انجام می دهد. قوه اجرائی بدست دولت است و پارلمان از دو مجلس نمایندگان و سنا (بر پایه فدرالیسی) تشکیل می شود. آخرین انتخابات پارلمانی، که قرار بود در تاریخ ۲۶ آبان ۱۳۵۸ (۱۷ نوامبر ۱۹۷۹) صورت گیرد، بعلت تظاهرات اعتراض آمیز و وسیع مردم علیه محافل حاکم برای مدت ناچگونگی به تعویق افتاد. پس از کودتای نظامی ضیاء الحق بیشتر مواد دمکراتیک قانون اساسی به حالت تعلیق درآمد. ضیاء الحق از ۲۸ شهریور ۱۳۵۷ (۱۹ سپتامبر ۱۹۷۸) تا کنون ریاست جمهوری و ریاست دولت را بعهد دارد.

(ادامه دارد)



### ضوابط و مقررات

### نباید ناقص قانون اساسی باشند

جندی پیش در روزنامه‌ها مقررات جدید بیان تحصیلات دانشجویان سراسر کشور، از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی انتشار یافت. این مقررات بر تعهد و باور به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی تأکید دارد، که مطلبی است درست و پذیرفتنی. این مقررات، همکاری با ساواک، وابستگی موثر به رژیم گذشته، عیان علیه جمهوری اسلامی ایران، عضویت در سازمان‌های جاسوسی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، اعمال زور مسلحانه، قاچاق اسلحه، تبلیغ به منظور تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران، ارتشا، اختلاس و سرقت و جعل و اعمال خلاف اخلاق و عفت عمومی و جرائم نظیر آن را از موارد عدم پذیرش استاد و دانشجو در دوران انتقال، برشمرده است. که علی‌الاصول مورد موافقت نیروهای انقلابی است.

اما متأسفانه این مقررات از مرزبندی میان انقلاب و ضدانقلاب و خط‌کشی میان بی‌باوران به ضوابط اخلاق جامعه و باورمندان به آن تجاوز کرده. و اعتقاد به بینش‌های اجتماعی و فلسفی غیراسلامی را از موارد عدم پذیرش استاد و دانشجو در دانشگاه دانسته، که جای بحث جدی دارد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت را موظف می‌دارد که وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفائی کشور، بطور رایگان گسترش دهد. در قانون اساسی هیچ اشاره‌ای به این که دانشجویان دوره تحصیلات عالی باید دارای عقاید معین سیاسی و فلسفی و مذهبی باشند، نشده است. بنابراین، این بند از ماده ۱۱ مقررات، که افراد دارای عقاید معین سیاسی و فلسفی و مذهبی را صالح برای تحصیل در دوران انتقال و ورود به دانشگاه نمی‌شناسد، نقض صریح قانون اساسی است. وقتی قانون اساسی وجود احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های صنفی و سیاسی را، مادام که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را نقض نکرده‌اند، برصیحت شناخته و برای آنها حق زیست و فعالیت قائل است، چگونه میتوان به دلیل عضویت در این یا آن حزب سیاسی و یا بدلیل اعتقادات معین سیاسی، فلسفی و مذهبی، این قانون را از حق تحصیلات عالی محروم کرد؟ وقتی قانون اساسی، آزادی انتخاب شغل را پذیرفته و تصریح میکند که: "هرکسی حق دارد، شغلی را که بدان مایل است، و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند" و دولت موظف شده تا امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید، دیگر نمی‌توان دعوی داشت که این بان داوطلب شغل استادی، بدلیل داشتن بینش معین سیاسی و فلسفی و مذهبی، صلاحیت احراز این شغل را ندارد. هر چند که مومن به انقلاب اسلامی ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران باشد.

تجربه دو سال ونیم پس از انقلاب بارها به ثبوت رسانده است که مرزبندی میان مذهبی و غیرمذهبی، مسلمان و غیرمسلمان از نظر حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران و تداوم انقلاب، مرز بندی نادرستی است، که به انقلاب صدمه خواهد زد. تکیه بیش از حد بر این معیارهاست که رخنه‌کلاهی‌ها را در صفوف حزب جمهوری اسلامی و کشمیری‌ها را تا دبیری شورای امنیت دولت انقلاب و فخارزاده‌ها را تا فرد مورد اعتماد در دادستانی کل انقلاب میسر ساخت. زیرا

پروا صحت کداریس معیار بیس از همه و عملار همه جاسوسها و فرصت طلبها و ضدانقلابی- هاسود خواهند برد و با گذاشتن ریش و دست گرفتن تسبیح و تظاهر به دینداری خود را در صفوف انقلاب جا خواهند زد و سر به زنگاه نشن زهرآگین خود را بر پیکر انقلاب فرو خواهند برد.

در هر انقلاب اصیل باید صف افراد بر حسب ایمان و باورشان به انقلاب از هم جدا شود، نه بر حسب رنگ و نژاد و مذهب و جنس و زبان، که به هیچ وجه نمیتواند دلیل امتیاز یک گروه بر گروه و یا گروه‌های دیگر شمرده شود. این معیار، که صحت و استحکام خود را در همه انقلاب‌های اصیل به ثبوت رسانده، باید مورد پذیرش انقلاب بزرگ ما نیز باشد.

لحظه‌ای فکر کنید که با اجرای مقررات جدید، از صد ها هزار جوان امکان ادامه تحصیل سلب شود و آنهادر خیابان‌ها راه‌گردند. این خیل سرگردان، که با توجه به قانون‌سازی امکان اشتغال هم ندارد، زیرا برای استخدام دولتی هم باید مسلمان مکتبی بود، باید به کجا پناه ببرد، چگونه مراعاتش کند و چه آینده‌ای در پیش روی دارد؟! این برخورد غیر عادلانه اثرات زبانی در خانواده‌ها نیز خواهد داشت و آنهارا نسبت به زندگی فرزندان خود شدیداً بی‌مناک خواهد ساخت.

نه فقط در مقررات جدید پایان تحصیلات دانشجویان، بلکه در ضوابط گزینش برای دوره پیش دانشگاهی نیز مطالبی گنجانده شده، که به هیچ وجه ملهم از قانون اساسی نیست و در آن انحصار طلبی آشکار حتی در مورد حق آموزش، که حق همگانی است، به چشم میخورد.

در ضوابط گزینش برای دوره پیش دانشگاهی، دانش آموزان دوره پیش دانشگاهی از میان قبول شدگان سال سوم دبیرستان توسط یک امتحان ورودی برگزیده می‌شوند. در این امتحان توانائی داوطلب در زمینه‌های تخصصی، عمومی و معارف اسلامی سنجیده میشود.

قانون اساسی همزیستی ادیان گوناگون را در سرزمین ایران به رسمیت شناخته و حقوق معتقدان، به ادیان غیراسلامی را پذیرفته است. بنابراین اصل نمیتوان از یک دانش آموز مسیحی یا یهودی و یا زرتشتی اطلاع از معارف اسلامی را متوقع بود و آنرا پیش شرط ورود او به دوره پیش دانشگاهی یادوران انتقال به دانشگاه قرار داد.

قانون اساسی تأکید کرده است که دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند... حقوق انسانی افراد غیرمسلمان را رعایت کنند مادام که آنان بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه نکرده‌اند. یکی از مهمترین وجوه حقوق هرانسان، حق او به آموزش تا بالاترین سطوح است، که با این معادیر نمیتوان از او دریغ داشت.

در سالی که به گفته امام خمینی "سال قانون" است، مسئولین مملکتی باید با دقت و وسواس، مراقب اجرای قوانین، بویژه قانون اساسی باشند و تخطی از آنرا مجاز نشمارند. وضع قوانین و مقرراتی که ناقص قانون مادر است، آنهم از سوی حاکمیت موجب عدم اعتماد و عدم امنیت در جامعه خواهد شد، که به سود انقلاب نیست.

### "آینده" آمد

## شاهرودی رفت!



در نیمروز چهارم آذرماه امسال، قلب شاعری حساس و انسان دوست از طیش ایستاد. اسماعیل شاهرودی، معروف به "آینده" یکی از نخستین یاران نیما و رهروان شیوه نیمائی، پس از سال‌ها زندگی پر تلاش هنری، روی در تقاب خاک کشید.

"آینده" در سال ۱۳۰۴ شمسی در دامغان چشم به دنیا گشود. او تحصیلات ابتدائی خود را در همین شهر و متوسطه را در شاهرود به پایان رساند و پس از آن در جستجوی کار و ادامه تحصیلات به تهران آمد. در این شهر مدتی آموزگار و کارمند ادارات فرهنگی بود و در ضمن در دانشکده هنرهای زیبا، رشته نقاشی را تحصیل میکرد.

شاهرودی پس از دریافت لیسانس، به سمت دبیر دبیرستان‌های تهران، مشغول کار شد و بعدها بکار در لغت‌نامه دهخدا پرداخت و لغات هنری "فرهنگ معین" را مدون ساخت. او پس از انجام این کار، مدتی تدریس در دانشگاه "علیگر" هند را به عهده داشت و سپس در کمیسیون ملی یونسکو در ایران به کار پرداخت. از شاهرودی کتاب‌های شعر بانام - های "آخرین نبرد" در سال ۱۳۳۰، "آینده" در سال ۱۳۴۲، "بزرگ‌باده شعرهای اسماعیل شاهرودی" در سال ۱۳۴۸ و "هرسوی راه" و "آی میقات نشین" منتشر شده است. "مومی درسا" نیز یکی دیگر از مجموعه شعرهای "آینده" است.

نخستین مجموعه شعر "آینده" با عنوان "آخرین نبرد" با مقدمه مشروحی از نیما بوشیچ منتشر شد. این مقدمه، که در سومین مجموعه شعر "آینده" نیز به طور کامل چاپ شده، ۲۴ صفحه کتاب را اشغال کرده است. نیما، پس از بررسی همه جانبه شعر "آینده"، در آخر مقدمه نوشته بود: "عزیز من، من شمارا دوست دارم برای اینکه میخواهید هدف معینی را داشته باشید، شمارا برخیلی از همسال‌های شما ترجیح می‌دهم. شما را در طرز زندگی آواره و ناراحت که دارید می‌شناسم. هر وقت زیاد دلتنگ هستید، این سطور را بخوانید و مرا به اسم صدابزینید، من با شما هستم و همیشه با شما خواهم بود، با من خیلی چیزها را خواهید یافت و با هم به خیلی چیزها خواهیم رسید، کیف بیشتری را که من از اشعار سال‌های بعد شما خواهم داشت، از راه همین پیوستگی است. آخرین حرف من، "آینده" چونگی آشنائی خود را با نیما که انقلابی در شعر او بوجود آورد، اینگونه شرح داده است:

"من از خانواده‌ام گریختم و آتشم راه به تهران آوردم و در دفتر روزنامه‌ای برای کار بسته‌بندی جایی برای خود باز کردم. نیما بدانجا آمد و شد داشت. او مردی بی تکلف بنظر می‌رسید و گاهی که بدانجامی - آمد، بهاناتاق کوچک ما هم سری میزد، کمی می‌نشست، چاشنی می‌خورد و حرف‌های مطلوب به زبان می‌آورد و بعد صحبت رایبه شعر میکشاند... زمان‌ها گذشت و رسید روزی که این نام عزیز، در پایان مقدمه اولین کتاب شعر من قرار گرفت.

"آینده" بدینسان در زمره یکی از نام آوران شعر امروز ایران درآمد. شعر "آینده" در جریان مبارزات سیاسی مردم، پایبای آنها در حرکت بود. هنگامیکه برای نخستین بار پس از قیام سی‌تیر، مردم مجسمه شاه را در پارک شهر خرد کردند، شعر "آینده" بود که دست بدست میگشت.

سرت راکه شکست؟  
ما شکستیم سرت را، ما  
شکمش راکه دید؟  
مادردیم بدین داس که داریم بدست...  
و پس از کودتای شوم ۲۸ مرداد، که ظلمت و خون بر ایران حکومت میکرد و یاس و اندوه بر جان‌ها مستولی شده بود، باز "آینده" بود که به همراه نیروهای شکست خورده، و لسی مقاوم، میوسان را دل‌داری میداد و آنها راه صبح روشن فردا میدوار میساخت:

دست بردار ز پیشانی خویش  
چین ز رخساره بینداز به دور  
ابرها میگذرنند از سرشهر  
شهر میماند و فریاد سرور...  
و خود نیز در همه سال‌های سیاه حکومت کودتا، امید خود را به فردای پیروزی از دست نداد.

احسان طبری نیز، دوازده سال پیش، هنگامیکه مجموعه شعر "آینده" بدستش رسید، طی نامه‌ای به یکی از دوستانش درباره "آینده" نوشت:

"... آینه را در یک بعد از ظهر گرم و بی خواب، سراپا خواندم. چون با شاعر و شخصیت انسانی او از نزدیک آشنا بوده‌ام، آینه، گذشته را به یاد من آورد. اگر به پیوند اسرار آمیز دل‌ها باور کنیم، باید گفت که از و رای فرسنگ‌ها، گرمای مهر و شور کسانکی که زمانی یکدیگر را درک کرده بودند، احساس میشود. آینه سفینه اشعار است که امید را با درد و رنج عمیقی می‌ستاید. ولی نکته عمده در آن درد نیست، امید است. احساس میکنی که در پس این کلمات، مردی است که زانو نمی‌زند. در اشعاری مانند "ستاره جستجو"، آهنگ نجوا، افسوس، بنی آدم، باز هم، خبر، مناجات" بویژه این امید در دناک و سرسخت به خوبی دیده میشود. من میتوانم تصح در - خورد تحسین مهارت و تخیل شاعرانه را گواهی دهم، زیرا خود از سرچشمه‌های فریحه شاعرانه گوینده و سراینده "آینده" زمانی نوشیده‌ام. برای یک بررسی نقادانه اشعار، از جهت مضمون و فرم آنها، متأسفانه وقت کافی در اختیار ندارم. باید گفت صمیمیت و تابندگی احساسات، هرگز نمیگارد "آینده" شعری کسل کننده و خشک برساند. این برد اوست، ولی شاید اگر خود باز هم بیشتر بکوشد و نقاد خیر و دل‌سوزی با او همراهی کند، "آینده" در این کهسار شگرف هنر، باز هم به قله‌های والاتری میرسد. اگر در دسترس بود، درود و محبت و آرزوهای نیک مرا به این دوست دیرین ابلاغ کن..."

انقلاب پیروز مند ایران بار دیگر نشان داد که خوش‌بینی تاریخی شاهرودی، که از سابقه مبارزاتی و زیر ساخت اندیشه‌اش منشاء می‌گرفت، بیهوده نبود و سرانجام آن "آینده" ای که شاعر همیشه نویدش را میداد، از راه رسید.

متأسفانه اسماعیل شاهرودی، که دهها سال به امید و انتظار به طلوع این آینده چشم دوخته بود، نتوانست بعد از پیروزی انقلاب به مبارزه در سنگر دفاع از دستاوردهای انقلاب و تعمیق آن ادامه دهد. بیماری شدید توان حرکت را از او گرفته بود، اما از همان بستر بیماری با لحن از انقلاب دفاع میکرد و همراه توده‌ها آینده با هم‌بهتری را انتظار میکشید.

"اتحاد مردم" درگذشت ایمن شاعر گران‌مایه و مردم دوست را به همگان و بویژه خانواده، او صمیمانه تسلیت می‌گوید.



### جوسازی

بقیه از صفحه ۱

جدیدی است که مسئولین جمهوری اسلامی ایران بدان دست یافته اند - طبقین اجرای قانون و اعتبار بخشیدن بدان را دارد، تنها از آن جهت هم نیست که با این سخنان انحصار طلبی رد شده و حتی افراد غیرانقلابی (ولی حاضر به خدمت برای انقلاب) مد نظر قرار گرفته اند، بلکه بویژه از آن جهت است که نشان می دهد مسئولان صدیق جمهوری اسلامی ایران به معیار و روش صحیح، اصولی، منطقی و معقولانه دست می یابند، و این روش چیزی نیست جز تلاش برای جلب حداکثر نیروهای ممکن به جانب انقلاب و در خدمت انقلاب و برای مفرد ساختن عمل نیروهای ضدانقلاب.

این روش همانست که در فرمول مشهور "هرکس دشمن مانع است، دوست ماست"، خلاصه می شود. برای انقلابی که درگیر شدیدترین تحریکات و خطرناکترین توطئه ها علیه موجودیت خویش است، با اقتصادی ویران رویه رو است و برای نیل به استقلال کامل و پیروزی بردشمن یک دنیا کاردرپیش رودارد، و در نتیجه هزارها متخصص در کلبه رشته های موجود نیاز حیاتی دارد، تنها راه پیشرفت کامیابانه و موفقیت آمیز و با کمترین زیان و صدمه همین است.

اما متأسفانه طی ۲ سال ونیم گذشته گرایش معینی، که صرف نظر از نیات خویش، شعار "هرکس که مثل ما نیست، دشمن ماست" را نصب العین خود قرار داده بود، زبانیهای حدی به امر بازسازی انقلابی نظام اقتصادی - اجتماعی جامعه وارد ساخت، این گرایش، هر نیروئی را که به شیوه وی نمی اندیشید و یا به آنچه مورد نظر او بود، تظاهر نمی کرد، "دشمن" محسوب می کرد، و نه فقط "افراد غیرانقلابی" را که حاضرند تخصص و دانش خود را در خدمت جمهوری اسلامی ایران قرار دهند بلکه در کمال حیرت، نیروهای انقلابی دگراندیش را نیز، که با تمام نیرو از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مدافعه می کردند و می کنند و خستگی ناپذیر برای نوسازی انقلابی جامعه می- کوشیدند و میکوشند، مورد حمله قرار می داد و در نتیجه انقلاب و جمهوری نوپای ما را از خدمات آنها محروم می ساخت. حتی گاه این برخورد با نیرو - های انقلابی دگراندیش خصمانه تر بود و هست. در این زمینه نمونه ها بسیار زیادند.

حتی اکنون نیز که دبیرکل امور اداری و استخدامی کشور و معاون نخست وزیر از "حد اکثر استفاده" حتی از افراد "غیرانقلابی" که مخالف

انقلاب نیستند، سخن می گوید و اظهارات وی باید بطریق اولی دگر- اندیشان مدافع پیگیر انقلاب را برگیرد، متأسفانه گرایشهای پیشگفته با نشمطالب تحریک آمیز علیه نیروهای دگراندیش انقلابی، با جوسازی و پرونده سازی علیه این نیروها، نات آگاهانه یا آگاهانه، خواسته یا ناخواسته، نه فقط علیه موضوعی مسئولان در حال اول کشور بلکه علیه مصالح انقلاب، عمل می کنند. دکتر جاسسی در مورد اهداف "لایحه خدمات کشوری" که باید افرادی را که مخالف انقلاب نیستند (و به طریق اولی دگراندیشان مدافع انقلاب) را دربرگیرد، می گوید:

"وضع زندگی کارمندان دولت به صورتی آبرومندانه و شرافتمندانه تامین خواهد شد و یک نوع امنیت شغلی برای همه آنها بوجود خواهد آمد".

حجت الاسلام موسوی تبریزی، دادستان کل انقلاب اسلامی، در مورد نیروهای که اطلاعیه ۱۰ ماده ای را پذیرفته اند، گفته است:

"... اگر در چارچوب قانون اساسی خواهند رفتار کند و شرایط مصوب مجلس شورای اسلامی را قبول داند، باید با آنها دوستانه رفتار کرد". (پیام انقلاب، شماره ۴۵)

اما متأسفانه واقعیت در عمل، اینجا و آنجا، با اظهارات این مسئولان عالی مقام، تفاوت جدی دارد. "برخورد دوستانه" و "امنیت شغلی" در بسیاری نقاط، که گرفتار فعال مایشائی برخی افراد انحصار طلب و مسئولین قانون شکن هستند، مفهوم "خراج" بخود می گیرد و گاه برخی مطالب نشریات بیرو خط امام نیز متأسفانه به تبلیغ این گرایشهای قانون شکنانه و ضدیت با سیاستهای مسئولین درجه اول کشور، اختصاص می یابد. (در این مورد می توان از جمله به مطلب "دیداری یا انجمن اسلامی خطوط لوله و مخابرات ری" منتشره در شماره ۲۷ آبان "جمهوری اسلامی" و نظایر آن یاد کرد)

این باعث نهایت تأسف و شگفتی است که درست در شرایطی که موضوع گیری - های مثبت اخیر در سخنان و اظهارات مسئولان درجه اول می شکفت و گسترش می یابد، کسانی با تمام نیرو میکوشند که جو تحریک علیه نیروهای دگراندیش انقلابی را تشدید کنند. این گرایشها و اعمال را به چه باید تعبیر کرد؟

ما ضمن جلب توجه مقامات جمهوری اسلامی ایران به تلاشهای قانون شکنانه ای که در جهت بی اثر ساختن وی اعتبار نمودن قانون بعمل می آید و بصورت ایجاد حوشناز و اوعاب و اخراج متجلی می شود، خواستار رعایت هر چه سریعتر قانون در مورد نیروهای انقلابی دگراندیش و مبارکتر کردن قانون شکنان هستیم.

بعث راحت کنید دولت عراق و ایران را از این جنگ آزاد کنید و یا فرار کنید دزغیر این صورت سرنوشت شما یا اسارت است یا مرگ در حبه ها.

رئیس مجلس نگاه صدام را "ایشین زمان ما" خواند و از تمام رزمندگان سلحشور انقلاب و از جمله افراد جهاد سازندگی، که در ساختن راه های مناسب و رساندن تدارکات در جبهه ها، فداکاری فراوان کرده اند، قدردانی و تشکر کرد.

آنگاه مجلس وارد دستور شد و بحث در مورد جزئیات لایحه "دیوان عدالت اداری" ادامه یافت و تعدادی از مواد دیگر این لایحه تصویب رسید.

جلسه علنی بعدی مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته، روز چهارشنبه ۱۱ آذر تشکیل شد. پس از سخنان قبل از دستور، ابتدا طرح یک فوریتی در مورد "ارائه اساسنامه ارگانهای دولتی و نهادهای انقلابی به مجلس" در دستور روز قرار گرفت و پس از صحبت چند تن از نمایندگان، یک فوریتی آن مورد تصویب قرار گرفت، سپس بحث در مورد جزئیات لایحه "دیوان عدالت اداری" ادامه یافت و ۱۰ ماده دیگر از این لایحه

### سخنی درباره زنان:

## این انسانهای زاینده و پرورنده انسانها

مراعات حقوق اجتماعی و انسانی زن، نه در گفتار بل در کردار شاخص متمدن و انقلابی بودن هر جامعه و هر فرد است

زن کزایی "پورزوانی" (که می خواهد از "تاریخ مردانه" انتقام بکشد و همه شهرها را نتیجه سلطه شیطانسی مرد می داند) نیستیم. ما نمی خواهیم نا- هنجارهای تاریخ جامعه طبقاتی را به گردن مرد بار کنیم. تنها سخن ما این است که:

۱- از جهت اجتماعی بین مرد و زن، که اساس فعالیت های آنها همانند است و در بخش کوچکی از فعالیت، که هر یک شاید برخی مختصات ویژه خود دارند، نیز زنان از مردان یک سرومک نمی آورند، برابری حقوقی زن و مرد باید واقعی باشد، نه لفظی و دروغین، و باید در همه عرصه ها تجلی کند، والا لفاظی و عوام فریبی است. و متأسفانه هنوز جامعه ما چنین نیست.

۲- از جهت خانوادگی زن، که عملاً بار سنگین مادری و همسری را بر دوش می کشد، باید مورد عشق و عاطفه و احترام و همیاری و توجه خاص مردان خانواده باشد و بویژه عناصر انقلابی باید در این زمینه خود را نمونه نشان دهند.

ما می دانیم که تامین این دورشته بخودی خود انجام نمی گیرد و لازم نیل به آن، چنانکه تجارب تلخ تاریخ نشان داده است، نبردهای طولانی و دشوار است. لذا زنان باید در این دو جبهه مبارزه کنند. آنها بارها نشان داده اند که مبارزان دلیر و سرسختی هستند. اگر آنها برای احقاق حقوق اجتماعی و خانوادگی خود پای می فشرند، مردان فراوانی پیدا می شوند که به این حقوق اعتنائی ندارند. یا در لفظ از آن دم می زنند، ولی در عمل آنرا "فراموش" می کنند، و گاه هم "معصومانه" فراموش می کنند و فراموشی خود نادم و شرم زده میشوند، ولی متأسفانه وسهر حال فراموش می کنند.

هیچ موهبتی بدون نبرددشواریه دست نمی آید. منتظر عطیه و مرحمت کسی نباید نشست، زیرا حق گرفتاری است و برای رسیدن به هدف پیوسته باید فداکاری و کوشش کرد.

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، و مسئولان کشور اهمیت مقام زن را بارها تصریح کرده اند و میدان جامعه و خانواده ایران انقلابی امروز برای نیل به حقوق واقعی و انسانی و اجتماعی زن می تواند بازتر و مستعدتر شود. باید در این سمت کوشید و رزمید و امکانات بالقوه را به امکانات بالفعل مبدل ساخت.

ما در عین حال می دانیم که مردان انقلابی فراوانی هستند که تنها به این حقایق باور دارند، بلکه باورهای خود را در عمل بکار می بندند. آنها بهترین متحدان زنان برای نبرد بجای بحق آنان در عرصه جامعه و خانواده اند. ما مایلیم که "واقعیات" زشت کم بها دادن به حقوق زن، بویژه در صفوف انقلابیون، دیده نشود و جای خود راه شوه ها بی بده که آرمان انسانی و انقلابی ما به ما می آموزد. مردان ما باید طوری عمل و رفتار کنند که در برابر زنان ما سر بلند نباشند. مردان ما باید به ناروانی بسیاری "روشهای متداول" بی بیرند و آن روشها را برای همیشه ترک گویند.

## همه اگر از بین برویم، بهتر است از اینکه زیر دست

### صهیونیسم و آمریکا ذلیل باشیم

#### امام خمینی

"دیوان عدالت اداری" ادامه یافت و مواد دیگری از آن به تصویب رسید.

مصائب اصافی دیگری را بارنده بکورد شدن (در جاهلیت) وزنده سوختن (در نزد هندویان باستان) تحمل کنند. در جوامع عقب مانده، که در آنها آداب و رسوم خاصی حکمروا و متداول است و "قبح" آن آداب را هم نمی فهمند، برخورد مردان با زنان به تمام معنی مظهر این عقب ماندگی زشت و زننده است. و حیرت آور است که برخی افراد مترقی این اجتماع، که خود را "انقلابی" نیز می شمارند، گاه در این عرصه در سطح عقب مانده ترین افراد پدران، برادران، همسران و پسران در مقابل زنان ما با خشونت و حتی وحشیگری می ایستند و قدرتی را که طبیعت در بانگ و نیروی جسمانی آنها نهاده است، برای "سرکوب" فرد فداکار و عزیز و محترم و رنجبر خانواده به کار می برند.

روشن است که راه حل این جریان تحول بنیادین جامعه و برقراری تساوی حقوق در جامعه و خانواده و مراعات عملی این تساوی حقوق، بویژه از جانب مردان در برابر زنان است. این وظیفه به مردان انقلابی با حدت و شدت بیشتری تعلق می گیرد.

تردید نیست که زندگی خانوادگی روند بفرنجی است و مانمی - خواهیم یک سلسله مقررات یکنواخت برای تمام خانواده ها معین کنیم. اساس این نیست که زندگی خانوادگی بشکل روزمره خود چگونه می گردد و می گذرد. اساس آنست که زندگی خانوادگی بر اساس عشق، تفاهم، احترام نسبت به زن، درک وجود انسانی او، مراعات اکید حقوق بشری و اجتماعی او سیر کند و زن خود را در درون خانواده در مقام شایسته خویش حس نماید.

زنان در اکثریت مطلق خود مظهر فداکاری و از خود گذشتگی هستند، و در برابر آنها مردان غالباً با روحیه ای خود خواهانه تر، خود را نشان می دهند. ما از استثناها سخن نمی گوئیم. سخن از غلبه آماری در میان است. مادر، همسر، خواهر، دختر از دست زدن به همه نوع فداکاری در راه جامعه و افراد خانواده ابائی ندارند. به همین ترتیب عواطف انسانی در زنان قوی است. اگر چنین نبود، جامعه و خانواده با تمام دشواریش نمی گشت. این اوست که همه رنجها، از رنج جنگیدن در سنگر، تا شب زنده داری در بالین کودک را تحمل می کند. زن از نثار خود، در راه آنچه که جامعه و خانواده از وی می طلبد، دریغ ندارد. ولی شما مردان و بویژه شما مردان مترقی و انقلابی؟ آیا شما به ارزش والای این بزرگوارها، این از خود گذشتگی ها در کارخانه، اداره، مدرسه، مزرعه، کار - گاه، خانه، رده های مبارزه، صف های جنگ پی برده اید؟ آیا شما نیز از قفس خود خواهی "مردانه" خود توانسته اید خارج شوید؟ آیا اصولاً راجع به این مسائل اندیشیده اید؟ خود را محاکمه کرده اید؟

مانمی خواهیم نوعی "کیش زن" درست کنیم و نیز طرفدار اندیشه

در عصر ما دشوار است کسی علناً مانند سده های گذشته، ادعا کند که زنان "موجودات درجه دوم" هستند و جامعه باید بر اساس "مردسالاری" اداره شود. چنین کسانی را افرادی مرتجع و عقب مانده می نامند. ولی افسوس که مطلب تنها به قبول یک حقیقت عیان نمی تواند ختم شود و از اینها بمراتب بفرنج تر است.

مدتهاست که زنان جهان گام در صحنه مبارزه گذاشته اند و حقوق تمام عیار و کامل انسانی خویش را می طلبند. این حقوق نه تنها، مانند مردان جامعه، برخورداری از تمام مواهبی است که جامعه می تواند عطا کند، بلکه در عین حال برابر حقوقی با خود مردان است. اگر درست است که زن یک "موجود درجه دوم" نیست، پس در هیچ عرصه - ای و به هیچ بهانه ای نباید با وی چنین رفتار شود.

زن نیمی از جامعه است و آن هم نیمه ایست که نیمه دیگر را می زاید و با رنج و فداکاری می پرورد و ترا سر عمر پرورش، نگهداشت و بار آن را تحمل می کند. در هر عرصه ای که بگیریم: سیاست، اقتصاد، اجتماع، فرهنگ، خانواده، در جنگ و صلح، در شهر و ده، زنان اکنون نقش درجه اولی در جامعه بشری ایفا می کنند. طی سراسر تاریخ با رنگین تعدیه، تنظیف، تربیت و نگاهداشت کانون زیست و تحمل دشواریهای گذران کار زنان بود. در عین حال در تولید مادی و معنوی نیز زنان نقش مهمی را ایفا کردند.

در کشورهای سوسیالیستی گامهای تاریخی و عظیمی در راه استقرار برابری حقوق زن و مرد در تمام زمینه ها برداشته شده است. ولی زنان در کشور - های سرمایه داری و "جهان سوم" نه فقط از امیر بایلم، مقررات پدر - سالاری، ستم اربابها و خانها، تجاوزات سرمایه داران، فشار مقامات، تبلیغات اجتماعی و مقررات ظالمانه رنج می - کنند، بلکه در داخل خانه و کلبه خود نیز متأسفانه غالب اوقات عضو "کم بهای" خاندان تلقی می شوند! و این بیش از همه درد آور است.

البته! گاه سخنان سالوسانه و چاپلوسانه درباره مادر و همسر و خواهر، زیاد است. تعارفات لفظی، ژستهای نزاکت آمیز کم نیست. ولی این برخوردی است سطحی و سوک و بی ارزش. در موقع خود، یعنی در میدان عمل و واقعیت، زن تنها یک "عروسک" یا یک "خدمتکار" باقی می ماند. باسانی نام او و حق او فراموش می شود. شخصیتش را بر احتی پایمال می کنند و او چون "جنس لطیف" جامعه است، در مقابل "وعد و وعده برق" پدر، شوهر و فرزند چاره ای ندارد جز آن که دفاع محبت آمیز از خود را تنها گام به صورت اشکهای خاموش نشان دهد...

از هنگامیکه مالکیت خصوصی و نظام طبقاتی و شیوه پدرسالاری جامعه را در راه دشوار تکاملی انداخت، زنان یکی از قربانیان تاریخند و علاوه بر مصائب مردان خود، مجبور بوده اند

به تصویب رسید.

جلسه علنی بعدی مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته، روز پنج - شنبه ۱۲ آذر تشکیل شد. در سخنان پیش از دستور، از جمله حجت الاسلام ناطق نوری، که نمایندگی امام در جهاد سازندگی را عهده دار است، طی سخنان کوتاهی فعالیت های جهاد سازندگی را در جبهه های جنگ با

بحاورگران صدامی و بخصوص در عملیات "طریق القدس" بر شمرد. آنگاه مجلس وارد دستور شد و بحث در مورد لایحه

بیانیه حزب کمونیست عراق

کلبه کوششها برای متوقف ساختن کشتار و سرنگونی

آدمکشان صدامی باید متحد شوند!

رژیم عراق به پایان عمر خود نزدیک میشود

حزب کمونیست عراق به مناسبت سالگرد جنگ تحاویز کارانه آمریکایی - صدامی علیه ایران انقلابی بیانیه ای صادر کرده، که تازه بدست ما رسیده است و ما از نظر اهمیت، ترجمه آن را در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسانیم.

\*\*\*\*\*

فرزندان خلق بزرگ ما! کارگران و دهقانان و سربازان! افسران و درجه‌داران شرافتمند! پارتیزان‌ها و پیشمرگان قهرمان! مبین‌دوستان عرب و کرد و اقلیت‌های ملی، صرفنظر از عقاید سیاسی و مذهبی و تعلق ملی!

بیش از یکسال از کشتار وحشتناکی که صدام حسین با تحاویز خائنه خود علیه مردم همسایه ایران آغاز کرد، می‌گذرد. در این یکسال شوم مردم ما مصائب و بدبختی‌هایی را متحمل شده‌اند که در طول تاریخ جدید خویش علی‌رغم مصیبت‌هایی که از سوی استعمارگران مهاجم و حکام خائن و دیکتاتور بر آنها گذشته است، نظیر نداشته است.

سیر جنگ صحت نظریات حزب ما را، که در آغاز آن، در بیانیه مورخ ۱۹۸۰/۹/۲۴ انتشار داد و طی آن از همگان برای متوقف کردن فوری جنگ و براندازی رژیم آدمکشان، دعوت نمود به اثبات رسانده است. اینک حوادث ثابت می‌کند که جنگی که برافروخته شد، بخاطر منافع امپریالیسم و اعمال مرتجع آن در منطقه و در رأس آن حکام سعودی و اردن بوده است. حوادث همچنین اثبات می‌کند که این جنگ مطلقاً هیچگونه ربطی با حقوق مردم عراق یا مردم عرب که به ادعای صدام، بوی جنگ را بخاطر آنها برافروخته است، ندارد. در کمال وضوح روشن شده است که آنچه نامش را "قادیسه" صدام گذاشته‌اند، جز کشتار گاهی که حکام دیکتاتور برای رهائی از بحران سخت مبتلا به خویش و به تصور کسب پیروزی سریع برای اعاده و ترمیم حیثیت و اعتبار از دست رفته خود برای خودنمایی بمناب قهرمانان موهوم ملی، آنرا ایجاد کرده‌اند چیز دیگری نیست. لیکن آرزوهای این آدمکشان بر باد رفت و با پایان سال اول جنگ، دشواریهای آن محدود شدت یافت و خسارات مادی و انسانی بار دیگر افزایش پذیرفت جنگ‌هایی که برای شکستن محاصره آبادان روی دادند، دارای مفهوم بزرگی است. ارتش عراق هزاران کشته و زخمی و اسیر از افسران و سربازان داد، که تأیید می‌کند که دیکتاتور عراق حاضر است میلیون‌ها نفر از فرزندان مردم، اعم از عرب و کرد را نابود نماید و ارتش عراق را، که بخشی از این مردم است، به نابودی کشاند. آدمکشان برای تیره خود از این شکست، عذر و بهانه ای جز این ادعای بوج پیدانکردند، که به میل خویش مواضع خود را ترک کرده‌اند!

ولی آنها نسبت به وضع واقعی و ماحرا حوثی، احمقانه خودآگاه و از انفجار خشم مردم علیه خویش بی‌مناکند. و به همین جهت است که ترور و اختناق را علیه توده‌های مردم و نیروهای ملی تشدید کرده‌اند.

وحشیانه به پایمال کردن حقوق شهروندان می‌پردازند، عملیات قلع و قمع را علیه خلق مبارز کرد گسترش داده‌اند و احکام اعدام را علیه دهها تن از شهروندان دارای عقاید گوناگون سیاسی و متعلق به همه احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف، اعم از عرب و کرد و اقلیت‌های ملی و گروه‌های مذهبی اجرا می‌کنند. همه اینها به امید متوقف ساختن موج خشم روزافزون مردم و به تاخیر انداختن انفجار خشم آنان است که رژیم آدمکشان را بر باد می‌دهد و کشتاری را که صدام حسین علیه مردم دوست ایران ایجاد کرده است، متوقف می‌سازد. رژیم دیکتاتوری روز بروز ضعیف تر و ناتوان تر و از توده‌های مردم بی‌قیه در صفحه ۱۲

در هفته‌ای که گذشت:

ناراضی تراشی،

توطئه‌ای ضد انقلابی

دادستانی کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران، طی انتشار اطلاعیه - ای، اعلام کرده است: "اخیراً ضدانقلابیون برای ضربه زدن به دستاوردهای انقلاب شکوهمند اسلامی مبادرت به ایجاد ناراضی بین مردم و بدبین کردن آنها به ارگان های انقلابی می‌نمایند بطوریکه بعضی از آنان خود را پاسدار دادستانی کل انقلاب اسلامی (بعنوان دادگاه مبارزه با منکرات) معرفی نمودند و اخاذی و ایجاد مزاحمت می‌نمایند که چندتن از آنان دستگیر شده‌اند. لازم به توضیح است که این دادگاه به هیچوجه گروه ضربت جهت انجام ماموریت‌ها نداشته و ندارد. لازم به تذکر است که دو هفته قبل حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی نیز، در خطبه‌های نماز جمعه ۳۰ آبان ماه، خطر های جدی عملکرد "دشمن ملیها" در دست درآمد "دوستان نادانی که کار دشمن را میکنند" را تذکرشده و هشدار داد. در آن خطبه‌ها، امام جمعه "موقت" تهران هدف های ضدانقلابیون دوست‌نمار از جمله ایجاد "بی‌اعتمادی و شکستن اعتماد مردم"، "بی‌قانونی"، "ناراضی کردن مردم" و سرانجام "بد-نام کردن" نهادها، دانسته بود، همان اهدافی که در اطلاعیه دادستانی کل انقلاب نیز منعکس شده است. اطلاعاتی دادستانی کل انقلاب نشان میدهد که ضدانقلاب بر حسارت خود تاجایی افزوده است که حتی مسلحانه، زیرلباس پاسداران، تخم ناراضی می‌افشاند تا مردم را علیه نهاد های انقلابی تحریک کند.

توطئه ناراضی تراشی، جزئی از توطئه عظیمی است که بدست دوستان نادان و دشمنان دانائی که به لباس دوست درآمده‌اند، در سراسر کشور علیه انقلاب ایران به اجرا درمی‌آید. باید قاطعانه در مقابل این توطئه ایستاد و عاملین آنرا افشا و مجازات نمود.

گسترش صنایع سنگین،

تنها راه قطع وابستگی

صنعتی است

آقای مصطفی هاشمی وزیر صنایع طی یک مصاحبه مهم رادیو تلویزیونی، با آنکه به آمار، وضع تلخ و تکان دهنده صنایع کشور ما را مورد بررسی قرارداد او گفت: "از مشخصات صنایع ما وابسته بودن آنست. از جمله ارشی که رژیم سابق برای ما قی گذاشت، پای بند بودن به

غرب است، بطوریکه در حال حاضر ۷۵ درصد مواد اولیه کارخانجات و ۹۵ درصد ماشین آلات ما بپایه‌های خارج تامین بشود، که در بعضی از بخش‌ها به خاطر پیچیدگی تکنولوژی که بر مبنای حضور خارجی‌ها بنا شده بود، حتی به نیروی انسانی و روش‌های اجرایی آنها نیز وابستگی بسیار شدیدی احساس میشود. . . . بعنوان مثال ۹۰ درصد مواد اولیه ماشین آلات صنعت مروغن نباتی ما از خارج است و در حقیقت صنعت مروغن - نباتی ما پرکردن قوطی است. . . . در بخش نساجی که یک صنعت ملی کشور ما است ۷۵٪ مواد اولیه و ماشین آلات آن از خارج تامین میشود که می‌توان گفت در کل، این صنعت هم وابسته است.

وزیر صنایع افزود: "برای تحرک صنعت کشور در سال مبلغی حدود ۷ میلیارد دلار آرزو صرف تامین مواد اولیه و لوازم یدکی میشود، که این مبلغ ۱۳ درصد تولید ناخالص ملی ما را تشکیل می‌دهد، به عبارت دیگر ما بیش از نیمی از آرزمان را مصرف می‌کنیم تا ۱۳ درصد به ارزش تولید ناخالصمان اضافه شود."

وزیر صنایع سپس چنین نتیجه گرفت: "طبیعتاً یک چنین صنعتی با انقلاب ما نمی‌تواند هماهنگی داشته باشد"

سخن وزیر صنایع واقعیت تلخ وابستگی راه‌نمایی می‌گذارد. واقعیتی که به هیچوجه با خواست و هدف و محتوای انقلاب ما تطبیق نمی‌کند. وابستگی سلاح مهلکی در دست دشمن تشنه خون است تا از طریق آن، انقلاب را باد شواری‌های وصف ناپذیر مواجه سازد. به همین دلیل مسئولین انقلاب ما باید هر چه سریع تر برای رفع این خطر مهلک، چاره - اندیشی کنند. تا کید وزیر صنایع کشور بر صنایع مادر و طرح پیشنهاد ایجاد صنایع سنگین، بی‌انگراست که مسئولین صدیق جمهوری اسلامی راه‌برون رفتار از این تنگنار خوبی می‌شناسند، زیرا در واقع برای قطع وابستگی اسارت بار صنایع کشور ما به امپریالیسم، راهی جز گسترش صنایع مادر و سنگین، وجود ندارد.

باترورست‌های اقتصادی

قاطعانه مقابله کنید!

اینجا نمونه‌هایی اندک از عمل - کرد گسترده ترورست‌های اقتصادی است که تا بحال کشف شده‌اند ترورست‌های اقتصادی، بزرگ سرمایه - داران و بزرگ مالکان، برای نابودی انقلاب، بیدریغ سرمایه‌گذاری میکنند و با خرابکاری‌های خود ضربات خطرناک بر انقلاب وارد می‌سازند. برای حفظ سلامت انقلاب، جلب حمایت گسترده

توده‌های مردم و تضمین پیشروی و پیروزی انقلاب باید با این جنایتکاران واقعی، قاطعانه مبارزه کرد: "ما مورین شهرتانی در یکی از محلات تهران یک منزل مسکونی را تفتیش میکنند و می‌بینند که چهار صد تخته‌قالی نفیس را بطرز ماهرانه‌ای در ۶۰ عدل زیر کیسه‌های سب‌زمینی پنهان کرده‌اند. . . . یکی از قالی‌ها را به علت نفیس بودن و قدمت و ارزش فوق‌العاده نمی‌توانند قیمت‌گذاری کنند و ارزش بقیه قالی‌ها را تا یک میلیارد ریال بر - آورد می‌کنند."

"فقط از یک محکوم در خیابان ظفر ۵، تن مرغ کشته شده کشف شد" در خرداد ماه ۵۰ هزار پنکه توسط بازرسان ستاد امور صنعتی کشف شد. (اطلاعات ۱۲ آذر ماه ۶۰)

"توده‌های انباشته شده‌ای از جعبه‌ها و بسته‌های دارو (که همگی سالم و برخی نایاب بودند) در جاده هزار کشف شد."

"قلم جوش" (که یکی از کالاهای پرمصرف جوشکاری است) در بازار یافت نمیشود. اختکار میکنند و با رعایت اصول مخفیکاری تاده برابر قیمت اصلی می‌فروشند"

"برنج را با اسم رمز می‌فروشند" (اطلاعات ۱۲ آذر ۶۰)

"گرچه (آهن) توسط دولت توزیع میشود. اما بازاریابان شدیدی دارد و هر کیلو که باقیمت دولتی ۴۶ ریال است، گاه تا سی و پنج تومان هم توسط واسطه‌ها عرضه می‌شود. لایم که هر عدد به قیمت تجارتی ۴ تا ۵ تومانست، در دست بساط فروشی‌ها تا ۲۰ تومان هم فروخته میشود."

"کشف ۴۵۰۰ کیلو ماهی قاچاق در رودبار گیلان توسط ژاندارمری ماهی‌بازش ۲ میلیون ریال و از جمله یک تن ماهی آزاد، یک تن سفید و . . . کشف ۷۸۰ عدل لباس (انواع پالتو، اورکت، کت و شلوار) گران قیمت قاچاق تعداد زیادی ساعت و پارچه و وسایل لوکس و جرج خیاطی ۳۰ کیسه قند قاچاق و ۲ کیلو و پانصد گرم شمش نا قابل طلا در مرزهای سیستان و یلو - چستان"

در یکی از بنادر نیز ۸۷۷۲ کیلو ماهی قاچاق بدست می‌آید. همچنین ۴ میلیون تومان کالا در چاه‌سبار . . . بکروز ۱۶۸ تن تیر آهن قاچاق در حلقا کشف میشود و روز دیگر از خروج ۱۸ کیلو و ۳۲۵ گرم طلای خالص جلوگیری می‌کنند. ۳۲ دستگاه یخچال قاچاق در روانسر بدست می‌آید و در جایی دیگر یک کامیون گوشت گوسفند قاچاق (۱۳۶ لاشه) از دو محکوم - هم - چنین بیش از باره تن برنج و کامیون سیمان و میلیون‌ها ریال ارز خارجی و طلا و جواهر کشف می‌شود. - پاسداران در سیستان و بلوچستان یک باند مجهز را کشف میکنند که صادرات به حمل آهن بطور غیرقانونی به پاکستان می - کرده است و دهها و صد ها کشف و اکتشاف دیگر. بخصوص این کشف اخیر، کشف ۲۵۰ تن مرغ" (اطلاعات ۱۴ آذر ۶۰)

سوسیالیستی نیز در زمینه‌های اقتصادی، بازرگانی و فنی مناسبات گسترده و پویا دارد. برای نمونه، در چهار سال اخیر حجم مبادلات بازرگانی میان الجزایر و جمهوری دمکراتیک آلمان چهار برابر شده است. آلمان دمکراتیک در الجزایر به ساختن بزرگترین ریخته‌گری فولاد آفریقا مشغول است. جمهوری دمکراتیک آلمان الجزایر را به ۳۲۲ تانک حرقه آموزشی مجهز ساخته است. فزون بر این، اکنون ۴۰۰۰ کارگر الجزایری در جمهوری دمکراتیک آلمان حرقه می‌آموزند. کارشناسان جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی، بلغارستان، لهستان، مجارستان و ویتنام در اکتشافات ژئو - فیزیکی ذخیره‌های ب در الجزایر شرکت دارند. به کمک کارشناسان همین کشور - هادار الجزایر، از جمله بزرگترین فرستنده امواج بلند در الجزایر احداث شد. در دانشگاه‌های الجزایر استادان شوروی، آلمان دمکراتیک لهستان و بلغارستان تدریس می‌کنند.

همکاری اقتصادی گسترده و پویای الجزایر با کشورهای سوسیالیستی

\* اکنون ۱۱۰۰ الجزایری در اتحاد شوروی تحصیل می‌کنند \* واحدهای بزرگ صنعتی، که در الجزایر به کمک کشورهای سوسیالیستی ساخته شده است، در نوع خود در آفریقا بی نظیر است.

باید جسجو کرد. تا کنون ۶۵۰۰ مهندس و ۳۰۰۰۰ کارگر الجزایری بکمک اتحاد شوروی آموزش یافته‌اند. در حدود ۱۳۰۰ نفر آنها در اتحاد شوروی درس خوانده‌اند. هم اکنون ۱۱۰۰ الجزایری در اتحاد شوروی به تحصیل اشتغال دارند. قرار است در چار چوب برنامه پنجاه ساله کنونی (۱۹۸۴ - ۱۹۸۰) ۳۴ تانک حرقه آموزشی به کمک اتحاد شوروی در الجزایر تاسیس شود. چندین انستیتی نفت، گاز، شیمی و صنایع سبک و دانشکده‌های معدنی و فلز کاری مظهر مناسبات دوستانه میان اتحاد شوروی و الجزایر است.

مبادلات بازرگانی میان اتحاد شوروی و الجزایر به ۸۰۰ میلیون دلار رسید. از جمله پروژه‌هایی، که به باری کشور - های سوسیالیستی در الجزایر اجرا می - شود، میتوان از احداث یک نیروگاه بزرگ، یک کارخانه قلع و سرب و یک واحد جیوه‌سازی یاد کرد. در مجتمع فولادسازی "الحجر"، که در ساختن آن اتحاد شوروی نقش بسزایی داشت، اکنون واحد بزرگ فلزکاری به کمک اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تاسیس می‌گردد. پس از آغاز مرحله دوم تولید این واحد، الجزایر به بزرگترین تولید کننده صنعت فلز - کاری آفریقا بدل خواهد شد. یکی از مهم ترین زمینه‌های هم - کاری میان الجزایر و کشورهای سوسیالیستی را در آموزش کادر تخصصی

چندی پیش "هیجدهمین نمایشگاه بین‌المللی الجزیره" در الجزایر برگزار شد. در این نمایشگاه غرفه‌های کشورهای سوسیالیستی جلوه ای خاص داشت و نمایشگر همکاری نزدیک این کشورها با الجزایر بود. این همکاری بر پایه احترام به حاکمیت ملی، عدم مداخله در امور داخلی، کاربست اصل سود متقابل و کمک دوستانه استوار است. کشورهای عضو "شورای همکاری اقتصادی" بویژه با رشته‌هایی از اقتصاد ملی الجزایر همکاری می‌کنند، که به تقویت صنعت ملی و پایه انرژی آن توسعه کشاورزی و آموزش کارشناسان الجزایری کمک می‌رساند. در این زمینه همکاری با اتحاد شوروی وزنی خاص دارد. تنها در سال ۱۹۸۰، حجم

# اتحاد شوروی پشتیبانی خود را از بیکار مردم فلسطین یاد آورش

واسیلی کوزنتسوف، معاون اول شورای عالی (پارلمان) اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، در دیداری با نمایندگان اتحادیه پارلمانی کشورهای عرب گفت: "اتحاد شوروی قاطعانه از حل عادلانه بحران خاورمیانه از طریق خروج کامل اسرائیل از همه مناطق اشغالی و شناسایی حقوق خلق عرب فلسطین، از جمله تشکیل کشور مستقل خویش، پشتیبانی می کند."

واسیلی کوزنتسوف، خاطرنشان ساخت که اتحاد شوروی "سازمان آزادی بخش فلسطین" را بعنوان تنها نماینده راستین مردم فلسطین می شناسد.

هم زمان با "روز همبستگی بین المللی با خلق فلسطین" (۱۸ آذر ۶۰/۲۹ نوامبر ۱۹۸۱)، تظاهرات وسیعی در کرانه غربی رود اردن صورت گرفت. سربازان اسرائیلی به برچیدن پرچم فلسطین برفراز خانه های فلسطینی ها اقدام کردند. آنها در رام الله با گاز اشک آور به مقابله با تظاهرات دانشجویان پرداختند. در ماه گذشته، در کرانه غربی حداقل ۲۰۰ تظاهر کننده علیه اشغالگران اسرائیلی دستگیر شده اند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد بحث درباره مسئله فلسطین را آغاز کرد. فاروق قدوسی عزم مردم فلسطین را برای ادامه مبارزه در راه بازیابی میهن خود ابراز داشت. وی تسانی "کمپ دیوید" را محکوم کرد و همکاری استراتژیک میان "واشینگتن" و "تل آویو" را سبب تشدید وخامت اوضاع در خاورمیانه خواند.

## حزب متحد کارگری لهستان: مهمترین وظیفه مبارزه بادشمنان سوسیالیسم است

پلنوم کمیته مرکزی "حزب متحد کارگری لهستان" وظیفه اصلی حزب را در دوران کنونی مبارزه با تهدیدات علیه سوسیالیسم و دشمنان نظام سوسیالیستی در لهستان خواند. کمیته مرکزی فعالیت ماحراجویان سیاسی را علیه حزب و نقش قانونی آن قاطعانه محکوم ساخت. در بیانیه کمیته مرکزی آمده است:

"دولت همه وسائل را که در اختیار دارد علیه کسانی که قصدکنار گذاشتن حزب را از موسسات سوسیالیستی دارند، بکار خواهد برد."

کمیته مرکزی دولت را موظف ساخت، تا کام های قاطع علیه دشمنان سوسیالیسم بردارد و به نمایندگان حزب در "سیم" (پارلمان لهستان) دستور داد، تا قوانین اضطراری برای مقابله با تخریب اقتصادی عناصر ضد انقلاب وضع کنند.

# "سپاه چندملیتی" یوشی برای گسترش حضور نظامی آمریکا در منطقه

وزیر دفاع اسرائیل در دیدار خود با هیگ در "واشینگتن" به بررسی باصطلاح "سپاه چندملیتی" پرداخت، که بر پایه قرارداد "کمپ دیوید" پس از خروج نیروهای اسرائیلی در سینا استقرار خواهد یافت. ایالات متحده کوشیده است، تا از این راه به تقویت حضور نظامی خود در خاورمیانه برده پوشد. وزیران خارجه اسرائیل و آمریکا در واشینگتن قرارداد دیگری در باره همکاری استراتژیک امضا کردند. این قرارداد، از جمله، مانورهای نظامی مشترک و احداث پایگاه های آمریکا را در خاک اسرائیل در برمی گیرد. قرارداد نام برده همچنین شامل چند ماده سری است، که موجب یکی از آنها، آمریکا اطلاعات نظامی خود را درباره کشورهای عرب در اختیار اسرائیل می گذارد.

از سوی دیگر فیلیپ حبیب، فرستاده ویژه ریگان، باردیگر سفر خود را در خاور میانه آغاز کرد. "واشینگتن" ادعا دارد، که ماموریت او "ماموریت صلح" است. اما پیش بینی می شود، که سفر حبیب یوشی برای تجاوز دوباره اسرائیل به لبنان خواهد بود. در جریان آخرین سفر حبیب به خاورمیانه، اسرائیل، علاوه بر بمباران پژوهشگاه اتمی عراق، به حمله گسترده علیه لبنان دست زد.

عبدالحلیم خدام، وزیر خارجه سوریه، قرارداد همکاری استراتژیک میان آمریکا و اسرائیل را به باد انتقاد گرفت. وی این اعتراض را در ملاقات خود با فیلیپ حبیب در دمشق بیان داشت.

### وزیران خارجه "پیمان ورشو":

## خلع سلاح مهم ترین مسئله جهانی است

کمیته وزیران خارجه کشورهای "پیمان ورشو" در بخارست اجلاسی برگزار کرد. این کمیته به بررسی مسائل حاد تجدید و خلع سلاح در پیوند با اجلاس ویژه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۲ درباره خلع سلاح پرداخت. وزیران خارجه کشورهای "پیمان ورشو" همچنین درباره اتخاذ برخی تدابیر به منظور تحکیم امنیت و همکاری در اروپا گفتگو کردند.

در بیانیه ای که در پایان اجلاس کمیته وزیران خارجه کشورهای "پیمان ورشو" انتشار یافت، گفته می شود که:

"مهم ترین مسئله امروز جهان قطع فوری مسابقه تسلیحاتی و گذار به خلع سلاح موثر برای پشتیبانی از تنش زدایی بین المللی است."

وزیران خارجه "پیمان ورشو" آمادگی کشورهای سوسیالیستی را برای مذاکره درباره تجدید، کاهش و منع هرگونه سلاح بر پایه توافق عادلانه و متقابل مورد پذیرش تأکید کردند و پشتیبانی خود را از پیشنهاد های سازنده برونف اعلام داشتند.

## توطئه آمریکا علیه نیکاراگوئه ادامه دارد

به گفته توماس بورخه، وزیر کشور نیکاراگوئه، ایالات متحده آمریکا در حدود دو ماه دیگر به محاصره دریایی نیکاراگوئه دست خواهد زد. وی، که در پاناما سخن میگفت، افزود که این دسیسه ها نیکاراگوئه را از راهی، که برگزیده است، باز نخواهد داشت.

"تاس" ادعای ایالات متحده را، که گویا اتحاد شوروی قصد احداث پایگاهی جنگی را در نیکاراگوئه دارد، "ساختگی" خواند. "تاس" خاطر نشان می سازد:

"اتحاد شوروی نه در نیکاراگوئه دارای پایگاهی جنگی است و نه در دیگر کشورهای آمریکای لاتین. "واشینگتن" از افسانه "تهدید شوروی" برای توجیه دسیسه های تجاوزکارانه خویش علیه کوبا، مداخله در السالوادور و اقدامات خرابکارانه علیه نیکاراگوئه بهره می جوید."

## انتخابات به اصطلاح "آزاد" در هندوراس

در هندوراس پس از نزدیک به ده سال حکومت نظامیان، انتخابات همگانی برگزار شد. گرچه قرار بود این انتخابات "آزاد" و "دمکراتیک" باشد، ولی کمونیستها و دیگر سازمان های مترقی حق شرکت در آن را نیافتند.

## کشف ۱۵ جسد در یک مزرعه نیشکر السالوادور

روز جمعه ۶ آذر ۶۰ (۲۷ نوامبر ۸۱) در پنج کیلومتری شمال سان سالوادور، دهقانان جسد ۱۵ نفر را در نیشکر زاری یافتند. به گفته اهالی ده، شب ها چندین بار صدای تیر شنیده میشد. کمیسیون حقوق بشر السالوادور "خونتا" آن کشور را متهم ساخت که به یاری باندهای افراطی راست، به کشتار هواخواهان چپک ها دست میزند. از روی کار آمدن "خونتا" تاکنون بیش از ۳۲ هزار نفر از مردم السالوادور به قتل رسیده اند.

از سوی دیگر، "خونتا" السالوادور "وضع فوق العاده" را برای ۳۰ روز دیگر تمدید کرد.

# اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:  
محمود اعتمادزاده (م. ا. ب. دین)  
آدرس: تهران، منطقه ۱۳ پستی  
صندوق پستی ۱۱۱۷/۲۱۴

# وقایع مهم جهان در یک هفته

## آغاز گفتگوهای ژنو درباره تحدید سلاح های هسته ای در اروپا

رئیس هیئت نمایندگان اتحاد شوروی در "گفتگوهای ژنو" با ایالات متحده آمریکا درباره تحدید سلاح های هسته ای در اروپا، گفت که:

"اتحاد شوروی خواستار تحدید اساسی جنگ افزارهای میان برده هسته ای در اروپاست."

وی این سخنان را پس از ورود به ژنو بیان داشت و افزود:

"اتحاد شوروی اعتقاد دارد که توافق در این باره نه تنها ضرور، بلکه همچنین ممکن است. راه دستیابی به آن رعایت اکید اصل برابری و امنیت برابر است."

او این گفته برونف را در جریان دیدار اخیر خود از آلمان غربی یاد آور شده، اتحاد شوروی آماده است، تا از برجیدن همه موشک های میان برده هسته ای در اروپا پشتیبانی کند.

روز دوشنبه ۹ آذر ۶۰ (۳۰ نوامبر ۸۱) گفتگوهای میان ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی درباره تحدید جنگ افزارهای هسته ای در اروپا در ژنو گشایش یافت.

در آستانه آغاز "گفتگوهای ژنو" لئونید برژنف در بن پیشنهاد کرده بود که، در طول این مذاکرات، دو طرف از افزایش موشک های خود در اروپا سر باز زنند. وی آمادگی اتحاد شوروی را برای برجیدن برخی از موشک های میان برد اتحاد شوروی پیش از دستیابی به توافق نهائی اعلام داشته بود.

پس از نخستین دور گفتگوهای ژنو، روسای هیات های نمایندگی اتحاد شوروی و ایالات متحده خوشنودی خود را از جریان مذاکرات ابراز کردند.

به گفته والد هایم، دبیر کل سازمان ملل متحد، "گفتگوهای ژنو" دارای اهمیت فوق العاده برای پیش برد صلح در سراسر جهان است.

## اعتصاب نه ...

بقیه از صفحه ۱

در میان بود. اما به بهانه آن کمتر اشاره می شد. قطع سهمیه تولید موضوع چنین بهانه های قرار گرفته است. این خود می رساند که عواملی در گمراه کردن محیط های کار دست دارند.

اما نفی اعتصاب و عدم تجویز آن در شرایط کنونی، تحت هر عنوانی صورت گیرد، بدان معنی نیست که به خواست های قانونی کارگران بی اعتنا باشیم. باید به خواست منطقی کارگران توجه کرد و در صورت امکان به آن پاسخ مثبت داد.

خواست منطقی کارگران عدم قطع سهمیه تولید، که یکی از اشکال عقب مانده پرداخت دستمزد در رژیم طاغوتی گذشته بوده، نیست. سرمایه داران زالوصفت در ایران از ده ها سال به این طرف، با پرداخت بخشی از دستمزد به صورت جنس، در جهت تشدید استثمار کارگران و پائین نگاه داشتن سطح دستمزد استفاده کرده و می کنند. تنها در کارخانه های بزرگ نیست که بخشی از دستمزد بصورت جنس، مثلاً انومیل و یخچال داده می شده. در کوره پزخانه ها بخشی از دستمزد بصورت خشت و در کارخانه های نساجی بصورت پارچه و پتو و نظیر آن به کارگران داده می شده است. امروز که اجناس در بازار نایاب شده، شاید به ظاهر دریافت سهمیه تولید برای کارگر مفید جلوه کند، اما همیشه پرداخت دستمزد به صورت جنس، یکی از اشکال عمده پائین نگاه داشتن دستمزد و غارت کارگران بوده است. اجناسی که به کارگران بابت دستمزد داده می شده در بازار به قیمت های بسیار نازل و ناچیز فروش می رفته است.

حرف منطقی کارگران اینست که تمام اشکال طاغوتی پرداخت دستمزد منجمد پرداخت دستمزد به صورت سهمیه، قطع شود. اما لازمست قطع این سهمیه و یا مزایای دیگر، که بخشی از دستمزد کارگران را تشکیل می دهد، در افزایش دستمزدهای آنان منظور گردد. کارگران نیز مسلماً با قطع سهمیه تولید، بعنوان یکی از اشکال عقب مانده پرداخت دستمزدها مخالف نیستند. آن ها می خواهند برای پرداخت مزد واقعی و منطقی اقدام لازم صورت گیرد. در همین مورد است که کارگران می توانند بحق از وزیر کار گلهمند باشند. وزیر کار در حالی که یک جانب قضیه، یعنی ضرورت قطع سهمیه تولید را بدرستی می بیند، جانب دیگر قضیه را، که تنظیم واقعی دستمزد را بر پایه محاسبه گرانی هزینه زندگی و نظائر آن باشد، مسکوت می گذارد.

اعتصاب غافلگیرانه در یکی از واحدهای بزرگ صنعتی بار دیگر این واقعیت را ثابت می کند که در غیاب تشکلهای صنفی کارگران، عوامل مخرب به سهولت می توانند محیط های کار را آشفته سازند. مسلماً وجود سازمان صنفی آگاه و انقلابی در میان کارگران مانع از آن می شد که بر سر مسئله ای که بین کارگران و دولت تقاضای حل شود، کار به اعتصاب کشانیده شود. ما وظیفه خود می دانیم که بار دیگر ضرورت وجود تشکلهای صنفی آگاه و انقلابی را، هم به کارگران و زحمتکشان و هم به مقامات مسئول دولت انقلاب، متذکر شویم. وجود این تشکلهای در شرایط کنونی عمده ترین عامل تثبیت تقاضای بین کارگران و دولت انقلاب بشمار می رود و عامل اصلی خنثی ساختن توطئه های امپریالیسم و ضدانقلاب در محیط های کار است.

# شرکت فعال در نبرد

## با منجاوزین صدامی

## یک وظیفه انقلابیست